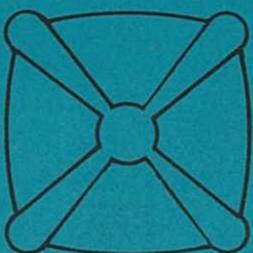


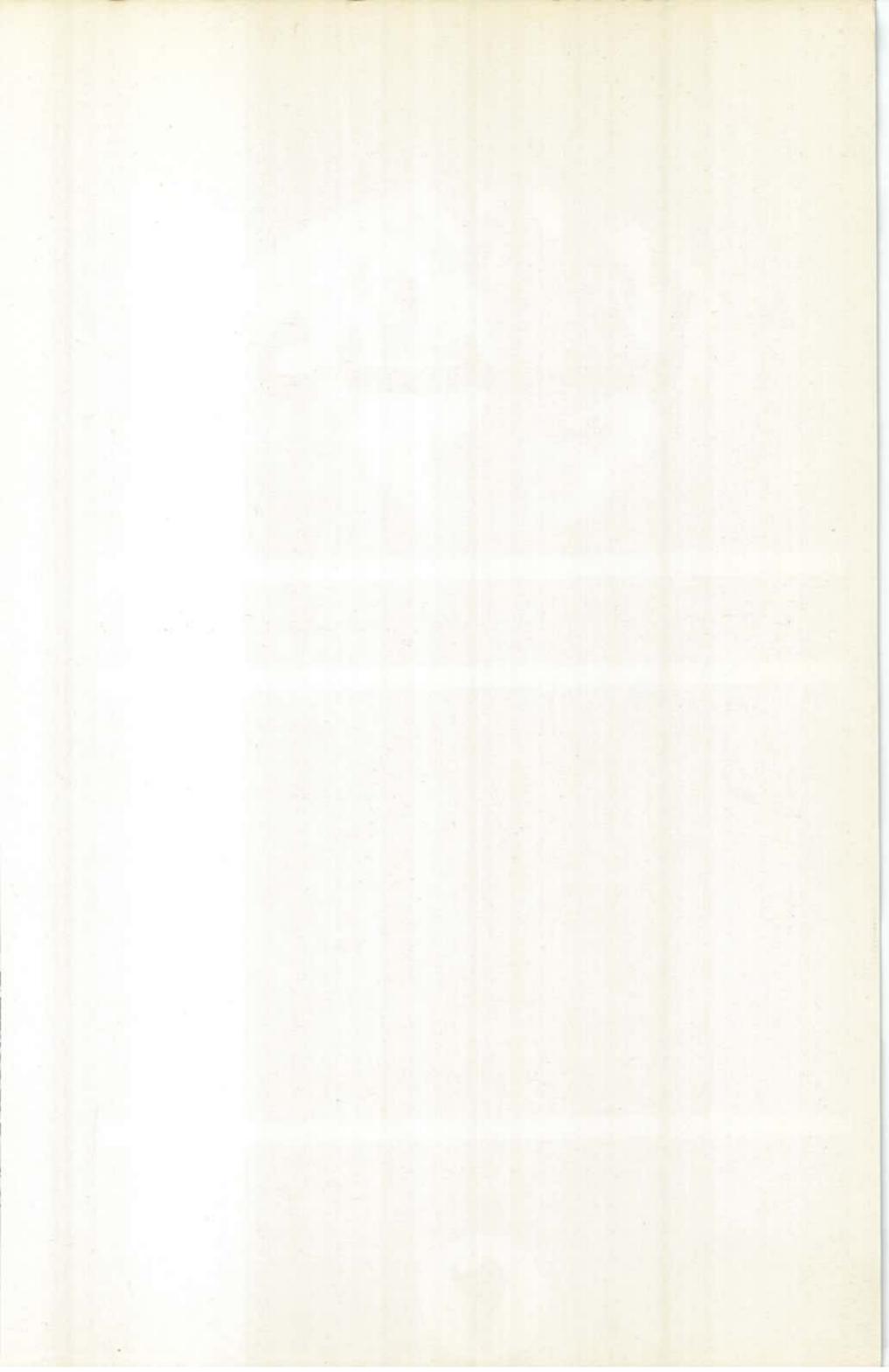


نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران



بنیادگذار دکتر تقی ارانی

سال چهاردهم ، شماره



دستی

در این شماره:

صفحه

- نامه هیئت رهبران کمیته مرکزی حزب توده ایران به هیئت های تحریریه
مجلات "دنیا" و "پیکار" ۲
- چهره رشت سیاست ناظمیگری و تجاوز ۳
- چرخش بزرگ در روض جهان ۹
- صلاح و امنیت در آسیا ۱۶
- سینما علمی بررسی مسئله نفت در کشورها ۱۷
- سیاست ماقوئیست ها واقعیت ۴۲
- برخی جوانب تجارب انقلاب کوہا ۶۱
- سوسیالیسم با گامهای مطمئن بسوی پیروزی نهائی خود پیش میروند ۶۸
- ترانه های از جریک های فلسطینی ۶۹
- درجستجوی برخی مقولات اقتصادی در ادبیات کلاسیک ما ۷۲
- خطاطرات رفیق سیروس بهرام ۸۹
- یاد از یک خاورشناس پژوهشگر شوروی ۹۷
- یادی از یک مبارز کمن ۱۰۱

نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر ششماه یکبار تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود.
دوره دوم، سال چهاردهم، شماره دوم، ۱۳۵۲

نامه هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران

به

هیئت های تحریریه مجلات «دنیا» و «پیکار»

رفقاى عزيز!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران با توجه به ضرورت تشدید فعالیت ایدئولوژیک و واکنش سریع و موقع در مقابل خواست وسائل ، با توجه به ضرورت متوجه ساختن عده فعالیت حزب به کار در داخل کشور، تصمیم گرفته است مجله «دنیا» از سال جاری به شکل ماهانه معنی ۱۲ شماره در رسال نشریه اید . در راش محدود بودن امکانات حزب، اجرا، این تصمیم بنا چار باتعطیل انتشار مجله «پیکار» همراه خواهد بود . بدین مناسبت هیئت اجرائیه ضرور میداند نظر خود را در باره کار انجام یافته از جانب این دو مجله و وظایف کنونی مجله «دنیا» بیان دارد .

مجله «دنیا» طی ۱ سال انتشار خود وظایف را که در پرا برآورده بشایستگی انجام دارد و نقش مهمی در ترویج مارکسیسم - لینینیسم ، طرح و تحلیل مسائل حاد جامعه ایران و جنبش انقلابی کشور، تنظیم و تدبیر تاریخ جنبش کارگری در ایران ، بررسی مسائل و مباحث مختلف مربوط به تاریخ و فرهنگ کشور، توضیح مشی حزب در عرصه های مختلف و دفاع از آن ایفا کرد و بهمین سبب هیئت واعتماریزگی در زند نیروها ای انقلابی و متفرق کشور ما کسب کرده است . ولی انتشار فصلی مجله «دنیا» به سبک و شیوه کنونی نمیتواند پاسخگوی نیاز روزافزون حزب برای مقابله سیاسی و ایدئولوژیک با موقع با نظریات انحرافی "چپ" و راست و طرح و تحلیل سریع مسائل حاد جهان و ایران باشد . هیئت اجرائیه حزب برآنست که مجله ای در صفاحت کنتر، بامقالات کوتاه تر، در مرور مسائل گزین و میر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظری متعدد اد بیشتری در رسال ، خواست مهر روزا است . بهمین جهت مجله «دنیا» باید ورود جدید خود را با این مختصات آغاز کند .

مجله «پیکار» طی سه سال انتشار منظم خود توانست هیئت و محبوبیت فراوانی کسب کند و به حزب موثر نموده مادر میان مبارزان خد رژیم ضد امیریالیست در خارج از کشور و بیرونیه در جنبش متمرکزی داشجوانی خارج از کشور مبدل شود . مجله «پیکار» با طرح بموقع و درست مسائل، با اپزار ابتکارات مختلف مطبوعاتی، با حفظ سبک پژوهش و مکار جو جای خود را بسرعت در میان مبارزان بازگرد مجله «پیکار» سنت قابل تحسینی ایجاد کرده است که در تاریخ مطبوعات حزبی پایدار خواهد ماند .

رفقاى عزيز!

ما اطمینان داریم که رفقا بارگیر تمام عمق تصمیم متخذ از طرف هیئت اجرائیه خواهند کوشید وظایف محله را با صرف تعاونی خلاقه خویش ویدان شکل کمورد توقع حزب و همه مبارزان انقلابی ایران است ، انجام دهنند .

با درود و فیقانه - هیئت دبیران کمیته مرکزی

دبیراول - ایرج اسکندری

۲۷ فروردین ۱۳۵۳

چهره زشت سیاست نظامیگری و تجاوز

سریازان ایرانی به جنگ رفته اند . مادران ایرانی درانتظار جنگ کوشگان خود اشک
میبرند . زنان جوان نگران سرنوشت شوم همسران خویشند . پدران و خواهران و برادران چشم
براه عزیزان خود هستند . خانواده های ایران به سوگ دلیندان خود نشسته اند .
جوانان برومند ایران بروی صخره های کوهستان های ظفارجان میمبارند ، خوب سریازان
ایرانی برخاک سوخته بیابان های عمان جاری است . سریازان ایران در راه میهن شهید
نمیشوند ، بلکه میهن پرستان ظفارابه شهادت میرسانند . مرگ آنان افتخارنی آورد ، بلکه
فاجعه میزاید . این نبود پلیدعلیم خلق که با امیرالیمه‌وارتعاج میزند ، قهرمانی نبی بروزد ،
بلکه قربانی می‌آفریند . سریازان ایرانی میهن پرستان عمانی را بشهادت میرسانند و خود قربانی
میشوند . قربانی منافع انحصارات نتفی و سود اگران اسلحه ، قربانی استراتژی تجاوزکاران
امیرالیمه خون آشام ولادان را غنیمت خورد و عمال خود فروخته داخلی آنان .

شاهد رنگش زانداوم منطقه ده برابر فرازی شد یافته، دولت ایران اکنون میلیاردها

دلا رصرف خرد سلاح ها و تجهیزات جنگی میکند . روز سه شاه دستوزارت جنگ را برای خرد نامحدود سلاح ازبایت را آمد "اضافی "نفتبازگزارد داشت . این هزینه های سراسم آور نظاری دو لوت ایران برای چیست ؟ آیار و سوئی ایران به تانک و زره پوش نیاز دارد ، یا بفتراک تور و کمپانی ؟ آیا کارگر ایرانی به وسایل تخریب جنگی محتاج است یا به ماشین و دستگاه های تولیدی ؟ آیا جوان ایرانی بتحصیل دانش و کارمزند نیازمند است یا با آموزش جنگی و فن کشتار ؟ آیا مردم ایران به مسکن و بیمارستان و مدرسه و پزشک و معلم نیاز دارد یا به صریحه ازخانه و منگر و مستشار آرد مکشی و کارشناس نظاری ؟

این تجهیزات نظامی هرای چیست؟ برای دفاع از میهن؟ در مقابل کی؟ کدام دولت است که با ماسرجنگ دارد و کدام ملت است که هردم ایران را تهدید میکند؟ این چریک ها و میهن پرستان ظفار هستند که به خاک ایران تجاوز کرده اند و با ارتشیان ایران همراه با مازد و روان ایگر ... که نیاز معنی آتش ... افشا نند و میهن ... پرستان ... ظفار ... سب و گله میارند؟

این پیش مسند نه بزم روزگار مدن اینستیتیو و درجه های پروردگاری از این دانشگاه است. حزب ما نتایج اقتصادی و اجتماعی زیانبخش هزینه های سرسا آورونا مناسب نظایری را می شاهد راکه میتوانست در راه پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی مصرف شود، بارها پار آورشده عواقب هلاکتیا و خطرناک تمویح سیاست عاجرا جویانه دلت ایران را که به همگامی با سیاست تاراج گران و تجاوز کاران امیریالمستی بمنظور حفظ منافع اقتصادی واستراتژیک دشمنان داخلی و خارجی میمین مازا زده سرکوب یعنیشها ملی و دمکراتیک در رون و بروون مرزه های کشور ما انجام میگیرد، پیوس تشريح کرده است.

شاه در اسفند ۱۳۵۱ بهنگام برگزاری جشن فارغ التحصیلی دانشکده افسری، خود بصراحت گفته بود: "هدف ایران از توجه خاص پنوسازی ارتش حفظ صلح و ثبات در منطقه خلیج فارس و تامین اراده جریان نفت به بازارهای غرب است". "حفظ صلح و ثبات" از نظر شاه پشتیبان امپراطوری است و "تامین اراده جریان نفت به بازارهای غرب" همان در داخل و خارج مرزهای ایران است و "تامین اراده جریان نفت به بازارهای غرب" همان تامین شرایط برای تاراج منابع طبیعی کشورهای این منطقه.

جنایات که رژیم کنونی علیهم از زان ظفار انجام میدهد، توطئه هایی که علیه یعنی دموکراتیک می چیند، فتنه هایی که در داخل پاکستان برای سرکوب جنبش های دموکراتیک در این کشور بروی انگیزد، تحركات آشکاری که در مرزهای عراق و تونجهای پنهانی که در داخل این کشور بمنظور فتنگری در کارحل مسالتمیز مسلسله کرد در عراق برای میدارد، تامین کرد های برآزانی با مهمات و خوارباری پشتیبانی از آنان علیه دولتمرکزی عراق (۱)، تجمیع نیروهای نظامی ایندویی با هواپیما های غانتوم و اعزام کارشناسان نظامی با این کشور بمنظور سرکوب جنبش خلق ایرانی و تحرك طبیعت سوالی (۲) - دریک کلام تماهضده جوشی ها و فتنه انگیزی های فاش شده و فاش نشده د ولت ایران همه وهمتیجه منطقی و اراده طبیعی سیاستی است که دولت ایران سالهاست در پیش گرفته و اனواع حیل تبلیغاتی و سالوسی های دیپلماتیک میکشد بر آنها سریوش نهد.

هزینه های نظامی و سیاست نظامیگری دولت ایران هدف های معین و سیاست های مشخصی دارد و این دولت برای ببره برداشت از این هزینه ها و حق این سیاستها از هر فرصل مناسب استفاده میکند. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۸ آذر ۱۳۵۲ از قول گذواتر، پکی ازستیزه جو ترین و ارجاعی ترین رجال امپراطوریم امریکا نوشت: "ایران مفهم استفاده صحیح از قدرت را خوب میداند . . . تا آن زمان که غرب و دستانش قدرت خود را حفظ کند، صلح در جهان پاید ارجواهد ماند واستفاده صحیح از قدرت نیز همین است". صلح و ثبات در نظر امپراطوری عمال آن همان سرکوب نهضت های دموکراتیک وطنی و تبدیل کشورهای وادی خاموشان اسر استعمال را مستبد اد است واستفاده صحیح از قدرت نیز همان کاری است که آنان در پیشان و هند و چین و شرق عربی و یمن و شیلی انجام داده و مید هند. اکنون شاه ایران نتش زاند اول امپراطوری این را منطقه خلیج فارس بعده گرفته است. کاری راکه امپراطوری هادی یگر کتر جسارت اجرای آن را دارند، به دست نشاند گان محلی خود واگذار کرده اند.

شامدعی است که امنیت خلیج فارس و دریای عمان باید بعهد کشورهای منطقه باشد و وجود هیچ نیروی خارجی را در این منطقه نمیتواند تحمل کند. وی در ضیافت که در رکاب نیاوران بافتخار هم عنان خود قابوس بن سعید، سلطان عمان برپایاد آشته بود، گفت: "دولت من با هارهای صراحت و قاطعیت . . . هرگونه اعمال نفوذی را در این منطقه از طرف نیروهای خارج نمیتواند سرزنشیای خلیج محکوم ساخته" است (اطلاعات، ۱۲ اسفند ۱۳۵۲).

شاه این سخنان را مانند بزمی اورد که خلیج فارس در دریای عمان واقیانوس هند

دولت ایران پشتیبان

پایگاه های امپراطوری

۱- رجوع شود به "دی ولت" ۷ آوریل ۱۹۷۴ و "هرالد تریبون" ۱۵ آوریل ۱۹۷۴

۲- رجوع شود به نشریه "صوت الشوره"، کمیته اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، ۳۱ مارس ۱۹۷۴

به پایگاه های نظامی بزرگترین کشورهای امیریالیستی جهان بدل شده اند . شاهنه فقط در راه برچیدن این پایگاهها کوچکترین کامی برند اشته ، بلکه خود خواستاریقاً وتحکیم آنهاست . چند سال پیش که دولت انگلستان به علل مختلف ، از جمهوریت شکلات مالی ، مسئله خروج نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس مطرح ساخت ، همین شاهی که ظاهرا حضور نیروهای خارجی را در این منطقه نمیتواند تحمل کند ، در مصاحبه ایکه در اوائل سال ۱۳۴۸ با سردبیر " سندی تایمز " انجام داد ، عاجزانه درخواست نمود " که شما انگلیسی های اماراتی که معاشر کشورها آماره پرکردن خلافی که از این شعار رخیج فارس ایجاد میشود ، نشد ایم ، از این منطقه خارج نشوید " . دولت ایران اکنون نیز حاضر نیست که نیروهای امیریالیستی خلیج فارس را ترک کنند . شاه با وجود تمام دعاوی خود ستایانه اش درباره قدرت نظامی ایران ، خود را در برداش نهضت های طی و دمکراتیک در منطقه خلیج فارس عاجزاً حساس میکند و حضور نیروهای امیریالیستی را در این منطقه ضرور میشمارد . شاه در مصاحبه ایکه با اوربانا غالاجی ، خبرنگار مجله ایتالیائی " اورونو " انجام داد ، گفت : " ایران کمید جهان مایک از کمید های جهان است . اضافه کیم که ایالات متحده میتواند خود را در مرزهای خوبیش بگذرد ... و مجبور است به وظیفه خود در مقابل دنیا و به رسیدگی بما احترام بگذارد " (تکیه از ما است)

شاه با این زبانه چندان دیپلماتیک ، آشکارا حضور زاندارم جهان را برای پشتیبانی از زاندارم منطقه ضرور میشمارد و خود را در زیرچتر حفایت در نه تنی نیروهای امیریالیستی قرار میدهد .

شایان ذکر است که حتی اقدامات جنایت‌آمیز زیرزمی کنونی علیهمین پرستان ظفار تقریباً همزمان با مانورهای دریائی سن‌تلو (با شرکت امریکا و انگلیس و ایران و ترکیه) در آبمای خلیج فارس و دریای عمان تحت عنوان " میدلیلیک ۲۳ " و با حضور مستقیم ناوگان هفتم امریکا در این منطقه انجام گرفت . این واقعیت‌نمایان میدهد که رژیم شاه نه فقط حضور نظایر نیروهای امیریالیستی خارج از منطقه را در خلیج فارس بدیراست ، بلکه این زاندارم منطقه از چشمی‌برتران خلق های کوچکی چون خلق‌های پمن و عمان بوحشت افتاده است .

شاموجارچیان تبلیغاتی اورای گمراه کردن از همان توده مسرم افسانه خطرشوروی و در عین حال تبرئه حضور نظایر و تقویت پایگاه‌های نظامی امیریالیستی قهار و جاوزکار امریکا در خلیج فارس و دریای عمان واقیانوس هند ، اتحاد شوروی رانیز به داشتن پایگاه‌های نظامی در این مناطق متهم میکند و این کشور را در شمار ابرقدرت ها " بحسب می‌آورند .

روزنامه اطلاعات ضمن ادعای اینکه " تهران مخالف جدی حضور هر دو ابرقدرت را قیام نمی‌نمد است " ، مدعا میشود که " شوروی نیز نمیتوخ خود سعی میکند در این گوش و آن گوش به پایگاه هایی دست یابد " (اطلاعات ، ۲۰ بهمن ۱۳۵۲) . این روزنامه در همین شمار محظی شوروی راعامل و انگیزه گسترش پایگاه های نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس واقیانوس هند جلوه میدهد و مینویسد : " اکنون که بر اثر گشوده شدن کانال سوئز مدت دولت شوروی در آبها ی گرم استواری بازتر شده و ضمناً تعداد معماقان نظامی شوروی در اقیانوس هند افزایش یافته است ، امریکا نیز مدت بکار افزوzen پایگاه ها و توسعه نفوذ خود شده " است .

شوریونه در خلیج فارس ، نه در دریای عمان و نه در اقیانوس هند را ایجاد گونه پایگاه نظامی نمیست . پایگاه های نظامی امریکا و سایر کشورهای امیریالیستی زمانی در این مناطق ایجاد شدند که حتی سفینه های نظامی شوروی وارد آبهای آزاد این مناطق نشده بودند . پایگاه های نظامی

دول امیریالیست نهمنظور مقابله با پایگاه های ادعا شده شوروی ، بلکه بمنظور محاصره نظامی اتحاد شوروی ، بمنظور سرکوب جنبش های ملی و دموکراتیک در این مناطق که منافع ناشروع انحصارات امیریالیست را مخاطره میانداخت ، بوجود آمد و بودند .

اتحاد شوروی جزایجاد مناسبات و سلطانه و همکاری های اقتصادی و فرهنگی باتمام کشورهای منطقه خلیج فارس ، جزو شیوه ای هیئت از همارا ز خلق هادر راه رهائی از اسارت امیریالیست و ارتباخ ، بنام شهادت مکرر صنگویان رسمی کشورهای این منطقه را راه هیچگونه منافع سیاسی و اقتصادی و نظمی خاص در راه منطقه نیست . واين همان چيزی است که امیریالیست و عمالشان آنرا "استعمار روس" و "خطركونیسم" جلوه میدند .

شاه که حرکت سفینه های شوروی را در آبهای آزاد بستایه خط رشوروی جلوه میدهد ، حضور ناوگان جنگی امریکا را در کرانه های کشورهای بیطریف ، مداخله آنان را در امور داخلی سایر کشورها وجود پایگاه های متعدد زمینی و دریائی و هوایی امریکا را در اطراف شوروی و سایر کشورهای صلح درست و مترقب نار پیده میگرد . نه تنهایان بد میگیرد ، بلکه با آنان به مانورهای مشترک میبردند . بايد اضافه کنیم که حرکت سفینه های نظامی شوروی در آبهای آزاد یک امر طبیعی است و هیچگونه خطری برای هیچ کشوری نمیتواند فراهم کند . ایند هرگاهی در مصاحبه ای که با کمانی را در پوشی استرالیا انجام داد ، بمناسبت اتهاماتی که به "حضور" نظامی شوروی در آبهای اقیانوس هند به کشور شوروی وارد میشود گفت : "اتحاد شوروی کشوری نیست که کشتی های آن مقدم برد پیگران وارد این منطقه شده باشند . بخلافه آنها جزو قاصد صلح آمیز هیچ نیت دینگی ندارند" (پراودا ۱۰ فوریه ۱۹۷۴) .

شاه که استعمارواهی روس را خطرناک تراز استعمار واقعی امیریالیست ها جلوه میدهد ، در مصاحبه خود با اولیان فالاجی در باره امریکا ، این زاندارم جهانی چنین میگوید : "اگر هر سیاست بهترین دوست شما کیست ، خواهیم گفت ایالات متحده یکی از آنها است ایالات متحده هارا بهتر از سایرین نمیگیرد ، برای اینکه در راه جانشاف زیاری دارند ، منافع اقتصادی و پناهگاه سیاسی مستقیم و غیرمستقیم (تکیه از ما است) .

تمام هزینه های نظمی ، تمام جنایت های داخلی و خارجی رژیم کونی برای حفظ همین "منافع اقتصادی و پناهگاه سیاسی مستقیم و غیرمستقیم" امریکا و سایر کشورهای امیریالیست دیگر است . "استعمار روس" و "خطركونیسم" جعلی چیزی جزءی بسیاری و شکری دیپلماتیک نیست .

هذا هنگی سیاست سیطره جویانه خارجی چین مائوئیستی سیاست تجاوز کرانه امیریالیست که در موارد زیاد تاحد همکاری مستقیم بروز میگرد ، اکنون دیگر واقعیت نیست که بتوان آنرا پنهان راشت .

مائوئیست های پکن در مقیام جهانی و مائوئیست های ایران در مقیام محدود محلی نقش بسزایی در تشویق امیریالیست به توسعه متقویت پایگاه های نظامی در اطراف اتحاد شوروی و تشجیع شاه ایران برای ماجراجویی های نظامی و سیاسی در کشورهای همچو راه ایران را شنیدند .

تسزی پن - فی ، وزیر خارجه چین که رسفرخود به اروپا در سال ۱۹۷۳ کشورهای عضوان اتحاد برای مقابله با خطر شوروی تشویق میگرد ، در بازدید خود از ایا کستان و ایران نیز بارها ضرورت مهارزه با اقدامات تحریمی "در منطقه خلیج فارس را تاکید نمود . واين همان چیزی است که شا میگرد و همان عملی است که رژیم ایران انجام میدهد . روزنامه اطلاعات در شماره ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ در

امیریالیست و ارتعاج

امیریالیست و ارتعاج

امیریالیست و ارتعاج

امیریالیست و ارتعاج

باره روش پکن نسبت به مهارزان ظفار (یا بقول او "شورشیان") نوشت: "پکن که درابتدا شورشیان را تقویت نمیکرد، اینک چند ماہی است که از انتشار اعلامیه‌های شورشیان خود داوی صنعتی کند".

صائوقیست‌ها این شیوه ناشایست همکاری با امیریالیسم و نیروهای ارتقایی را که در رواج گیرنده است خدالقلابی نرموده بایگاههای نظامی امریکا را قیانوس هند نیز بکار میبرند. هفته نامه "نیوزویک" بمناسبت ایجاد پایگاه نظامی امریکا رجیز مرجانی "دیگو گارسیا" مینویسد: "امیریکا پیش از آنکه به ایجاد پایگاه در این جزیره بپردازد" رضایت‌سکوت آمیز پکن را بدست آورده بود (برآورد ۱۹۷۴ فوریه ۲۷). روزنامه اطلاعات نیز راین مورد نوشت: "آخرین شایسته در این زمانه که مجله نیوزویک انتشار داده این است که امریکا قبل از توافق نهایی با انگلیس رضایت چنین را نمی‌رسکب کرد. پکن تاکنون نسبت باین اتهام واکنش نشان ندارد" (اطلاعات ۱۱، اسفند ۱۳۵۲).

ماشویست‌های ایرانی نیز در زمانه اتهام زنی به اتحاد شوروی و تبرئه سیاست‌های امیریالیستی پیروان آن در ایران با جارچیان تبلیغاتی رژیم شاه به هم‌نواحی پرداخته‌اند.

با این دنوشته "اطلاعات" و " توفان " توجه کنید:

اطلاعات برای تبرئه سیاست‌های امیریالیستی در خلیج فارس واقیانوس هند، کاروا از تزارهای روسیه‌آغاز نمیکند و مینویسد: "پطرکبیر" در وصیت‌نامه سیاسی خود درستیابی به اقیانوس هند را بجزله کلید عظمت نهایی روسیه را نسته و جانشینانش را متذکر گشته است، که از هر فرصتی برای راه پافتان به اقیانوس هند استفاده کنند" (اطلاعات ۲۰ بهمن ۱۳۵۲).

" توفان " نیز همزمان با اطلاعات همین دعاوی را متنها از پدگاه خاص ماشویستی چنین بهان میدارد: " نقشه جانشینان تزار... . بمنظور استقرار نظارت بر مردم خل دریای عمان و خلیج فارس طرح شده است" (توفان ، دیمه‌ماه ۱۳۵۲).

آیا این اشتراک عقیده، این تشابه استدلال و سرانجام این همزمانی در بیان اتهامات امری است تصادفی؟



تمام اقدامات ارتقایی ترین جناح‌های امیریالیسم جهانی، تمام فعالیت‌های ماجراجویانه شاه و تلاش‌هایی که برای ایجاد پیمان‌های نظامی جدید در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بعمل می‌آورد و نیز تمام تشریک مساعی و هم‌واوئی ماشویست‌های چنین و ایران در شرایطی انجام می‌گیرد، که "جنگ سرخ" در وان اختصار خود را مینگزد راند، در راه کاهش و خامت در سراسر جهان گام‌های جدی برداشت می‌شود، راه برای ایجاد امنیت جمعی در اروپا هموار می‌گردد و ایجاد سیستم امنیت آسیایی در ستور روزگار گرفته است.

سریازان، درجه داران، افسران ایران بهوش باشید. مرنوشت خود را بدست دشمنان خارجوی و مرد و روان داخلی آنان نسایرید. بهندای مادران و همسران و خواهران خود که خواهان بازگشت شما به آتش گرم خانوار و هستند و بدست جلال‌دان ساواک تحت پیگرد قرار می‌گیرند، بسوی ندای مردم مهارزان ایران که خود اسیر استعمارگران و عمل داخلي آنان هستند و پیش از پیش بهشتی‌ای ارجمنش‌های آزاد پیخش بپیمیزند، بهندای شهید اینی که طن ده ها سال مهارزه علیه استعمار و استبداد جان خود را نثار کردند، بهندای وجدای پاک انسانی خود پاسخ مثبت دهند و طیبه

اسارت استعماری و مظالم استبدادی و سیاست نظامیگری بهای خیزید .

مسئلہ



مطبوعات خارجی

اقدامات دولت ایران راعیه خلق هافاش میکنند

- صوت الشوره "ارگان" کمیته اطلاعاتی جبهه آزادی خلیج "در شماره ۳۱ مارس ۱۹۷۴ مینویسد : "اطلاعات واصله از" جبهه رهائی پخش اریتره "کهنیروی رهائی بخش خلق اریتره است ، حاکی است که ایران خلیلان رهشی را تربیت میکند و اخیرا ۱۵ هواپیمای فانتوم به حبسه دارد . این امریکا از مسافت امپراطوری ایالات متحده آمریکا و تقاضای کم از نیکسون انجام گرفته است . . . ما اطلاع داریم که کارشناسان ایرانی در زمینه هوانی علیه خلق های اریتره و سومالی مورد استفاده قرار گرفته اند " .
- "هرالد تریبون" در شماره ۱ آوریل ۱۹۷۴ مینویسد : "ایران بد و سروصدابکرد های عراق از لحاظ مهمات و خواربار کم میکند " .
- "دی ولت" در شماره ۲ آوریل ۱۹۷۴ مینویسد : "ایران که پیوسته با عراق اختلافات مرزی دارد از کرد های بارزاتی علیه عراق پشتیبانی میکند " .



"مارکسیسم ازماخواستارد قیق ترین وعینی ترین محاسبه تناسب طبقات وویژگیهای مشخص هر لحظه تاریخی است . مـا بلشویک‌ها پیوسته کوشیده ایم باین خواست که از نظریـک سیاست مبتنی برایه علمی حتمی و ضروری است ، و فـدار باشیم " .

لینین

چرخش بزرگ در وضع جهان

دروضع بین المللی چرخش بزرگ وعمیق ازد وران طولاـن وفرسایـنده "جنگ سرد" بد وران همزیست مـسالمـت آمـیز و هـمکارـیـهـای بـین المـللـی درـکارـانـجـا مـیـافـتنـ است . اـمـیرـیـلـیـستـهـاـبـیـشـازـ پـیـشـ وـعـلـیـ رـغـمـ تـعـالـیـ خـودـ مـجـبـورـنـدـ بـایـنـ تـحـولـ تـنـ دـرـدـ هـنـدـ وـزـمـوـاضـعـ "جنـگـ سـرـدـ" وـ "سـابـقـ تـسلـیـحـاتـیـ عـقـبـ نـشـیـنـیـ کـنـدـ . اـینـ روـنـدـ اـیـسـتـ دـارـایـ عـوـقـبـ دـوـرـدـ رـاـزوـاـرـجـهـتـ دـیدـ تـارـیـخـیـ باـاطـمـینـانـ مـیـتوـانـ گـفـتـعـرـلـهـ اـیـسـتـ اـزـتـلـاشـنـ سـیـسـتـ اـمـیرـیـلـیـسـتـیـ وـدـآـخـرـینـ تـحلـیـلـ فـصـلـ اـسـتـ اـزـپـیـشـرـفـتـ بـیـ اـمـانـ سـیـرـاـنـقلـابـ جـهـانـیـ .

دریاره چگونگی این چرخش و دلال طریق بروزان آکادمیـسـینـ اـینـوزـمـتـسـفـ درـمـجلـهـ مـعـتـرـ "کـوـنـیـسـتـ" اـرـگـانـ تـئـورـیـکـ حـزـبـ کـوـنـیـسـتـ اـتـحـادـ شـورـوـیـ چـنـیـنـ نـوـشتـ :

"کـلـیـهـ دـلـائـلـ بـرـایـ طـرـحـ اـیـنـ فـرـضـ وـجـودـ اـرـدـ کـهـ پـڑـوـهـنـدـ مـاـینـدـهـ بـهـنـگـامـ بـرـرسـیـتـارـیـخـ جـهـانـیـ عـصـرـماـ ، تـوجـهـ خـاصـ بـمـاـگـاـزـسـالـهـایـ هـفـتـادـ قـرنـ کـوـنـیـسـ معـطـوـفـ خـواـهـدـ رـاـشتـ . دـرـایـنـ سـالـهـاـ ، یـکـ بـعـدـ اـرـدـیـگـرـیـ ، کـلـانـ تـرـیـنـ اـقـدـامـاتـ بـینـ المـللـیـ ، بـاسـرـعـتـ کـهـ دـرـگـذـشـتـهـ سـابـقـهـ نـداـشـتـ ، رـخـ دـادـهـ اـسـتـ . . . آـفـاـزـسـالـهـایـ ۷۰ـ دـورـانـ وـرـوـدـ منـسـاـبـاتـ بـینـ المـللـیـ دـرـمـرـحـلـهـ نـوـینـ رـشـدـ اـسـتـ بـعـنـیـ چـرـخـشـ بـزرـگـ وـعـمـیـقـ دـرـسـرـاـپـایـ وـضـعـ بـینـ المـللـیـ ، چـرـخـشـ اـزـجـنـگـ خـطـرـنـاـکـ وـطـلاـنـیـ سـرـدـ بـسـوـیـ کـاـهـشـ وـخـامـتـ بـینـ المـللـیـ ، چـرـخـشـ اـزـافـزـایـشـ مـدـاـمـسـاـبـقـهـ تـسـلـیـحـاتـیـ بـسـوـیـ مـحـدـ وـدـکـرـدـنـ آـنـ کـهـ خـودـ مـوـجـبـکـاستـ خـطـرـجـنـگـ هـسـتـهـ اـیـسـتـ . . . عـلـلـ عـقـقـ آـنـجـهـ کـهـ جـهـانـ اـمـروـزـ رـزـنـدـگـیـ بـینـ المـللـیـ شـاهـدـ وـنـاظـرـآـنـتـ دـرـجـیـسـتـ ؟ عـاـمـلـ اـسـاسـیـ عـیـنـیـ وـذـهـنـیـ کـهـ گـسـتـرـشـ اـیـنـ مرـحلـهـ نـوـینـ رـاـدـ رـمـنـاسـیـاتـ بـینـ المـللـیـ وـقـدـمـ بـرـهـمـهـ دـرـاجـهـ عـلـیـ اـصـوـلـ لـنـیـنـیـ هـمـزـیـسـتـ مـسـالـمـ آـمـیـزـ کـشـورـهـایـ دـارـایـ نـظـامـاتـ اـجـتـمـاعـیـ مـخـتـلـفـ اـزـبـیـشـ مـعـینـ سـاختـهـ اـسـتـ ، کـدـامـ اـسـتـ ؟ وـاقـعـیـاتـ حـاـکـمـ اـزـآـنـتـ کـهـ دـرـآـفـاـسـالـهـایـ هـفـتـادـ دـرـتـاـنـسـبـ نـیـرـوـهـاـتـحـوـلـاتـ تـازـهـ وـجـدـیـ بـسـودـ سـوـسـیـاـلـیـسـمـ

رخداده است . ببرکت قدرت روزافزون سوسیالیسم ارآنجمله آتجنان وضع استراتژیکی پدید شده که در آن می دوینا بودن محاسبات مخالف امپریالیستی برای تامین برتری نظامی خود به اتحاد شوروی و سوسیالیسم جهانی آشکارگردیده است " (۱) .

تردید نیست که امپریالیست ها ، بویژه محافظی که به حفظ وادامه جنگ سرد سخت ذیعلاقه اند ، نمیخواهند از قله تغرن آمیز " سیاست از موضوع قدرت " پائین بیایند و به واقعیات تن دره هند مادر رهمنی سالماشاهد تقای عظیم آنها برای تشید مسابقات سیلیحاتی ، یعنی تشید تدارک ماری جنگ هسته ای جهانی هستم . ولی این تقای تب آلو بی شراست . یکی از کارشناسان مهم نظامی شوروی سرهنگ و . لا ریونف ، دکتر رعلوم تاریخی در مقاله ای تحت عنوان " تحدید تسليحات و مخالفان آن " مینویسد :

" میلیتاریست های سالهای هفتاد امید های بزرگی می پرورند در مرور آنکه برتری ازدست رفته استراتژیک ایالات متحده امریکا ولویشکل درونمائی از طریق تکمیل کیفی اسلحه و تنظیم پارامتر های جدید استفاده از آنها بمنظور اعمال فشار به کشورهای سوسیالیستی بازگرداند . تاریخ دروان پهر از جنگ بشکل مقنعی بن پایه بودن این نوع امید هارا ثابت کرده است " (۲) .

با وجود بی دو نمائی این نوع تلاش های عبث ، سرمایه داری که ارزوال تاریخی خود سخت هراسان است ، ثروت های افغانستان ای را صرف مخازن نظایر میکند . طی سالهای پس از جنگ دوم جهانی کشورهای سرمایه داری مبلغی بارق نجومی و سرسام آوریکتربیلیون و هشتصد وینجاهمیلیون دلار برای مخازن جنگی صرف کرده اند . ک . باؤلدینگ (K. Boulding) رئیس سابق " اتحادیه اقتصادی ایالات متحده امریکا " اخیراً چنین گفت :

" وزارت دفاع امریکا زیان اقتصادی بزرگی به کشور ما وارد ساخته است ، زیرا از مصرف داخلی بیش از ۱۵٪ کاسته و منابع رشد را در رجا مهیل سیاست های تسليحاتی رقیب یکدیگر می زند . ماشین جنگی مانند یک قرحة سرطانی بر پر کجا معمه امریکائی است " .

ولی تدارکات عظیم و تلاش های تب آلو میلیتاریستی سرمایه داری بی کمک نکرده است . رسالت های اخیر امپریالیستها مجبور شدند در قبال تعارض صلح کشورهای سوسیالیستی و در پیش ایش آن اتحاد شوروی دست به عقب گشینی های بزنند و جایی میگیرند . مزهای پسر از جنگ دوم را روپی Back بر سمعت بشناسند ، به تشكیل کفرانس امنیت اروپا شن درد هند ، اکنون در هند و چین که اجا و یک تجاوز و حشیانه امپریالیستی بود مذاکرات سیاسی بطور عمد جای عملیات نظامی را گرفته است در خارج میانهای بند ریج سیاست مذکوره جای تصادمات نظامی را میگیرد .

وروشن است که این هنوز آغاز کار است . همگام با شکست سیاست و خامت طلبی امپریالیست ها ، سیاست آنتی کمونیسم که محتوى اساس طبقاتی مشی امپریالیستی است نیز غلیرغم جنجال فراپنه خود کمونیست ، علا مانا کام روبرو می شود و خواهد شد .

در سالهای پس از جنگ امپریالیسم و ارتقای روش سرکوب خونین کمونیست ها را در ریش گرفتند در ایران ، اندونزی ، افریقای جنوبی ، گواتمالا ، شیلی ، ترکیه ، عراق ، سودان ، پرتغال ، اسپانیا

(۱) - آکاد میسین ن . اینوز متصف : " درباره مرحله های تکامل مناسبات بین المللی " مجله کمونیست ، شماره ۱۳ ، سپتامبر ۱۹۷۳ ، صفحات ۸۹-۹۰ .

(۲) - سرهنگ و . لا ریونف : " تحدید تسليحات و مخالفان آن " ، پراوردا ، ۷ آوریل ۱۹۷۴ .

پاراگوئه ، ویتنام جنوبی ، کره جنوبی و تعداد دیگری از کشورهای جهان حمام خون علیه کمونیست ها بکار آوردند.

علی رغم همه این بربریت ها و قابیها که تاریخ هرگز آنها و عاملین نایکار آنها را غرا موش خواهد کرد ، جنبش کمونیست جهانی امروز از همیشه نیرومندتر است . به واقعیات بنگریم : اگر در سال ۱۹۲۴ تعداد احزاب کمونیست جهان ۴۹ حزب و تعداد اعضاء این احزاب تنها یک میلیون و سیصد هزار نفر بود ، در سال ۱۹۷۳ تعداد احزاب کمونیست به ۸۹ و تعداد اعضاء این احزاب به ۵۰ میلیون نفر بالغ شده است .

پیشرفت های تعریض صلح و مبارزات انقلابی خلق ها امپریالیست ها و سگان زنجیری آنها را در جاروحش مرگیار ساخته است . جرج مینی ، رئیس اتحادیه های امریکا که یک افسختگیان مهم جنگ سرد است این وحشت را در کلمات زیرین بیان کرده است : "هر شب دعاهایم که هنری کیسینجر اقا مجسمه واشنگتن را به روسهای هد زیرا ، برشیطان لعنتم ، او هر چیز دیگری را که ممکن بور ، هم اکنون تقدیم را شته است " .

صرف نظر از محظوی پوچ این سخنان ، هراسی که در آن وجود را در عین این است و شانه تحول عظیمی است که در جهان در کار و قوع است .

هیئت های حاکمه متغیر عن سرمایه داری و از آن جمله هیئت حاکمه مرتع ایران و بر اساس آن شاه تا امروز نیز علی رغم سیلی های سنگین این همه واقعیات ، که قاعدتا باید هر خفته ای را بیدار و هر مستقی راه شیار کند ، نمی خواهند بفهمند و تصدیق کنند که بنای جهان مبتنی به سمت طبقاتی و مطبی سست و این قصر شوم در کار فرو ریختن است . این دنیا زوال یابنده ولی پرخوت آنان این آرزوی مضحك را در رسمی پروراند که روزی سیطره خریولها ای سرمایه داری در سراسر سیاره ماحیا شود . شاه ایران بشهارت اظهار اش با صاحب گرایالتیائی شی با تواریخ انافالا چی و بانعایند روزنامه " نیویورک تایمز " حتی خواب آنرا می بیند که " منارش " یعنی سلطنت مطلقه فاشیست مآب جناب ایشان زمانی در سراسر جهان نمونه حکومت قرار گیرد !

ولی علی رغم این سراسر اینها ای جنون آمیز ، جهان در کاریک چرخش بزرگ و عقیق است و هیچ معجزه ای نیز نمیتواند امپریالیسم و ارتاج را از عقب بشینی ، از شکست و از زوال نهایی نجات دهد . این اعتقاد راست ما و منشای خوش بینی تاریخی ماست .

رفیق بزرگ دیگریکی از سخنرانی های اخیر خود بد رستی گفت :

" ما اکنون در روانی زندگی میکنیم که آرمانهای آزادی و استقلال نمتهای رزمندگان ، بلکه پیروزمندان را من پرورد . زیرا از این آرمانها نه رهها ، نه صد ها ، و نه حتی هزارها ، بلکه میلیونها و میلیونها نفر دفاع میکنند ، زیرا این آرمانهای روجود کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جوان ملو تکیه گاه مقندری دارند " . ط .

صلح و امنیت در آسیا

(امنیت هفته آسیا ۱۲ - ۵ آوریل ۱۹۷۴)

کنگره جهانی نیروهای صلح در مسکو و شورای جهانی صلح در صوفیه هفته ای را که ازینجا ماده اوریل آغاز شده دوازدهم این ماه پایان یافت، هفته آسیا اعلام کرد و اتحاد نیروهای صلح خواستند تاریخ هفته مبارزه خود را علیه امپریالیسم و ارتقای ویرای برقراری امنیت و صلح پایدار در آسیا تشديد یابند.

تاریخ قرن بیست آسیا، تاریخ مبارزه پیغمبر و قیام مردم این بزرگترین ویرانگران و اژدها منابع طبیعی شروع شدند تا این قاره جهان علیه استعمار، نواستمار و ارتقای ویرای رسیدن با استقلال آزادی وزندگی بهتری است. در جریان این مبارزه خونین ویں اماں مردم این قاره به هدفهای امپریالیسم و ارتقای ویرانگران که برای ادامه غارتگری خود بکار میبرند پیش برد ویرای مقابله با آن علاوه بر مبارزه هایی که در نقاط مختلف آسیا بصور گوناگون بعمل آورده وی آورند دارصد برآمده اند که بمنظور حفظ برقراری صلح و امنیت پایدار در آسیا بکوشش های جمعی بپرسانند و اصول مشترکی برای مقابله با امپریالیسم و ارتقای بیابند.

کنفرانس سال ۱۹۴۷ که با تکارجواه لعل نهرو تشكیل گردید، کنفرانس تاریخی باند ونگ کنفرانس کشورهای آسیائی و کشورهای مجاور آقایانوس آرام منعقد در سال ۱۹۵۲ در یکن، کنفرانس کشورهای آسیائی در سال ۱۹۵۵ در دهلی و کنفرانس اخیر ملل آسیادار (دکا) بسال ۱۹۷۳ همانمنهجهای بازی از این کوشش های جمعی است که برای برقراری صلح و امنیت در آسیا بکاربرده شده است. فکر لزوم مقاومت جمعی در برآبرتوطه های امپریالیستی و سیاست بلوک بندی نظامی امپریالیست هار رکنفرانس کشورهای غیر متعهد منعقد در سال ۱۹۷۳ در الجزیره نیز بطریزی روشن منعکس گردید.

کشورهای آسیا که پس از سالها تحمل رنج و مبارزه سرسختانه استقلال خود را بازیافته اند میخواهند که این را برای خوبیش تامین کنند، آزادی واستقلال واقعی خود را استوار سازند و با استثمار امپریالیستی به رشک که باشد، پایان بخشند و نفوذ سیاسی - نظامی و اقتصادی امپریالیست ها را از کشور پیشنهاد کنند و در سایه صلح و امنیت پایدار بروهای پس ماندگی های خود که میراث شوم استعمار است پایان داره، زندگی نوین را بسازند.

در میان کشورهای آسیایی میهن ما ایران موقعیت ممتازی از نظر جغرافیایی و شروتهاي طبیعی

و در در رجه اول نفت دارد . بهمن دلیل همواره در مرکز توجه چشمان آزمد امیریالیست ها بود و
وهست . آنها درست درست ارتقایع داخلی با آتش و خون و انواع حیله هاتا امروز مانع از آن شده
اند که مردم ایران علی‌رغم مبارزات پیگیر خود با زادی واستقلال واقعی بر سند و رصلح و امنیت زندگی
نوی راکه نیکبخت و آینده امید بخش راتامین کند ، بسازند . برآسان این واقعیت اهمیت مبارزه
مردم مادرحال حاضر طبعیه امیریالیسم و ارتقایع و مبارزه در راه صلح و امنیت و همکاری با مایر خلقها
آسیاکه آنها نیز بنوبه خود چنین مبارزه ای را نهایا می‌کنند ، روش نمی‌شود .

آسیا صحنه نبرد

آسیا و حوارش که در آن رخ میدهد بصورت یکی از بزرگترین صحنه‌های نبرد جامعه انسانی است
که در یک‌سوی از ترقیخواه برای راندن تجاوز کاران امیریالیستی و سرکوب عوامل و همکاران
مرتعج داخلی آنها و از سوی دیگر امیریالیست ها و ارتقایع محلی برای ادامه غارتگری و سلطه خود
رود روی هم قرار گرفته ، در نتیجه ایام درگیرند . در این نبرد که در هاسال در جریان است
مردم آسیا به پیگیری شکرگی نائل شده و ضربات سختی به پیگیر ارتقایع استعمار زده اند که در
مقیاس جهانی آنها بعقب نشینی وضعیت دچار کرده است . بهمان نسبت که تناسب روز افزون
نیروهای صلح و ترقی در جهان بزیان امیریالیسم و ارتقایع تغییر کرده ، بهمان اندازه نیز وضع در
صفنه نبرد آسیا بسود مردم این قاره عوض شده است . در نتیجه نیرومندی روز افزون کشورهای
سوسیالیستی و در در رجه اول اتحاد شوروی و کوشش سایر نیروهای مترقب جهان تنهای در وسال اخیر
پیروزیهاش شکرگی نصیب مردم آسیا شد که در مقابله جبرانی با امیریالیسم و ارتقایع وارد شده
است . مردم قهرمان ویتنام تو استند با پشتیبانی بید ریخ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی
و کمک نیروهای مترقب جهان نیرومند ترین پهلوان جهان امیریالیستی را بزانود را ورند وایس
پیروزی نهایتی را آسیا بلکه در مقیاس جهانی تناسب قوارا هرچه بیشتر بسود صلح و سوسیالیسم و
ترقی تغییر داد . بنگلادش بصورت کشوری مستقل بوجود آمد که پیروزی هزارگی برای نیروهای صلح ،
آزادی و دموکراسی و شکست عظیمی برای نقشه‌های امریکا در شبکه قاره هند بشمار می‌رود . مبارزه
خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل وارد مرحله‌نوبنی شد . در این مرحله کشورهای عرب تولید کنند
نفت‌علی‌رغم اختلاف رژیم‌های سیاسی و ساخته‌های همکاری بعضی از حکومتها ارتقایع آنها با امیریالیسم
بسعد همکاری و وحدت در یک‌ریزند نفت بصورت سلاحی علیه امیریالیسم و انتشارات نفتی راند و
شدند . جمهوری عراق درست باقدامات مهیج علیه انحصارات نفت امیریالیستی زد و نفت را جون
سلاحی علیه امیریالیسم بکار ریزد . جنبش آزاد پیغامبر دارمنطقه خلیج فارس نیروی بیشتری گرفت
در همسایگی ایران رژیم شاهی افغانستان سقوط کرد و رژیم جمهوری که صلح و دموکراسی را در برنا
کار خود نمود داده است برسکار آمد . در تایلاند رژیم نظامی واژگون شد که بنوبه خود نشانه‌ای از
پیشرفت نیروهای دموکراتیک در این کشور است . مبارزه مردم زاپن برای لفوق‌وارداد نظامی
امنیت امریکا - زاپن ، انحلال پایگاههای نظامی امریکا ، علیه احیا رژیم ملیتاریستی شد
و حدت بیشتری گرفت .

تمام این پیروزیها عقیجه مبارزه پیگیر خلقها ای آسیا علیه ارتقایع خارجی و داخلی و محصول
تحکیم روابط درسته با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقب جهان
است . قرارداد وستی ، صلح و همکاری بین اتحاد شوروی وهند ، قرارداد وستی بین هند
بنگلادش ، قرارداد وستی بین عراق و اتحاد شوروی ، اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و بنگلادش
اعلامیه مشترک مغولستان - هند - همه بیانگر کوشش ملت های آسیا برای صلح و همکاری و علیمه

امپریالیسم و ارتجاج است . قرارداد هند و پاکستان ، اعلامیه مشترک هند و بنگلادش نیز نمونه بارزی از پیشرفت تعامل و علاقه مردم آسیا برفع اختلافات بین خود بد ون مد اخله امپریالیسم از طرق مذاکرات صلحجویانه است .

کوشش‌های امپریالیسم و ارتجاج

با وجود این پیروزیها باید توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاج و نقش خرابکارانه رهبران چین را در آسیا از نظر دروغداشت و عوامل مشکلاتی را که در راه وصول به صلح وامنیت پایدار راین قاره وجود دارد ، آسان گرفته و به دشمن کم بهادراد . یک نظر بغمبرستی از این مشکلات و موانع اهمیت آنها ولزوم شدید مبارزه برای رفع آنها را تشان میدهد که زیلا بطور خلاصه بد انها اشاره میکنیم :

- ۱ - وجود پایگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا شمالي و انگلستان در سیاری از کشور
- ۲ - آسیا

۲ - اجرای سیاست امپریالیستی و ادارکردن آسیائیها بسازه علیه آسیائیها بسورد امپریالیس و ایجاد بلوکهای دوجانبه و چند جانبه نظامی با شرکت مستقیم و با غیرمستقیم امپریالیست هامانند سنتو و سئاتو . نمونه این سیاست مشکلات ناشی از آنرا مادرکشور خود با پوت و گوشلت لصرمیکنیم ارتجاجکشوما با شرکت در پیمان سنتو ، با قرارداد های دوجانبه نظامی با امریکا ، با حضور هزاران صیانتار نظامی امریکائی در ایران ، با تشدید تسلیحات ، با کوشش در ایجاد بلوک نظامی در خلیج فارس ، در طریق همکاری با امپریالیست هاد در ریای عمان واقیانوس هند ، با تحکیم تسلط انصهارات نفتی در ایران با تشدید قرارداد کنسرسیون ، با شرکت در جنگ کثیف را خلی عمان بسورد ارتجاج و امپریالیسم ، با تحریک و توطئه علیه جمهوری عراق و جمهوری دموکراتیک یعنی ، با میدان را در این بسماهی های خارجی وغیره ، مجری سیاست نوین امپریالیسم در قسمت حساس ارقاره آسیا و مانع بزرگی در راه وصول مردم ایران به صلح وامنیت و رفاه و آسایش است .

۳ - پشتیبانی و پهنه برداری از سیاست توسعه طلبی و تجاوز اسرائیل در اشغال سرزمینها اعراب و پیامال کردن حقوق ملی خلق عرب فلسطین از طرف امپریالیسم امریکا و مرتجمعتین محاذل کشورهای سرمایه داری ؛

۴ - تحریکات امریکا و انگلیس در خلیج فارس و شبه جزیره عربستان با همکاری ارتجاج داخلی منطقه ، ایجاد پایگاه‌های نظامی و مسلح کردن حکومتها ارتجاجی برای ادامه کنترل بر منابع نفتی و ایجاد بلوکهای تازه و توطئه علیه رژیمها ضد امپریالیستی مانند جمهوری دموکراتیک یعنی و جمهوری عراق ؛

۵ - توسعه پایگاه‌های نظامی و تجهیز آنها به سلاح‌های هسته‌ای در اقیانوس هند وی اعتنای بعلقه و کوشش مرد و لتهاي مجاور این اقیانوس برای تبدیل این اقیانوس بمنطقه صلح و دستی ؛

۶ - آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در آسیا و اقیانوس آرام در فضای مساحتی میلیونها نفر ساکنان این منطقه را بخطور میاندازد ؛

۷ - اشغال نظامی کره جنوبی از طرف امریکا و کوشش برای ثبت تجزیه این کشور و ایجاد دو کشور جد اگانه ؛

۸ - نقش مذموم قرارداد صلح پاریس در رمود وستنام و کوشش برای بهم زدن قرارداد صلح لا ئوس و دخالت در رکابیوج ؛

۹ - اعمال فشارهای گوناگون اقتصادی بمنظور استعمار هرچه بیشتر مرد آسیا و جلوگیری از رشد اقتصادی آنها .

این است فهرست ناکاملی از موانع و مشکلاتیکه در راه تامین صلح و امنیت در آسیا وجود دارد . برای رفع آنها علاوه بر مبارزه جد اگانه‌لتها ، مبارزه جمعی و همکاری همگانی کشورهای آسیایی در راه صلح و امنیت پایدار در آسیا امری ضروریست تا بانیروی جمعی ازد خالتهای نازاروای امیریا لیسم و امیریالیست هاد را مواردین قاره واستفاده آنها از خلافاتیکه بین کشورهای آسیایی بروز میکند جلوگیری شود . این همکاری بهمیوجه معنای ایجاد بلوک نظامی از کشورهای آسیایی نیست بلکه ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در آسیا نظری سیستم امنیت اروپائی استکه مانع از بروز خطر پل جنگ جهانی و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و تقلیل نیروهای نظامی و برقراری همکاری در زمینه های گوناگون اقتصادی ، فرهنگی وغیره بسود مردم بشود .

هدف های عمومی امنیت آسیایی

براساس چنین ضرورت و ماتوجه بروج کنفرانس های متعددی که در پیالا بد انها اشاره شد ، رفیق برزنف مسئله امنیت جمعی آسیایی را مدتی پیش طرح کرد و کشورهایی نظریه‌مند ، بنگلادش عراق از آن پشتیبانی نمودند . موضوع آندر روش وغیرقابل رد است که حتی شاه ایران در آخرین سفرخود به اتحاد شوروی ناچار شد راعلام میهمشترکی که در پیايان این مسافت منتشر گردید موقافت خود را لوگوطفی باطری آن اعلام دارد .

موضوع سیستم امنیت آسیایی که هدف آن تحکیم صلح و توسعه همکاری بین کشورهای آسیایی است در کنگره جهانی نیروهای صلح در مسکو در راجلاسیه شورای جهانی صلح در صوفیه مورد مطالعه وبحث قرار گرفت و کمیسیون مخصوصی در هر دو راه واجتماع برای بررسی آن و تمهیط طرح مشخصی تشکیل گردید . این کمیسیون هاکه با حضور نمایندگان اکثر کشورهای آسیایی فعالانه در این مسئله بحث کردند ، طرحی را بعنوان پایه برای قرار امنیت جمعی آسیایی تهیه نمودند که در پاییمن ذکر میشود :

۱ - صرف نظر کردن از اعمال قبیر روابط بین کشورها و حل تمام مسائل مورد اختلاف بوسائل مسالمت آمیزه :

۲ - منع تجاوز و تعریض بسرزمن کشورهای دیگر :

۳ - احترام حق حاکیت ، وحدت ارضی و عدم تجاوز بمرزهای کشورها :

۴ - عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر :

۵ - شناسائی حق هر کشوری در تعیین سرنوشت خود و راهی که برای رشد اجتماعی و اقتصادی انتخاب میکند :

۶ - شناسایی حق حاکیت کشورها در استفاده از شروتهای طبیعی خود :

۷ - توسعه و تکامل دارن به همکاری های اقتصادی و فرهنگی و علمی بهره‌شکل براساس احترام کامل و برابری مقابل بین کشورها بسود همه آنها .

قبول و شناسائی اصول فوق از طرف همه کشورهای آسیایی قطع نظر را خلاف رژیم های سیاسی و اجتماعی آنها ، بمعیزان قابل توجهی با ایجاد محیطی که در آن وصول به صلح و امنیت پایدار امکان پذیر میگردد ، کمل موثری خواهد بود .

ایجاد سیستم امنیت جمعی در آسیا براساس اصول فوق با پیشنهاد های بسیاری از شخصیت های سیاسی و اجتماعی آسیا ، با اصول مصوب کنفرانس باند ونگ ، با قرارداد های روجانبه و متن بین بعض از کشورهای آسیایی و بامنشور سازمان ملل متحد ، مطابقت دارد . این نکته را پایدار آورشده که در میان کشورهای آسیایی حکومت پکن که از یک سیاست توسعه طلبانه پیروی میکند

با وجود آنکه هنگام تشکیل کنفرانس باند ونگ با پنج اصل مصوب این کنفرانس که حاوی اصول فوق الذ است موافقت نمود ، اکنون بشدت تباقدار امنیت جمعی آسیا مخالفت میکند . زیرا بطور کلی سیاست حکومت چین ماقوئیستی در مسیر پیگر افتخار که با مصالح مردم چین و با مصالح مردم آسیا وفق نمیدهد . سیاست خارجی چین بطور کلی باگرایش روابط بین العلی جهان امروزکه درجهت همیستی مسلط آمیزکاهش و خامت اوضاع بین العلی است ماینت دارد و با سیاست مرجعترین محافل امپریالیستی که جانید از اینگشت بسیاست جنگ سرد هستند وفق میدهد .

پیوند امنیت آسیا با مبارزه علیه امپریالیسم و ارجاع

مبارزه در راه برقراری صلح و امنیت در آسیا از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارجاعی مردم این قاره جدا نیست . این هر دویاهم پیوند ناگستنی دارند . هر ضربتی که با امپریالیسم و ارجاع در این قاره وارد آید قدمی است که در راه تامین صلح و امنیت برداشته شود و هر پیروزی که در حل مسائل اختلافات بین کشورهای رسطح دلتی برداشته شود بنویه خود بیان امپریالیسم وسود میلیونها مردم است که تشنگ بهبود زندگی ، رفاه و ترقی هستند . مبارزه برای اینین بردن پایگاه های نظامی ، لغو قرارداد های نظامی امپریالیستی ، قطع نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم خروج نیروهای نظامی امپریالیسم از آسیا ، سرنگون کدن حکومتها ارجاعی همکار امپریالیسم و نهاد آنها مبارزه ای است در راه صلح و امنیت ، همچنانکه کوشش برای حل بحران خاورمیانه و اختلافات در شبه قاره هند و سلطان ، اجرای قرارداد های صلح پارسیس در راه ویتنام ولاوس نیز بفویه خود مبارزه ای است برای برقراری صلح و امنیت وکی است به مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارجاعی و فراهم آوردن امکانات لازم برای رفاه آسیا پیش و ساختن زندگانی بسیاری مردم این کشور ها .

برای مردم ایران و در رجه اول مبارزان راه استقلال و آزادی ایران مبارزه برای خروج ایران ازستن ، لغو قرارداد و جانبه نظامی با امریکا و اخراج مستشاران نظامی آنها ، جلوگیری از صرف درآمد کشور برای تسلیحات ورخت در خالت در امور کشورهای مجاور ایران ، ترک همکاری در اجرای نقشه های نظامی امپریالیست ها رخیلی فارس و اقیانوس هند ، علیه حکومت ارجاعی و دیکتاتوری شاه کهن شن راندارم امپریالیسم را بعهد مگرفته و نظائر آنها مبارزه ایست که در راه صلح و امنیت دریکی از حساسترین مناطق آسیا بعمل می آید .

تاریخ قرن بیست آسیا ، تاریخ موقوفت آمیز این گونه مبارزات است که با وجود فرازندهای بسیاریه پیروزیهای بزرگی دست یافته و شرایط مساعد جهان امروز کامیابیها بزرگتر را بدانها نمیدهد . وظیفه تمام نیروهای دموکراتیک ایران تشدید مبارزه در تمام زمینه های علیه حکومت مطلق شاه ورزیعی است که نه تنها هرگونه آزادی را از مردم ایران سلب کرد بلکه با همکاری امپریست ها صلح و امنیت را در خاورمیانه بخطر انداخته است . این وظیفه ایست که با وجود تمام مشکلات انجام آن میسر و بایان آن پیروزی خلق های ما است .

۱. گوا



سینهار علمی بررسی مسئله نفت در کشور ما

روزهای جمعه و شنبه ۲۳ و ۲۴ فوریه ۱۹۷۴ (موافق سوم چهارم اسفند ۱۳۵۲)
سینهار علمی برای بررسی مسئله نفت و سیاست رژیم در این زمینه از طرف شعبه
تلیفهات حزب توده ایران تشکیل شد . رفیق احسان طبری در سخنرانی افتتاحی
خود وظائف را که این سینهار در برآورده بود داشت . در این سینهار
بنر تیپ رفیق مهدی کیهان درباره " بحران انرژی در جهان سرمایه داری و حل
وجهات آن " ، رفیق محمد صفری درباره " مسئله تعیین بهای نفت خام " ،
رفیق منوجهری درباره " سیر تکاملی اپک و روش ایران در این سازمان " ،
رفیق جوان میزانی درباره " نظری به قرارداد جدید کنسرسیوم بین اطراف نفت " ،
رفیق مععود اخگر درباره " اطلاعاتی درباره اقدامات و برنامه نفتی دولت ایران " ،
سخنرانی کردند . در اطراف سخنرانیها انجام یافته بحث و بررسی انجام گرفت .
در این سینهار رفیق ایرج اسکندری جمع بست از نظریات ابراز شده و مشحون حزب
در مسئله مورد بحث بذست داد . سینهار سود مند شمرد که خلاصه ای از این سخنرانی
هاد رمجله " دنیا " نشر یافت . اینکه این سخنرانیها بترتیبی که در سینهار مطرح
گردیده است ، در اختیار خوانندگان ارجمند " دنیا " قرار میگیرد .

بحران انرژی در جهان سرمایه داری ،

مهدی کیهان

عل و جهات آن

از همین ابتدا باید خاطرنشان کنیم آنچه بنام بحران انرژی از آن نام بربرانی است خاص
معدودی کشورهای پیشرفته سرمایه داری . بحران انرژی ، بحرانی جهانی نیست . کشورهای
سوسیالیستی از گرفتاریها ناشی از بحران انرژی فارغ اند . در کشورهای در حال رشد صرف انرژی
بطور کل هنوز رسطوحی نیست که برای آنها بحران انرژی به معنی خاص این کلمه مطرح باشد .
بحران انرژی در عین حال به معنی فقدان مواد انرژی زا در طبیعت نیست . در همان کشور
های پیشرفته سرمایه داری که اکنون بعثت و بتباش از بحران انرژی گرفتار آمده اند مواد انرژی
زاد رطوبت پهاند از کافی وجود ندارد . در اروپا و ایالات متحده امریکا متابع غنی زغال سنگ موجود
است . بعلاوه هنگامیکه بشریه انرژی اتم دست یافته و میروند تانیروهای عظیمت انرژی زارا مورد استفاده
قرار دهد بحران انرژی به معنی عدم دسترسی به مواد انرژی زا غیر محتمل و با مسئله ایست برای زمان
های پیمارد ور .

بحران انرژی که از آن بعنوان بحران نفت نیز نام برداشته شود به معنی فقدان این ماده حیاتی
واستراتژیک نیز نمیتواند تعبیر شود . چه در شرایط حاضر خایر کشف شده نفت جهان به قریب
صد میلیارد تن بالغ میشود و این مقدار نفت میتواند پاسخگوی خواج ریه فزونی حق برای چند دهه
دیگر باشد . ذخایر کشف شده گاز نیزتا آخر سال ۱۹۷۳ میلیارد متر مکعب بالغ

شد و کمکاگوی مصرف گاز چند ره آتی رامینعاید . حق باد رنظرگرفتن این وضع که استفاده از نفتگاز در شرایط سرمایه داری باحیف و مدل این دو ماده خام ذیقیمت طبیعی همراه استیو دول امیریالیستی سهم این دو ماده را در تامین انرژی بطرزناهاناسب و غیرمعقولی بالا برده اند . مغذلک ذخایرکشیده کنونی نفت و گاز برای تامین حواجز جهان در چند دهه ای کفايت میکند . این درصورت است که از اکتشاف ذخایرجدید نفت و گاز در آینده و بهره برداری مشترکتر از منابع کنونی چشم پوش نمائیم .

با اینحال بحران انرژی و قیمتگفته شود بحران نفت درجهان درحال حاضر وجود دارد . نتایج این بحران گذشته از معدودی کشورهای سرمایه داری در عین حال دامنگیرهمه کشورهای درحال رشد و حقیقت کشورهای سوسیالیستی است که بنیانگذاشته اند . درحال رشد و حقیقت کشورهای سرمایه داری که مستقیماً در معرض خطر و عوارض ناشی از بحران نفت خیزد گرفته اند محاذل امیریالیستی پیدا ایشان بحران عتل بروزان را بامارزه کشورهای نفت خیزد درحال رشد ، بویژه مبارزه کشورهای عربی و اقدام آنها به استفاده از نفت بعنوان حرمه سیاسی توجیه میکند . این پک توضیح و توجیه مفرضه است .

بحران نفت از آنجا پیش نیامده است که کشورهای نفت خیزد راحال رشد قبول شرایط عادلانه تری را برای فروش نفت خود به مصرف کنند گان پیشنهاد میکند . ازین این کشورهای برخی بطور مستقیم با کشورهای سوسیالیستی و حقیقت کشورهای سرمایه داری روابط و معاملات نفت دارند . دراین مرور نه فقط بحران واشکالی دیده نمیشود ، بلکه حجم کم معاملات و سطح اولیه روابط مابع از توسعه و پیشرفت کاراست .

همینطور و اقدام چند کشورهای غربی که بنوی خود اقدام کامل عادلانه و بجای در مقابله با تجاوز اسرائیل و حامیان امیریالیستی آن بشمارماید موجب بحران نفت نبود و نمیتوانست باشد . در لحظه ای که اعراب به تحریم صدر و نفت رست زدن مخازن انحصارات عظیم نفتی انباسته از نفت بود . بخلافه حد تقلیل استخراج صدر و نفت از پیگر کشورهای نفت خیزد و حقیقت از دنیا و صدر و راین ماده از کشور نفت خیزی چون کشورها ایران در میان نفت وارد به بازار جهان سرمایه داری نسبت به ماههای قبل از تحریم تغییری وارد ننمود . چنین وضعی نه میباشد بمنای دیدن فوری نفت در بازار های کشورهای پیشرفت غربی بیانجامد و نه سبب افزایش خارق العاده قیمتها نفت برای مصرف کنند گان گردد .

پک توجیه دیگر محاذل امیریالیستی ایستکه گویا اقدام کشورهای نفت خیزه افزایش قیمتها نفت در جریان سال ۱۹۲۳ بویژه در ماه اکتبر موجب ترقی خارق العاده قیمتها رکشورهای سرمایه داری پیشرفت شد و بحران نفت را بوجود آورد . این ادعاییز باطل است .

اولاً افزایش قیمتها نفت از جانب اعضاً اوپک و دیگر کشورهای نفت خیزی سال ۱۹۲۳ نتیجه مستقیم افزایش سرمایم آورده است کالا های صنعتی وارداتی به این کشورها و اثراخ بحران مالی و ارزی درجهان سرمایه داری بود که ضربات بسیار جدی به اقتصاد و مالیه کشورهای نفت خیز وارد آورده است . درثانی افزایش ناگهانی و فوق العاده قیمت نفت و فرآورده های نفتی و پتروشیمی را در بازار کشورهای پیشرفت سرمایه داری گامتا میزان روپر بروپیشترابهیچوجه نمیتوان با افزایش قیمت از جانب کشورهای نفت خیز توجیه نمود ، زیرا بالاترین رقمی که کشورهای اخیر برای قیمت های اعلان شده هریشه نفت معین کرده اند ، بفرض که از سهم نازل آنان از مبلغ دریافتی از قیمت فحروش پک بشکه نفت صرف نظر نکنیم ، باعث میشود که فقط چهار رصد بدین قیمتها

فروش نفت اضافه شود.

بنابراین مبارزه عارلانه و بحق کشورهای نفتخیز در حال رشد به منظور استیفای حقوق ملی در نفت و با اقدام قانونی اعراب راستفاده از نفت پعنوان سلاح سیاسی بمنظور خوش کردن تجارت امراییل و حامیان امیریالیستی آن عواملی نیستند که بتوان پیداپیش بحران انزوی درجهان سرمایه داری را با استفاده از آنها توجیه نمود. بحران انزوی درجهان سرمایه داری دارای طلبی است ناشی از خود این رژیم و انتقادات و خواستهای سرمایه دار مراحل نهایی پهلوی رشد آن یعنی در مرحله امیریالیسم واستعماریون وجودیت اتحادات عظیم بین الطلی سرچشمه میگرد.

سرمایه داری باشد ناموزون و نابرا برخیز عادلانه خود وضعی بوجود آورده است که مصرف کنندگان عدد مواد خام منجمله نفت و گاز مسدودی کشورهای پیشرفت سرمایه داری مرکب از ایالات متحده امریکا، کشورهای اروپای غربی و زاین هستند. از ۲۳۶ میلیون تن نفت استخراجی درجهان در سال ۱۹۷۰ بیش از ۱۸۵ میلیون تن آن دراین کشورها مصرف شده است. با مصرف این مقدار و گازکه مقدار برعده آن تا ۷۰ درصد از فخاکش کشورهای نفت خیز در حال رشد آسیا، فریقا و امریکای لاتین یعنی واقعیت کلمه غارت میشود معدودی کشورهای سرمایه داری شروع نعم عظیم حاصل از استفاده از نفت و گازد رتمدن ماشین معاصراعملاء بدور اختصاص راهه اند. میتوان بجرات گفت که در دوران انقلاب علمی و فنی قسمت هم از ازدیاد ثروت دور رآمد ملی در چند کشور پیشرفت سرمایه داری بحساب استفاده از نفت و گاز صورت گرفته که از قبل آن کشورهای نفت خیز صاحب منابع نفت علاوه همچ بهره ای نبرده اند.

تاقی امیریالیسم قدرت مطلق داشت ادامه این وضع میتوانست به بهای سرکوب مبارزات ملل کشورهای نفت خیز راه کوتاهی نظامی ارجاعی تغییر و تبدیل در نفع کشورهای نفت خیز آور و نبردن دلتاها و حق اقدام به مداخله مستقیم نظامی صورت گیرد. امداد رشراحتی که موجود بیت کشورهای سوسیالیستی و قدرت روزافزون اقتصادی، فنی و نظامی آنها را باید کاملاً مساعدی برای پیروزیها بیشتر جنبشها می باشد و استقلال طلبانه در همه کشورهای در حال رشد ایجاد نموده طبیعتاً وضع غارتگرانه موجود که به ازدیاد ثروت معدودی دول امیریالیستی و فقر شدید تر کشورهای در حال رشد میانجامد، دیگر نمیتواند ادامه پاید. بحران در زمانه داد و ستد مواد خام منجمله بحران نفت که افکار عمومی جهانیان را بخود مشغول داشته براین پایه بوجود آمده است.

پیداپیش بحران مواد خام برای دول امیریالیستی یک پدیده ناگزیر است که آثار و ملاله آن از مدت‌ها قبل مشاهد میشود. علت اینکه این بحران بوجهه و در مرحله اول بصورت بحران روابط بین دول امیریالیستی و کشورهای نفت خیز در حال رشد متداهن شده اینست که دراین زمانه تحریک و مرکزیت سرمایه اتحماری نه فقط درجهار چوب ملی، بلکه در مقیاس جهانی به حد اعلای رشد رسیده و غارت واستثمار معدودی اتحادات بین الطلی نفت گذشته از کشورهای نفت خیز و پیش از خیز در حال رشد رفته شامل کشورهای ضمیف ترس مایه داری و حق توده های وسیع کشورهای عدد سرمایه داری شده است.

معدودی اتحادات بین الطلی نفت، بوجهه اعضاء هفتگانه کارتل، گذشته از آنکه قسمت اعظم اکتشاف، استخراج و صد و نفت کشورهای نفت خیزرا بدست دارند و شbekه گسترده ای از تاسیسات پالایش و حمل و نقل و توزیع نفت در سراسر جهان سرمایه داری در اختیار آنها است در عین حال بر تعیین میاست انزوی، تعیین قیمت نفت و گاز، تقدیم انتقالات جهانی سرمایه ها صولاً همه صنایع و بازرگانی که با تولید نفت و گاز راستفاده از آنها در رصانای پتروشیمی سروکار پیدا میکند.

نظرات دارند . تسلط اعضاً کارتل بین المللی نفت همچنین بر منابع ذغال سنگ و صنایع اتنی نیز که در منبع عده دیگر تامین انرژی به شماره روند بسط پیدا میکند .

اما کارتل بین المللی نفت تنها یک قدرت انحصاری مخصوص بفرد مشکل از تمثیلکردن و جمهور ترین صنایع اکتشاف ، استخراج ، تصفیه ، حمل و نقل و توزیع نفت و فرآورده های نفتی در سراسر جهان سرمایه داری بشمار نمیرود . کارتل بین المللی نفت همچنین قدرت عظیم خارق العاده مالی و اقتصادی است که از نظر حجم سرمایه ، میزان فروش کالا ، تعداد کارکنان در جهان سرمایه داری نظیری برای آن تدبیران یافت . در میان چند ده غول عظیم صنعتی ، مالی ، بازرگانی و حمل و نقل و خدمات در جهان سرمایه داری اعضاً هفت گانه کارتل - هفت خواهران - در رو ده اولین ده انحصار عظیم قرار دارند .

کارتل بین المللی نفت در عین حال قدرت عظیم سیاسی - دولتی و مشخص ترین مظهر سرمایه داری انحصاری - دولتی است . سایقاً گفته میشود انحصارات عظیم نفتی دولتی در دولت های کشورهای نفت خیز هستند . امروزینا به نوشته مجله امریکائی نیوزویک این انحصارات دولتی در دولت کشورهای غربی بشمار می آیند . قدرت کارتل بین المللی نفت سایقاً با قدرت دول جد اگانه پیشرفت سرمایه داری مقایسه میشود . متخصص امریکائی مارتین لوبل میگوید : در مقیاس جهانی قدرت مالی و اقتصادی کارتل قدرتی است پس از ایالات متحده امریکا ، اتحاد شوروی و بازار مشترک اروپا .

بحران انرژی در لحظه کنونی بحران نفت ، بحرانی است زائد موجو دیگر دای به معنی تمام و کمال کلمه امیریالیستی که از آن بنام کارتل بین المللی نفت یاد میکند .

این کارتل بین المللی نفت است که در همان حال که اتحادهای خود و حمایت از جا و رسانی ایل و جنگ راهزنیان اعراب را به استفاده از سلاح سیاسی نفت و اقدام به قطع صد و روتیریم نفت مجبور میسازد ، در همان حال این اقدام را وسیله بهره کشی بیشتر از صرف کنندگان نفت و توده های وسیع زحمتکش در سراسر جهان منجمله در کشورهای پیشرفت سرمایه داری قرار میگیرد . ایجاد بحران یک شبه نفت در کشورهای پیشرفت سرمایه داری ، اقدام به افزایش غیر مترقبه و مسابقه قیمتها برای فروش نفت به مصرف کنندگان ، برواشت منافع غیر منتظره در جریان تحریم نفت از جانب اکسن ، گالف ، موبیل ، تکراکو ، کالیفرنیا ، شل و بربیتیشن پترولیوم هم زمان مخالفت و عناد ایمن انحصارات باشناشی حقوق قانونی کشورهای نفت خیز و تحریکات و توطئه های گوناگون آنها نظیر کنفرانس نفتی واشنگتن و تهدید امریکا بعد از خلیج مسکانه ، فقط در روابطه با اقیمت موجود است کارتل بین المللی نفت و تسلط آن بر صنایع و بازار جهانی نفت قابل درک میباشد .

کارتل بین المللی نفت نهایی ترین شرط سرمایه داری است . اگر درست است که اعمال اصلی و عده بحران انرژی و نفت کارتل میباشد در آنصورت درست و دقیق این خواهد بود که ریشه ها و عمل بحران انرژی را در خود رژیم سرمایه داری جستجو کنیم که اینکه در وران تعمیق بحران عمومی خود همراه با بحرانهای مالی و پولی با بحران انرژی نیز مواجه میگردد . برای دل امیریالیستی که تمام منابع و نیروی خود را در خدمت حفظ سرمایه داری و بطور عده امیریالیست گذاشته اند بحران انرژی پدیده ای گذرا و موقت خواهد بود . تازمانیکه سرمایه داری با قوانین خاص خود را این تعلک شوت و نتیجه کار دیگران از راه غارت واستثمار منابع و نیروهای انسانی کشورهای دیگر یا تکمیله به مکانیزم موجود است انحصارات بین المللی ادامه دهد بحران نفت و رأینده بحران مواد خام دیگر اراده خواهد یافت .

کوتاه سخن آنکه بحران نفت ، چنانکه از مطالب بیان شده نتیجه میشود ، بحران روابط تولیدی

سرمایه داری است که بر صنایع و بازرگانی جهانی نفت مسلط گشته است . رشد نیروهای مولد در زمینه صنعت نفت بد رجه اپست که دیگر نمیتوان این صنایع را در قالب مالکیت خصوصی اداره نمود . بویژه صنایع نفت میطلبید که برآن مالکیت اجتماعی برقرار شود و اصل ملی کردن در مرور منابع و صنایع نفت در همه مراحل آن و در کلیه کشورها اعم از کشورهای در حال رشد و باکشورهای پیشرفتنه صنعتی غرب به جرای آید . باید بد ای بمنوان بحران انرژی و نفت فقط از این رامیتوان مبارزه کرد .

در شرایط دیگری کارتل بین المللی نفت از طریق سرکوب مهارزات عادلانه ملک و دول کشورهای نفت خیزید رحال رشد و از میان بودن رقابت احصارات " مستقل " در کشورهای پیشرفتنه سرمایه داری خود به " رفع " بحران انرژی اقدام کرد . تاریخ پیدامش کارتل رفعتی آن در چند دهه اخیر شرحون از توtheonها و تحریکات میاس و نظایی است که بصور مختلف از جانب سردمداران کارتل و دول امپریالیستی امریکا و انگلیس برای حفظ و تقویت موضع کارتل در اقتصاد جهانی نفت صورت گرفته است . جنگها در وان اخیر روزان ما ، جنگ ویتمام ، جنگ اسرائیل جنگ بیافراد رستی جنگهای نفت نامده شده اند .

اینکه حتی این جنگها به موقعيت‌نیاجامیده و بلکه باعث شده است ضربات جدیتری به مواضع امپریالیسم و بویژه کارتل بین المللی نفت وارد آید لیل آنست که نه تنها تناسب قوابسود استیفای حقوق ملک در نفت بهم خورد بلکه برتزی قوا به منظور نهیل به طرد احصارات امپریالیستی نه فقط از کشورهای نفت خیزید بلکه از صنایع و بازرگانی جهانی نفت بوجود آمده است . طبیعی است که جنگ‌نین تغییری در جهان که همه‌ملل و زحمتکشان ، چه کشورهای پیشرفتنه وجه درحال رشد از آن سود هم‌زند حاصل پیروزی سوسیالیسم و پیشبرد سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیزاست که کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی مجری آن هستند .

کارتل بین المللی نفت برای مقابله با بحران انرژی کعمال بزمیان خود آن تمام شده راههای جدیدی در پیش میگیرد و به توطئه های گوناگون میپردازد . تن دادن به انعقاد قراردادهای نواستعواری جدید نهی که در آنها ماهیت امتیازات احصارات نفت حفظ شود ، وعده شریک ساختن کشورهای نفت خیزید رفعتی صنایع نفت در مراحل مختلف آن ، دعوت احصارات نفتی مستقل به همکاری و درعین حال تکیه پیشتر بر قدر نظمی و سیاسی دولت امریکا به منظور تشکیل چه به واحد کشورهای مصرف کننده نفت که با تحریک افق‌کاراعضاً اوبک و کارشکنی در استقرار روابط مستقیم بین کشورهای خریدار فروشنده نفت که با تحریک افق‌کاراعموی علیه کشورهای نفت خیز و اقدامات آنها در زمینه استیفای حقوق ملی همراهی شود ، طرق مختلف است که کارتل بین المللی نفت برای حفظ موجودیت خود برگزیده است . صرفنظر از گوناگونی توطئه ها و تحریکات ، هم‌آنها یک هدف راتتعیب میکند و آن حفظ موضع کارتل بین المللی در صنایع و بازرگانی جهانی نفت است .

جهانیان ، ملک و دول کشورهای درحال رشد ، ملک کشورهای پیشرفتنه غرب و توره های زحمتکش در این کشورهای نفتی به بحران انرژی برخورد دیگری دارند . آنها بدرستی میخواهند از هدایت این وضع بمنظور پیشگیری از میان راندن به تسلط کارتل بین المللی نفت واستقرار روابط عادلانه و پایه بر رضانایع و بازرگانی جهانی نفت استفاده بعمل آید که بنویسند و پایه نوونه استقرار روابط در زمینه خرید و فروش دیگر کالاها و مواد خام در میان کشورهای باشد .

ملک و دول کشورهای نفت خیز ، همچنین ملک و دول کشورهای مصرف کنند مفت اعم از کشورهای درحال رشد و پیشرفتنه به تحریکات کارتل بین المللی نفت و دول امپریالیستی حامی آن بویژه امریکا و انگلیس با تکیه به حریمه های موثر مبارزه ، لغوات احصارات نفتی وطن کردن صنایع نفت در تمام مراحل آن اعم از اکتشاف ، استخراج ، تصفیه ، حمل و نقل و توزیع ، استفاده از نفت بمنوان سلاح

سیاسی مبارزه و اقدام به انعقاد قراردادها را مستقیم بین دولت تولید ومصرف کننده، طرد کارتل و انحصارات نفتی از اجرای نقش دلال و بواسطه در مقامات نفت و نظائر این اقدامات پاسخ میدهند. در جریان بحران نفت بارد پیگرا همیلت لفوقارداد فروشن نفت به کسرسیوم واحیا قانون ملی شدن نفت در کشور ما ایران آشکار گردید. چنانکه میدانیم وجود رژیم شاه و تسلط کسرسیوم برثروت و صنعت نفت ایران از جمله عوامل مهمی هستند کارتل از آنها به منظور جلوگیری از واردآمدن ضربات جدی پرتو اوضاع خود در جریان بحران نفت استفاده بعمل آورد.

مبارزه عظیم نفت هنوز ریبیش است. ملت ایران باشدید مبارزه با خاطر طرد قرارداد جدید نفت با کسرسیوم واحیا^۱ قانون ملی شدن نفت به یقین سهم موثری در این مبارزه می‌وبیند. ایفا خواهد کرد.

مسئله تعیین بهای نفت خام

و مقایسه در آمد کشورهای صادر کنندم

از واحد نفت و دورنمای آن

حمد صفری

وابستگی مستقیم در آمد کشورهای صادر کنندۀ به قیمت هر واحد نفت سالیان در از مسئله تعیین قیمت را به حریمۀ ای درست اتحاد نفتی برای تقلیل هرچه بیشتر سهم دولتهاي صاحبان اصلی نفت و افزایش بیش از پیش سود کمپانیهای خارجی تبدیل کرده بود.

بررسی مکانیزم تعیین قیمت نفت خام در شرایط سرمایه داری مستلزم مطالعه عوامل موثر در تعیین قیمت است. بنظر معمده ترین این عوامل عبارتند از درجه تسلط اتحادهای نفتی بر منابع نفت، تولید، تصفیه و توزیع، میزان مصرف فرآورده‌های نفت در جهان، عوامل شیمیائی و فیزیکی و جغرافیائی وغیره.

صایع نفت پک از آن رشتۀ های صنعتی است که اتحادهای نفتی تسلط گشته در آن دارند. در حال حاضر تعداد کمپانیهای نفتی بزرگ جهان سرمایه داری از ۳۰ تجاوز نمیکند. درین ۳۰ کمپانی بزرگ ۵ کمپانی امریکائی، یک کمپانی انگلیسی و یک کمپانی ایسلندی اعضای کارتل بین المللی نفت نقش عمده را یافته‌اندند. مثلا در سال ۱۹۷۲ میلادی سرمایه داری ۲۱۵۳۶ میلیون تن نفت خام تولید گردید. سهم هفت کمپانی اعضای کارتل در همان سال به ۱۳۶۰ تن بالغ بود که ۶۰ درصد کل تولید را شامل میشد. با ازدحام ناسال میزان تصفیه نفت در حدود ۲۰۰۰ میلیون تن بود که از آن ۱۱۶۸ میلیون تن و با ۵۵ درصد بلاواسطه در پالایشگاههای متعلق به ۷ کمپانی نامبرده تصفیه گردید.

بادر نظر گرفتن اینکه توزیع فرآورده‌های نفتی (تاسطح پمپ بنهزین) در ایالات متحده، اروپای غربی، ژاپن و سیاری از کشورهای آسیائی و افریقائی و امریکای لاتین در اختیار همیمن کمپانی‌ها است، میتوان نتیجه گرفت که مسئله رقابت در تعیین قیمت نفت خام و فرآورده‌های نفتی در بیان این سرمایه داری نمیتواند نقش موثر ایفا کند.

صرف نفت در جهان سال بسال رو به افزایش است. اینکه تولید نفت خام از ۸۸۴ میلیون تن در سال ۱۹۶۰ به ۲ میلیارد و ۱۵۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۲ افزایش یافت خود نمود ارشد سریع مصرف است در جهان سرمایه داری. در سال ۱۹۷۲ سهم کشورهای تولید کننده نفت در تامین صرف نفت مناطق عده جهان در برابر داری بقرار زیر بود (ارقام به درصد) :

کشورهای مصرف کننده

مناطق عمده تولید	اروپا و غرب	آیالات متحده امریکا	ژاپن
خاورمیانه و نزدیک	۶۱	۱۰	۲۹
افریقا	۲۲	۱۰	-
دریای کارائیب	-	۴۹	-
آسیا جنوب شرقی	-	-	۱۲
کانادا	-	۲۲	-

طبق ارقام رسمی ذخیره نفت جهان در سال ۱۹۷۳ در حدود ۶۴ میلیارد تن بود که از آن ۸۴ میلیارد تن در خاورمیانه و نزدیک ، ۴۶ میلیارد تن در افریقا و فقط ۲۰ میلیارد تن در اروپا و غرب قرار داشت . واين نشان ميد هد که نفت سریع مصرف در کشورهای رشد پاکه صنعت سرمایه داری فقط از طریق افزایش بهره برداری از خاک نفتی خاورمیانه و نزدیک امکان پذیر است . قیمت نفت خام رابطه مستقیم با هزینه اکتشاف و تولید ، موقعیت جغرافیائی میدانهای کشف شده ، مفهومیت و نوع نفت تولید شده و خواص شیمیائی آن (که در جرجیا پالایش موثر است) ، امکان ادامه تولید بعد نسبتا طولانی وغیره دارد .

مثل وزن مخصوص نفت خام در تعیین قیمت آن موثر است . وزن مخصوص نفت در کشورهای خلیج فارس بین ۱۰۰ تا ۱۹۵۲ در رسان است . وزن مخصوص نفت معمولاً بر حسب مقیاس درجه API اندازه گیری میشود . هرچه درجه API زیادتر میباشد نفت سیکلتولندا مرغوبیت و قیمتمن افزونتر است . ارزانیه سال ۱۹۷۴ کشورهای صادر کننده نفت پایه محاسبه را قیمت یک بشکه نفت ۳۴ درجه API قرارداده اند . برای هر ۱ ر. درجه بیش از وزن مخصوص فوق ۶ سنت در هر بشکه به قیمت نفت خام افزوده میشود و برای هر ۱ ر. درجه پائین تراز این وزن مخصوص ۳ سنت از قیمت هر بشکه نفت کسر میشود .

علاوه بر این بهره داری و عمق لایه های نفتی ، درونی و نزدیک آنها ازین دار روابط های فروش هم در تعیین قیمت موثر است . هرچه لایه های نفتی در عمق بیشتری قرار گیرد ، بهمان انداده سرمایه گذاری در اکتشاف و تولید بیشتر و بالنتیجه هزینه آن افزونتر خواهد بود . لایه های زیرزمینی در منطقه خاورمیانه که در اعماق نسبتاً کم قرار دارد . برای نمونه موقعیت میدانهای نفتی ایران را میتوان نشان داد :

میدانهای نفتی	عمق لایه های زیرزمینی بهمتر
نفت سفید	۹۰۰
هفتگل	۶۰۰
آغا جاری	۱۳۵۰

در حال حاضر میدانهای نفتی آغا جاری و هفتگل ۵۴ درصد نفت تولید شده در حوزه قرارداد با کنسرسیون میان اطراف نفت را میدهد . و چنانکه دیدیم در هر دو این میدانهای نفت در اعماق نسبتاً کم قرار دارد . کی عمق لایه های نفتی بمعنای ارزانی قیمت واحد نفت تولیدی و در نتیجه تسريع گرد سرمایه است .

از عوامل موثر ر تعیین قیمت در وری و پانزد بیک میدانهای نفتی است از بازار فروش . تساوی سال ۱۹۷۴ موقعيت جفراغیا شد درین سار رختگل خلیج فارس رونظر گرفته نمیشد .
 مسئله مهم دیگر تعداد چاههای حفر شده بقصد بهره برداری و درجه شربخش آنهاست . در اینجا موضوع حائز اهمیت (ازلحاظ سودآوری سرمایه بکار رفته) آنست که چه تعدادی از چاههای حفر شده به نفت رسیده و چه تعدادی با صلح خشک بوده است . در سال ۱۹۷۱ در رایالات متحده امریکا جمعاً ۲۵۸۰۱ چاه به قصد بهره برداری حفر شده که از آنها ۱۱۸۵۸ چاه است و ۳۸۳۰ چاه گازبریخش و ۱۰۱۶۳ چاه خشک بوده است . حال آنکه در همان سال در عربستان سعودی از ۵۸ چاه حفر شده بقصد بهره برداری ۴۲ چاه شربخش فقط ۱۶ چاه بی شر بوده است . در قطر از ۱۰ چاه نفت ۹ چاه ، در عراق از ۱۷ چاه نفت ۱۲ چاه ، در کویت از ۸ چاه نفت ۸ چاه و در ایران از ۱۰۴ چاه نفت ۵۱ چاه به شعر رسیده است .
 عین این موضوع در عملیات اکتشاف نفت و درجه شربخشی آن هم صادق است . در سال ۱۹۷۷ در ایالات متحده از ۶۹۲۲ چاه اکتشافی فقط ۱۰۸۸ چاه به شعر رسیده ، یعنی میزان شربخشی حفاری بقصد اکتشاف ۱۶ درصد بوده است . حال آنکه در عربستان سعودی رقم مشابه ۱۰۰ درصد و در ابوظبی ۵۰ درصد بود .
 عوامل مذکور موجب آن گشته که هزینه اکتشاف و آماده کردن چاه نفت برای بهره برداری در خاورمیانه نزدیک از انتراز هر منطقه دیگرگردید (مراجعت شود به مجدول زیر)

ارقام به دلار برای هر بشکه

مناطق نفت خیز	سال ۱۹۷۲	سال ۱۹۶۲
ایالات متحده امریکا	۱۹۷۲	۱۹۷۲
کانادا	۱۹۸۳	۶۴۹
ونزوئلا	۰۲۶	۰۲۸
افریقا	۰۱۶	۰۰۵
خاورمیانه و نزدیک	۰۰۲	۴

چنانکه ملاحظه میشود نفت خاورمیانه نزدیک دارای بهترین شرایط است . این امر ازلحاظ بررسی سیستم های مختلف قیمت گذاری نفت اهمیت فوق العاده دارد .
 مالیات در ارزش بین المللی نفت که پایه واساس قیمت این کالا را در بازار جهانی تشکیل میدارد طبق قوانین سرمایه داری شموه تولید بار رونظر گرفتن شرایط موجود در معادن امریکا تعیین میگردد .
 چنانکه متذکر شدیم این معادن ازلحاظ غنای لایه های زیرزمینی ، کم عمق لایه ها ، بهره وری چاه های نفت ، هزینه اکتشاف و آماده کردن چاه نفت برای بهره برداری وغیره دارای بدترین شرایط بود و هست . این روش تعیین قیمت بنام " نقطه مبدأ خلیج خواند " میشود .
 تا سال ۱۹۵۰ مسئله قیمت اعلان شده نفت خام تائیر چندانی در درآمد کشورهای تولید کننده نفت نداشت . زیرا قراردادهای بریا به امتیاز زیر اختبلع مقطعه از هر واحد نفت تولید شده به کشورهای صادر کننده را رونظر میگرفت . لذا انحصارهای نفتی با تحمل سیستم قیمت گذاری نامحدود همتوانستند سود کلانی بدست آورند .
 بعد از جنگ جهانی دوم سیستم " نقطه تساوی قیمت " مورد استفاده قرار گرفت . نقطه تساوی لندن انتخاب شده بود . در اوایل سال ۱۹۵۰ انحصارهای نفتی نیویورک را بجا لندن بعنوان

بنقطه تساوی قیمت "برگزیدند . بدینظریق قیمت نفت خام صادره ازینبار رخیج فارماباطمه معمکن با نرخ حمل باشتن پیدا کرد . یعنی هرچه نرخ حمل زیاد ترمیشد مقدار بیشتری از قیمت نفت خام در میداگزین شد .

از آنجاییکه درآمد کشورهای تولید کننده وابسته پر از انعقاد قراردادهای ۵۰۰-۵۰ دخواهی اعلان شده قیمت‌ها به قیمت‌های اعلان شده نفت پستگی پیدا کرد لذا انحصارها با استفاده از مکانیسم تعیین قیمت‌ها اعلان شده میکردند که اولاً به ساختار قیمت فرآورده‌های نفتی که در خدمهوارد نسازد و ثانیاً از سطحی که دلخواه آنان بود تجاوز نکند . خود انحصارها ای تصفیه مجموع کمپانیهای عمودی هستند ، یعنی از اکتشاف و تولید تا حمل و تصفیه و فروش را مستقیماً بهمراه رارند کوچکترین خسارتش از این شیوه قیمت گذاری نمیدارد . زیرا آنها نفت خام را به کمپانیهای تصفیه که متعلق بخود آنهاست میفروشند .

درنتیجه بازی با قیمت هار رواح قیمت اعلان شده یک بشکه نفت‌سیک منطقه خلیج فارس در اوائل اکتبر ۱۹۲۳ (هر شکه ۲۹۹۵ دلار) اندکی بیش از قیمت آن در دسامبر سال ۱۹۴۲ (هر شکه ۲۶۲ دلار) بود .

علمده کاهش قیمت نفت حوزه خلیج فارس در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم عبارت بود از تامین شرایط ضروری را شد سریع اقتصاد اروپا ایغربی و آپن بحساب خلق‌های منطقه . در سال ۱۹۶۹ سازمان اوپک تصمیم‌گرفت که کشورهای تولید کننده مبین در تعیین قیمت نفت کمپیا یاد پایه محاسبه بین آنها و کمپانیهای نفتی قرارگیرد راسماً داخله نمایند . این گام مشتم بالا خرده در سال ۱۹۷۴ ۱ جامعه عمل پوشید .

اینکه قیمت انحصاری توسط انحصارهای تعیین‌می‌شود و معمولاً تعامل به افزایش دردغیرقابل تردید است . ولی این نیزروشن است که حجم بازار سرماهه داری در مرحله‌های باقابلیت خرد توده‌های مردم را باید دارد . وقتی قیمت از سرحد قدر تخریب گذشت رقابت شدت می‌باشد و قیمت هاروبه‌تزلزل می‌گذارد . این پروسه نمود ارجومند قانونمندی در نوسان قیمت‌ها است در بازار جهان سرماهه داری . بدین معنی که هر قدر قیمت انحصاری افزایش فروخت‌می‌شود ، بهمان درجه رقابت تشید می‌باید . بهمین دلیل در بررسی سیر آینده قیمت نفت خام ساختار فرآورده‌های نفتی وسودی که از فروش آن بدست می‌آید و طرز تقسیم آن اهمیت‌شایانی کسب می‌کند .

در این اواخر مطوعات غرب درباره افزایش باصطلاح نامعقول قیمت نفت خام وبالا رفته سریع درآمد کشورهای تولید کننده بسیار قلمفرسانی کرده اند . هم‌مرجستجوی مقصر عمد هستند . باید "مقصر عمد" کیست .

از قیمت‌تحمل آغاز می‌کنیم . قیمت حمل تاثیر فراوانی در بالا رفتن قیمت نفت خام تحويلی در مقصد دارد . در این اواخر قیمت حمل نفت خام بد رجه ای بالا رفته که هزینه حمل به ایالات متحده امریکا در موادی بیش از قیمت‌خورد نفت خام نمایمی‌شود . محاسبه‌زیر نمونه جالب است در این زمینه .

(ارقام به رله رهبری شکه در نوامبر ۱۹۷۳)

۳۰۲

۴۳۳

۱۰۰

قیمت اعلان شده یک بشکه نفت میک در خلیج فارس

کرایه حمل از خلیج فارس تا هلوستون

حقوق گمرکی

جمع ۵۰۷

اگر در آوریل سال ۱۹۷۳ هزینه حمل یک بشکه نفت خام ازینبار رخیج فارس تانیمیورک ۱۹۰

دلا روود ، در سه تا میلیون متر مربع بزرگ نفت دارد . و با اینکه قیمت حمل هر بشکه نفت اینقدر خلیج فارس تا بند روتردام در همان فاصله از ۸۰۰ به ۳۰۰ دلار افزایش پیدا کرد . و در هر دو مرور این کوه زمینه حمل بیش از قیمت مسخون نفت خام میباشد .

مقصر عده کیست ؟ بد نتیجه این حصارهای بزرگ نفتی که مالکان عده نفتکش های نیز هستند . برای نمونه میتوان گفت که نفتکش های متعلق به این حصارهای نفتی ۸۵ درصد نفت متعلق به آنها را حمل میکنند . دو عین حال دو لولتها کشورهای صرف کنند هم که از هر بشکه نفت خام و سهین از هر بشکه فرآوردهای نفتی مبالغ قابل ملاحظه ای بعنوان حقوق گمرکی ، عوارض و مالیات در راه است . مهد ارزند رتفعی قیمت نفت در جهت افزایش آن شرکت مستقیم را دارد .

مثال هزینه تولید یک واحد نفت فقط بروز درصد قیمت خرد ۹ درصد کشورهای صادر کنند ۹۰ درصد عضو ایک ایجاد آبراشکیل میدهد . یعنی از مجموع قیمت خرد هر بشکه فرآورده نفتی ۱۱ درصد شبه کشورهای صادر کنند را برمیگردد . ۵۵ درصد قیمت یک واحد فرآورده نفتی بعنوان حقوق گمرکی و مالیات به خزانه دو لولتها کشورهای صرف کنند واری میشود و یقینی ۳۳ درصد شعبارت نفت از هزینه حمل ، انبار کردن ، تصفیه و سود این حصارها نفتی .

مثال مشخص تری ذکر میکنیم : در سال ۱۹۷۲ از مجموع کشورهای تولید کنند نفت که اکثر آنها یک هستند جمعاً حدود ۴۰ میلیارد بشکه نفت صادر شده است . بجز این مقامه قیمت انواع فرآوردهای نفتی منتشره از جانب خود این حصارهای نفتی مارا بین نتیجه میرساند که بار را نظر گرفتن میانگین قیمت یک بشکه فرآورده نفتی از تصفیه ۴۰ میلیارد بشکه نفت فروش آن مبلغ در حدود ۱۱ میلیارد لا را رد است آمده است . این مبلغ سرشارچ گونه تقسیم شده است ۲۸ میلیارد لا را زاین مبلغ سود کمپانیهای نفتی ، شرکتهای فروشنده فرآوردهای نفتی بور .

۱۸ میلیارد لا ریعنوان دستمزد و حقوق بکارگران و کارمندان عالیه ترین انواع کمپانیهای مرتبط با نفت دو رکشورهای سرمایه داری پرداخت شده است .

۲۸ میلیارد لا ریعنوان مالیات ، عوارض و حقوق گمرکی وغیره به خزانه دو لولتها کشورهای صرف کنند وارد شده است .

۲۲ میلیارد لا رسه کمپانیهای حمل ، شرکتهای انبار کنند و توزیع کنند ، هزینهای اضافی وغیره بود که از رکشورهای صرف کنند باقیمانده است .

فقط ۱۱ میلیارد لا را زاین مبلغ بکشورهای صادر کنند در مقابل ۴۰ میلیارد بشکه نفت برگشته که اینهم بطریق زیر تقسیم شده است :

۱۵ میلیارد لا رد رآمد کشورهای تولید کنند در مجموع حق ترازنیت بالوله نفت ،

۱ میلیارد لا رد دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان ،

۱ میلیارد لا رسه مقاطعه کاران و جاره بهای وغیره .

چنین است مضمون و محتوی سیاست قیمت گذاری در جهان سرمایه داری و طرز اصطلاح تقسیم سود . و این سیاست است غارتگرانه ، هم نسبت به کشورهای تولید کنند و هم نسبت به مصرف کنند گان فرآوردهای نفتی . زیرا سهم عده سود از نفت - این کالا یکی از بهای متعلق به مخلوق های کشورهای تولید کنند درجه نخست به خزانه دو لوله نسبت به مصرف کنند وسیع به گواصند و قیمت های این حصارهای بزرگ سزا زیر میشود . و مقصر عده همیز آنها هستند .

وقتی از آینده قیمت نفت سخن میروند ، هدف انتخاب چنان طریق است که به این سیستم

غارانتیکاریا مان رهد . تازمانیکه این روش تقسیم سود پا بر جای است معقول افزایش درآمد کشورها تولید کننده که رابطه مستقیم با قیمت نفت دارد کما کان درجه ارچوب محدود فعلی سیاست کشورهای تولید کننده (بیویزفاته آنها) وابسته به جهان غرب اند) حل و فصل خواهد شد . این سیاست در حال حاضر متکی به افزایش درآمد از طریق بالابردن قیمت بطرور عده هر اسام شدت توده در کشورهای رشد یافته سرمایه داری و افزایش تولید به مقیاس غیر منطق است که مغایر با منافع غالیه کشورهای نامبرده میباشد .

آنچه مروط است به بالابردن قیمت برپایه شد تثویر (که اصولا خطی برای سود انحصار های نفتی ندارد و کلا بحساب مصرف کننده تامین میشود) قادر نیست سیستم غارتگرانه تقسیم سود نهائی را بهم بزند . و امامتله افزایش تولید نیز مبتنی با خواست انحصارهای اشتمنودار . تعامل عدم انحصارهای میشه درجهت ازدیاد تولید و خالی کرد سریع منابع نفتی است در مدت هرچه کوتاهتر . در شرایط فعلی تشدید بحران انرژی در غرب این تعامل هرچه بیشتر شد تمیاپد . ازسوی دیگر بنا بر این نظر در اشت که ترقی قیمت کالا های صنعتی مورد نیاز کشورهای تولید کننده نفت درآمد بیشتری را که کشورهای تولید کننده درنتیجه افزایش بهای نفت بدست میآورند خود بخود خنث میسازد .

دریافت باینکه در آینده چه راهی را باید رویش گرفت ، مامحاسبه دیگری بعمل آور ، ایم . بطوریکه میدانیم در حال حاضر منوع قرارداد بین کشورهای تولید کننده و انحصارهای نفتی شعاع گردیده است :

قرارداد براساس اعطای امتیاز ، قرارداد برپایه سهمی شدن در سهام کمپانی مختلط ، قرارداد براساس مقاطعه کاری که بمحض آن کمپانی خارجی بعنوان مقاطعه کارشناسخنه میشود . مادر محسسه خود فرض کرد ایم که در هر سه مورد ذکر شده از میدانهای نفتی مشابه با هنوزه تولید مشابه بهره برداری میشود . چنین فرضیه ای که به پیشنهاد نزدیک است بعثاً مکان تحلیل نسی درآمد دولت ایران از هر شکه نفت را میدهد که این نیز بندی خود در بجزء موضوع اصلی ، بعنی مسئله چگونگی افزایش درآمد بعایاری میدهد . درین حال در محسسه مقیمه اعلان شده یک بشکه نفت خارجی API ۳۱ درجه ۱۹۲۳ که مبلغ ۲۰۹۳۶ ریال اکثریت از بود انتخاب کرد همین افزایش بعدی قیمت نفت تغییری در طرزهای تقسیم سود بین دولت و انحصارهای نفتی که بر اساس فورمولهای مشخص تعیین میگردد ، ندارد) . هزینه تولید واستهلاک پس از هر شکه نفت ۲۰ سنت امریکائی در نظر گرفته شده است . از آنجائیکه در قراردادهای که برپایه سهمی شدن و مقاطعه کاری منعقد گردیده اعطای تخفیف از قیمت اعلان شده به کمپانیهای خارجی در نظر گرفته شده ، فرض میکنیم که این تخفیف در مجموع از ۱۰ درصد تجاوز نکند .

با کارستن فورمولهای راجح درآمد از هر واحد نفت بموجب قراردادهای سه گانه طریق زیر تقسیم میشود .

" (ارقام به دلار در هر شکه) "

نوع قرارداد	قیمتیک بشکه نفت	سهم دولت	سهم کمپانی خارجی
	۳۱ درجه		
امتیاز	۲۰۹۳۶	۱۹۶۲۹	۱۹۲۵۷
سهمی شدن	۲۰۶۴۳	۱۹۹۲۳	۱۹۶۲۰
مقاطعه کاری	۲۰۶۴۳	۲۰۴۲۵	۱۹۶۱۸

مقایسه این ارقام نشان مید هد که درآمد دولت از هر واحد نفت طبق قرارداد بر اساس مقاطعه کاری بیش از رآمدی است که از قرارداد برایه امتیاز داشت می‌آید، حتی اگر نفت خام تولید شده در مید انها نفتی بر اساس مقاطعه کاری ۱۰۰٪ درصد ارزانتر از قیمت اعلان شده بفروش رسید. ولی این هرگز معنای آن نیست که قرارداد بر اساس مقاطعه کاری بهترین راه تأمین منافع کشور است. احصارها نفتی میتوان حق پایمال شده ایران و با هر کشور پیگرد تولید کنند فرا به آن بازگرداند. بدینه است که منظور ما پایان دارن به سیطره احصارها بمعنای واقعی کلمه است. آنچه اخیرا در ایران یعنوان "قرارداد جدید" با کسرسیوم نفت اعلان شده در واقع تغییر محسوسی در وضع سابق بوجود نمی‌آورد. برای درک ماهیت "قرارداد جدید" مامحاسبه دیگری برای تعیین درآمد ایران طبق این قرارداد بعمل آورده است. محاسبه مانشان مید هد (بار نظرگرفتن شرایط وفرضیه هایی که در محاسبه سفلنی قرارداد مذکور فوق منظور شده بود) که درآمد ایران از هر بشکه طبق قرارداد جدید (بدون "رقم تعدیلی") بر ابتو خواهد بود با ۴۶۱ دلار در هر بشکه که تفاوت چندانی با درآمد حاصل از قرارداد برایه امتیازندارد.

آنچه قابل ذکر است در حال حاضر بخش عده نفت در ایران در حوزه قرارداد جدید تولید میشود شلا در سال ۱۹۲۲ از مجموع ۲۵۲ میلیون تن نفت تولید شده در ایران سهم کسرسیوم نفت ۲۹ میلیون تن بود. در عین حال منابع عده نفتی ایران هم در این حوزه قرارداد ارد. این منابع کم رنتیجه بکاربردن نیروی کارازان ایران سود احصارهای نی حدی برای احصارهای این میکنند عبارتند از مید انها نفتی آغازی (که ۳۴ درصد تولید نفت ایران را مید هد)، گچساران (۱۰ درصد)، هفتگل (۱۱ درصد)، مارون (۸ درصد) وغیره. حداقل تا ۲۰ سال دیگر امکان استفاده از این منابع به اعضای کسرسیوم داره شده است. بدینه است طو این مدت با افزایش سریع تولید، مید انها نفتی مذکور اهمیت امروزی خود را کاملا ازدست خواهد داد. بن سهیب نیست که روزنامه انگلیسی "فاینانشل تایمز" (موخ ۲۰ اوت ۱۹۷۳) نوشته حق تقدیم خرد روزانه ۶ میلیون بشکه نفت در دوران بحرانی سالهای ۱۹۶۶-۱۹۷۶ که وضع نفت در رسر اسرجهان سرمایه داری بی انداز مشکل خواهد بود پکی اینزگرین دستاوردهای کسرسیوم بshima میروند.

جالب است، درست طی همین مدت که کسرسیوم خرد از منحصر بفرد عده نفت ایران خواهد بود، قیمت مختلف بالاترین سطح در تاریخ را شامل خواهد بود. درست است که از این افزایش قیمت دولت ایران همسه می خواهد برد، ولی با زمانندگ شه سهم اساس سود به کمپانیهای خارجی و ولتهاي صرف کننده نفت تعلق خواهد گرفت. لذا تهاراه تامین منافع ایران پایان دادن به سیطره احصارها نفتی است از طریق احیای کامل وی خدشه قانون ملی کردن صنایع نفت.

امتیازاتی که در این صورت ایران میتواند کسب کند، به تفصیل در اسناد و مدارک منتشره از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران ارائه گردیده و نیازی به تکرار آنها راینجان نیست.

سیر تکاملی اوپک

منوجهر بهزادی

روش ایران در این سازمان

چرا و چگونه اوپک تشکیل شد : برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ دولت نیوزلند با دولتهاي

ایران ، عراق ، کویت و عربستان مسعودی وارد مذاکره شد و به آنها پیشنهاد کرد که در باره نفت به تبادل افکار بهرگز ازند و راههای برای ارتباط منظم ترویزد پیکر بین یکدیگر جستجو کنند .

در زیرویه ۱۹۵۹ شرکتهای نفتی قیمت نفت خام و نزوئلا و خاورمیانه را ، ناگهان و بدون اطلاع کشورها ایجاد رکنده نفت ، تنزل دادند . این تنزل ناگهانی و بدون اطلاع قیمت نفت ، موجب اعتراض این کشورها به شرکتهای نفتی شد .

در رهیمن موقع نخستین کنگره کشورهای نفتخیز عربی در رقاہر تشکیل شد . این کنگره از شرکت های نفتی خواست که قبل از تغییر قیمت نفت ، با کشورهای صادر رکنده نفت مشورت کنند .

در راوت ۱۹۶۰ شرکتهای نفتی ، بدون توجه به آن اعتراض و این خواست ، و بازهم ناگهانی و بدون اطلاع ، قیمت نفت خام را تنزل دادند .

در برابر این تنزل کشورهای صادر رکنده نفت تنهایه اعتراض اکفای نکردند ، بلکه پلا فاصله مذاکراتی بین کشورهای نفتخیز خاورمیانه و نزوئلا برای یافتن را مقابله با این تصمیم شرکتها نفتی صورت گرفت . درنتیجه این مذاکرات در سپتامبر ۱۹۶۰ کنفرانس در بغداد با شرکت نایاندگان دولتهای ایران ، عراق ، کویت ، عربستان سعودی و نزوئلا تشکیل شد . محصول این کنفرانس "سازمان کشورهای صادر رکنده نفت" (Organization of the Petroleum Exporting Countries) باتام اختصاری "اوپک" (OPEC) بود . شرکت کنندگان در این کنفرانس و موسسان اوپک باین نتیجه رسیدند که نه فقط باید راهنمایی به مشاوره بهرگز ازند بلکه میباید یک سازمان رائی از کشورهای صادر رکنده نفت برای مقابله با اجحاف شرکتها نفتی و نیل به خواستهای قانونی و عادلانه خود بوجود آورند . بدینسان برای نخستین بار سازمان از کشورهایی صادر رکنده نفت در برابر شرکتهای صاحب امتیاز نفت بوجود آمد . قرارداد تشکیل اوپک در نوامبر ۱۹۶۲ در سازمان ملل متحد به ثبت رسید و بدین ترتیب موجود بست حقوقی آن نیز بر سمعت شناخته شد .

اعضاً اوپک :

۱ - هر کشوری که دارای مقدار قابل ملاحظه ای نفت خام برای صد و رومانع اساسی مشترک با اعضاء اوپک را شته باشد میتواند عضواً اصلی اوپک شود ، بشرط آنکه عضویت وی با سه چهارم آراء - که آراء اعضاء موسس را باید دریگیرد - تصویب شود .

۲ - اعضاء اصلی اوپک عبارتند از اعضاء موسس اوپک به اضافه کشورهایی که عضویت آنها از طرف کنفرانس اوپک - که عالمیترین ارگان اوپک است - پذیرفته شده است .

۳ - اعضاء موسس اوپک آنهاست هستند که در کنفرانس بغداد شرکت داشتند و قرارداد تشکیل اوپک را ماضی کردند . اینها عبارتند از : ایران ، عراق ، کویت ، عربستان سعودی و نزوئلا .

۴ - از آغاز تشکیل اوپک تاکنون - علاوه بر اعضاء موسس - کشورهای زیر بند ریج به عضویت اوپک درآمده اند : قطر ، اندونزی ، لیبی ، ابوظبی ، الجزیره ، نیجریه ، اکوادور سهم اوپک در نفت جهان : در میان ۱۹۷۳ سهم کشورهای اعضو اوپک در زیر نفت جهان سرمایه داری ۲۵ درصد ، در تولید نفت بیش از ۶۵ درصد و در صادرات نفت بیش از ۹۰ درصد بوده است .

هدف اوپک : هدف اصلی اوپک - طبق اساسنامه - عبارتست از : هماهنگ ساختن و متحد کردن سیاست نفتی کشورهای عضوی و افتن بهترین راههای برای حفظ منافع آنها بطور فردی یا جمیع . براین اساس ، اوپک بطور مشخص در زمینه تعیین قیمت نفت ، بهره‌مالکانه ، چگونگی تقسیم درآمد نفت ، تقلیل هزینه تولید ، چگونگی حفظ منابع نفت ، نظارت بر تولید نفت ، هزینه

بازاریابی ، حکمیت ، مشارکت ، جبران تورم پول ، جانشین ساختن کارشناسان داخلی بجای کارشناسان خارجی وغیره اقداماتی کرده و میکند .

ارزیابی اوپک : برای ارزیابی اوپک با پیدا نکات چندی توجه کرد و به سوالات چندی پاسخ داد :

۱ - اوپک چنوان یک " پدیده " سیر تکاملی معین را طی کرده که هنوز ادامه دارد . اگر اوپک در آغاز تظاهری از اعتراض کشورهای صادرکننده نفت به تغییر خود سرانه قیمت نفت تو سط شرکتها نفت بود و بطور عمد میخواست برتعبین قیمت نفت نظارت کند ، بتدریج مشورت و اتخاذ تصمیم و اقدام علی درباره تمام امور نفتی را وظیفه و هدف خود قرارداده است . اگر اوپک را غاز برای گرفتن امتیازات معین و محدود از شرکتها نفت مبارزه میکرد ، بتدریج این مبارزه در نسیم زمینه ها و سیمعکروقا طبع شده است . این سیر تکاملی - صریحترا نوساناتی که در زمینه آنگر رشد مبارزه و درجه قاطعیت مبارزه ، روی دارد و میدهد - بنا چار سوی قطع کامل تسلط انحصارات نفت بر منابع نفت کشورهای نفت خیز به پیش میرود .

۲ - ترکیب اعضاء اوپک - از نظر قاطعیت در مبارزه برضد شرکتها نفتی - ناهمگون است . بطور عده سه گروه میتوان تشخیص را :

الف - گروه کشورهایی که سیاست قاطع ضد امپریالیستی دارند و جناح را در پکال اوپک را تشکیل میدهند .

ب - گروه کشورهایی که سیاست کم و بیش مستقلی دارند و جناح میانه روی اوپک را تشکیل میدهند .

پ - گروه کشورهایی که بامحافل امپریالیستی پیوند های نزدیک دارند و جناح میانه روی اوپک را تشکیل میدهند .

با این ترکیب ناهمگون روش است که در داخل اوپک هم مبارزه وجود دارد و نوساناتی که در سیر تکاملی اوپک روی دارد و میدهد ، نتیجه غلبه سیاست گروه میانه شکار - در موارد براتحد باگرمه میانه رو - در داخل اوپک است .

۳ - انگیزه کشورهای نفت خیزی که دارای سیاست قاطع ضد امپریالیستی هستند برای ایجاد سازمانی بمنظور مبارزه با غارت و تسلط شرکتها نفت روشن است . ولی شرکت کشورهایی را که با امپریالیستها و شرکتها نفتی پیوند نزدیک دارند - در اوپک ، چگونه میتوان توجیه کرد ؟ برای پاسخ بان سوال با پیدا نکنند تجزیین توجه داشت :

الف - این کشورهای بطور بکاجانیه به درآمد نفت وابسته اند . مثلا در ایران در رسال ۱۳۵۳ بیش از ۵ درصد را در بودجه دولت از درآمد نفت تأمین میشود (با تغییراتی که در بودجه بعنایت افزایش درآمد نفت دارد خواهد شد ، سهم آن در بیور جه کشورها رهم بالا تر خواهد بود) .

ب - سیاست ضد مللی در این کشورها ، که از جمله در افزایش مخارج دستگاه بوروکراتیک در افزایش واردات بر صادرات ، افزایش قرضه خارجی و افزایش مخارج تسليحاتی تطاوی میکند ، نیازوتی که به درآمد نفت را روزافزون میکند .

پ - فاصله روزافزون بین قیمت کالاهای وارداتی از کشورهای غربی و کالاهای صادراتی بکشورهای غربی بزیان کشورهای کم رشد ، جبران این بزیان را از جمله افزایش افزایش قیمت نفت ضرور میسازد .

ت - کشورهای امپریالیستی و قبل از همه امریکا ، که قرض دهنده و کمک دهنده اصلی به

این کشورها هستند ، دیگر تعاپل به قرض دادن و بخصوص کمک بلاعوض به این کشورها نشان نمیدهد . کمک بلاعوض بکل از میم رفته است و قرضه فقط با تضمیم درآمد نفت داد میشود .

همه این عوامل اقتصادی موید این واقعیت است که بین منافع شرکتها نفت ، کمیخواهند به غارت به حساب خوددار امده هستند ، بامنافع کشورها و باسته به امیرالیسم هم ، که بعد در آمد نفت ، و به درآمد روزافزون نفت نیازیم در آرد و درنتجه نمیتوانند با این غارت به حساب موافق باشند ، تضارع معینی وجود میآید . حل این تضاد ، یعنی گرفتن امتیاز شرکتها نفت ، مسلمًا در راجح جوب اوپک بهتر و سهلتر میتواند صورت گیرد .

ث - به عامل اقتصادی ، عامل سیاسی راهم باید افزود . کشورها نفت خیزوابسته به امیرالیسم نه ازنتزدراخلي و نه ازنظر خارجی نمیتوانند آنچنان سیاست نفتی را ریبیز گیرند که آنها را در افکار عمومی داخل و خارج بکل منفرد کند . آنها مجبورند در حد معینی با سایر کشورها نفت خیزد و مقابله با شرکتها نفت همکاری کنند .

چ - اینکه کشورها نفت خیزتوانسته اند و میتوانند ، هر روز بیش از روزی بیش ، با وسعت قاطعیت بیشتری باغارت و تسلط شرکتها نفت مبارزه کنند ، اینکه حتی کشورها نفت خیزوابسته به امیرالیسم هم در این مقابله با شرکتها نفتی - در حد معین خود - شرکت در آرد ، اینکه اوپک بعنوان سازمان کشورها صادر کنند نفت - صرفنظر از توسانات و کمودها - درجهت میازمهای قطع کامل تسلط اتحادات نفتی بر منابع نفت کشورها نفت خیزتکامل می یابد ، بطور عده توجه تغییر روزافزون تناسب قوابسود جبهه نیروهای ضد امیرالیستی است ، که در مرکز آن جامعه کشورها سوسیالیستی قراردارد .

باتوجه بهنکات فوق میتوان گفتکه ایجاد و تکامل اوپک در مبارزه ضد امیرالیستی بطور اعم و در مبارزه بر ضد اتحادات نفتی امیرالیستی بطور اخص پدیده مثبت است . درجه تاثیر مثبت اوپک در مبارزه ضد امیرالیستی بطور اعم و در مبارزه بر ضد اتحادات نفتی امیرالیستی بطور اخر ، وابسته به درجه اتحاد و قاطعیت اعضاء اوپک ، وابسته به حد و « تکیه آنها به جبهه نیروهای ضد امیرالیستی است . تغییر روزافزون تناسب قوابسود جبهه نیروها ضد امیرالیستی زمینهای است برای اینکه این تاثیر مثبت درآیند بیش ازگذشت باشد .

کارتل بین المللی نفت اوپک : بهمان اندازه که تشکیل اوپک برای کشورها نفت خیز مثبت بود ، برای کارتل بین المللی نفت منتفی بود . بهمین جهت کارتل بین المللی نفت از همان آغاز روبرابر اوپک موضع خصمه اهتزاز کرد .

کارتل بین المللی نفت در مبارزه بر ضد اوپک نخست کوشید اوپک را بعنوان سازمانی که نماینده کشورها صادر کننده نفت است ، ندیده بگیرد . بهمین جهت با اینکه در رسالهای گذشته مذاکرات و موافقت های جداگانه و جمیعی بین کارتل بین المللی نفت و اعضاء اوپک برسوسایل مختلف صورت گرفت ، ولی کارتل بین المللی حاضر نمیشد با " نماینده اوپک " مذاکره کند و موافقیت بعمل آورد . حتی خود کارتل بین المللی نفت هم (به بهانه قانون ضد کارتل در امریکا) حاضر نمیشد بطور مستهجن نماینده تعیین کند تا بآناینده اوپک به مذاکره بپردازد .

وقتی این تلاش بجاشی نرسید ، کارتل بین المللی نفت کوشید بوسیله واستگان خود را اوپک از اتحاد و قاطعیت اعضاء اوپک جلوگیری کند و بالا اقل آنرا ترمیکند و بدینوسیله از این بخش مبارزه آن برض غارت و تسلط اتحادات نفتی بکاهد . این سیاست تفرقه افکانه و مخرب در مواردی موشی بود .

است؛ حتی در اواسط سالهای ۶۰، تحریکات کارتل بین المللی نفت بر ضد اویک و سیاست متزلزل و سازشکارانه آن گروه ازاعضاً اویک که با امپریالیسم پیوند دارد، کاررا بجاشی رساند که اویک در جارحیان جدی شد و صحبت از انحلال آن و یا تبدیل آن به یک سازمان "شورتی" میرفت. ولی آن عواملی که اویک را بوجود آورده، بجزی آنکه ضعیف شود، تقویت شد. درنتیجه اویک نه فقط بر جارحیان خود غلبه کرد، نه فقط تاحد و زیادی فعالیت مخرب و تفرقه افکنانه کارتل بین المللی نفت و استگان آنها را دراویک خنثی کرد، بلکه درجهت تحکیم اتحاد اعضاء خود و تعمیق روش قاطع خود بر ضد کارتل بین المللی نفت تکامل یافت.

روشن است که کارتل بین المللی نفت از سیاست از هرچیز باید برپایه چگونگی سیاست اویک - علم رغم شکستی که در این زمینه درگذشته بآن روپروردید - دست نشیده و نخواهد کشید. بهمین جهت، چنانکه تجربه گذشته نشان میدهد، حفظ و تقویت اویک وابسته بدرجه اتحاد و قاطعیت اعضاء اویک است.

نقش ایران در اویک : نقش دولت ایران در اویک، قبل از هرچیز باید برپایه چگونگی سیاست نفتی دولت ایران بررسی کرد. سیاست نفتی دولت ایران درجهت مبارزه با شرکتهاي نفتی برای قطع سلط اقتصادی و سیاسی انحصارات نفتی در ایران نیست. حد اکثر کوشش دولت ایران بدست آوردن امتیازات مالی و فنی در جارچوب حفظ سلط انحصارات نفتی است. نظریه ای که زبانزد محافظ حاکمه ایران است و منی است برایانکه گویا پکرنفت جنبه سیاسی خود را از سنت را دارد و فقط جنبه اقتصادی را دارد، بیان همین واقعیت است. دولت ایران کوشش کرده و میکند که اویک راهم در همین جهت سوق دهد. درنتیجه دولت ایران جزء جناح سازشکار اویک است، در این جناح البته نقش "رهبری" دارد!

سیاست حزب توده ایران درباره اویک : بر اساس آنچه گذشت سیاست حزب توده ایران در باره اویک روش مشیود :

۱ - حزب توده ایران وجود اویک را بعنوان سلاحی برای مبارزه با غارت و تسلط انحصارات نفتی در کشورهای نفت دخیزه میداند.

۲ - حزب توده ایران از هر سیاستی که درجهت تقویت اویک، تحکیم اتحاد اعضاء آن و قاطع بودن روش آن در برابر انحصارات نفتی باشد، پشتیبانی میکند.

۳ - حزب توده ایران عضویت دولت ایران را در اویک بمنظور تقویت اویک و خنثی کردن و پاکا هشتر اشاره نمیکند.

۴ - حزب توده ایران سیاست سازشکارانه دولت ایران دراویک، لازم میداند.

یک سیاست قاطع ضد امپریالیستی از جانب ایران برپایه همکاری و اتحاد بانیوهای ازاد اخراج د راویک مبارزه میکند.

نظری به قرارداد جدید ایران

و کنسرسیوم بین المللی نفت

جواد میرزا

قراردادیکه در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۵۲ بین شرکت‌النی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت امضا شد و جانشین قراردادی گردید که در تاریخ هفتم آبان ۱۳۳۳ به کشورها تحمیل شده بود، از سیاری جهات قابل بررسی است و برای راشتن تصور قیق از آن حداقل باید جزیان و قایعی

راکمنجریه انعقاد قرارداد جدید شد، سیاستی راکه رژیم ایران از جندهین سال پیش در عرصه نفت دنیا میگرد، موقیت هاشی راکه کشورهای مترقب نفت خیز بنتهاشی و با رچارجوب اویک به دست آورده است، محیط بین الطی و تناسب قوانین سوسیالیسم و میریالیسم راکه در جریان تدارک و اضطرار وجود داشته، وضع ویژه ای راکه از جنده سال پیش در بازار جهانی نفت و انرژی پیدا شده برسی کرد، وسیعی قرارداد جدید را با سایر قراردادها ای نفتی که در ایران و جهان بسته شده و با قانون طی شدن نفت ایران حقوق حاکمیت طی و مصوبات سازمان ملی مقایسه کرد و سرانجام در متن مجموعه حوادث پیش بینی سیر تکاملی جهان مقام تاریخی قرارداد جدید را ریافت.

متاسفانه فرضی که درست رایم برای چنین برسی همه جانبه ای کافی نیست و حق برسی همه مواد قرارداد جدید مقایسه آن با سایر قرارداد هار فرست کوتاه مانع نگجد. ولذا بحث خود را روی دو مستله اصلی متصرک نمیکنم. یکی ماهیت قرارداد جدید و جنبه امتیازی استعمار آن و دیگری نظری کلی به مقام تاریخی این قرارداد.

ماهیت قرارداد جدید

قرارداد جدید یک قرارداد امتیازی است (ونه آنطور که دولت ادعای میکند قرارداد فروشنیست). بموجب این قرارداد مقادیر معین نفت و باقیتی تعیین شده (مناسب یا مناسب) در مدت زمان معینی به کسریوم بین الطی نفت تحويل را در نمیشود بلکه حوزه معین، بخش معین از سر زمین کشور ماراختیار کسریوم قرار میگیرد و به کسریوم نسبت به منابع نفت و گاز و اسفلات و همه هیئت روکارهای موجود در زیر خاک این سرزمین و همچنین نسبت به تأسیسات نفتی و گازی که در روی زمین در این حوزه احداث شده و با خواهد شد از جمله پالایشگاه آبادان و تصفیه گازماه شهر حقق امتیازی استعماری واگذار نمیشود. بخلافه بوجوب قرارداد جدید کسریوم در مرور مالیات، گمرک، حق بند روسای رامورالی نیز از حقوق امتیازی برخورد اریبوده و رسائل بسیار اساسی مشمول قوانین ایران نیست. در فرضی که ارایم حقوق امتیازی کسریوم را در بر مهرداری از نفت خام بالتسهیه به تفصیل برسی میکنیم واز سایر حقوق امتیازی الزاماً با اشاره ای میگذریم.

الف - حقوق امتیازی کسریوم بر منابع نفت حوزه قرارداد

در هر قرارداد فروش، اولین و اساسی ترین مطلب عبارتست از مقدار کالائی که فروخته میشود. در قرارداد جدید کسریوم که قرارداد فروش نامیده شده است چنین چیزی تعیین شده و بجا اعلام مقدار نفتی که ایران باید به کسریوم "پغوشد" مقدار نفتی که برای فروش آزاد و صرف داخلی در اختیار ایران قرار خواهد گرفت تعیین میشود و بقیه نفتی که از حوزه قرارداد جدید قرارداد استخراج شود، هرجه باشد در سرچاه مال کسریوم است. ازانجاهکه نخادر حوزه قرارداد دقيقاً معلوم نیست وجه بساد مناطق جدید و بیان راعماً بیشتر خایر سایر بیزگی کشف شود مقدار نفتی که کسریوم حق دارد از ایران بهرد قابل پیش بینی نیست. در حالیکه مقدار نفتی که در اختیار ایران قرار میگیرد با تقریب نه چندان زیاد معلوم و مشخص است.

۱ - جدول دکتر رضافلاح و حقایقی درباره آن

دکتر رضافلاح امضا کننده قرارداد جدید (که برای محکم کاری و تامین روزهای اعلام کرد که بدستور مستقیم شاه قرارداد را امضای میکند) در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۲ ارقام و آمار از میزان استخراج نفت در حوزه قرارداد در مدت ۲۰ سال و مقایسه بیزی از نفت که به کسریوم تحويل داده

خواهد شد منتشر ساخت که از جانب مطبوعات تهران و حتی برخی از ناظرین سیاسی پیش از آنچه باید جدی گرفته شد و چنین بنظر رسید که گوایان آماروار قام درقرارداد در خواهد شده و بالا اقل از من قرارداد بر می‌آید . درحالیکه ارقام دکترفلاح تنها و تمثیل آور و حدس است و متسفانه وی درایران برآورد مراعات دارد اقل شرایط یک برآورده علمی راه نکرده است .

دکترفلاح برآورده خود را زاینجا آغاز می‌کند که : فرض کنیم در حوزه قرارداد ۵ میلیارد بشکه ذخیره مفتی باشد و ۴۲ میلیارد بشکه آن قابل استخراج خواهد بود واگرفت رکنیم که مصرف داخلی نفت ایران با آنکه مفروض افزایش یابد واگرفت رکنیم که همه مصرف داخلی تنها از حوزه کنسرسیوم تامین شود واگرفت رکنیم که تولید واستخراج نفت با آنکه مفروض افزایش کاهش یابد در آنصورت از این ۴۲ میلیارد بشکه سهم کنسرسیوم است ، ۲۶ میلیارد بشکه صادرات شرکت علی نفت ، ۶ میلیارد بشکه مصرف داخلی .

با آسانی میتوان دریافت که همه این مفروضات وها را مترها هیچیک درقرارداد قید نشده قابل تغییر است و با تغییر هر یک از آنها مجموعه میست ارقام بهم میخورد ولذا سهی که به کنسرسیوم میرسد بسته به مفروضات و میتواند به اینکه در زندگی چه پیش آید تغییر خواهد کرد . یعنی رقم معلوم و معین نیست .

آنچه در این مفروضات بیشترین حقیقت نزدیک است - ولی عین حقیقت نیست - سهی است که به شرکت ملی نفت ایران میرسد تامستقل از صادرکننده . این سهم تا سال ۱۹۸۱ بالارقام دقیق در ماده دوم قرارداد قید شده و موجوب آن درنه ساله اول قرارداد (۲۲-۱۱) جمعاً ۶ و ۲ میلیارد بشکه نفت به شرکت ملی نفت ایران برای صدور تحويل داده خواهد شد . و از سال ۱۹۸۱ پس بعد حد اکثر " معادل نسبت یک میلیون و پانصد هزار بشکه به کل تولید " خواهد بود و به صورت در مدت ۰ سال رفع حدود ۷ میلیارد بشکه را تشکیل خواهد داد .

مصرف داخلی بسته با آنکه رشد مصرف انرژی در داخل کشور و بالاتر از نرژی است یعنی مربوط به اینکه انرژی مورد احتیاج بیشتر از کدام منبع تامین میشود : نفت ، گاز ، زغال ، اتم ۹... و دیگران که چه مقدار از مصرف داخلی نفت از حوزه کنسرسیوم بدست می‌آید . متسفانه هیچگدام از این ها معلوم نیست . دکترفلاح برخلاف وجود اعلیٰ مسئله راساره کرد فاست . اگر آنچه امروز از سیاست رژیم استنباط میشود را زینده نیزدار امده باید ، افزایش مصرف داخلی نفت و برداشت از حوزه کنسرسیوم برای تامین آن از سرعت کافی برخوردار نخواهد بود . زیرا ولا بالاتر از نرژی در حال تغییر یافتن است . مصرف گاز سرعت زیاد میشود و رژیم بدلاً لیکه چندان ناش از نیازمندی و ملاحظات اقتصادی نیست بسوی نیروی انتی روی آورده است . ثانیاً احتمال اینکه از سایر منابع نفتی نیز مقداری به مصرف داخلی پرداز منتفی نیست . به این دلیل به چوچه معلوم نیست که مصرف نفت ایران آنطور که فلاج پیشینی کرده افزایش یابد و کاملاً محتمل است که برای مصرف داخلی سهم کفتی برد اشت شود و در مقابل سهم صادرات کنسرسیوم بحساب کند افزایش مصرف داخلی نفت زیار ترشود .

اما چنانکه گفته مصرف داخلی و سهم صد و شرکت ملی نفت چنان ارقامی که تغییرات آنها منظار عمومی را بالمره تغییر ده نیستند . رفع که تغییر آن منظره را از مشهود میکند میزان ن خان را احتمال نفت در حوزه قرارداد است که دکترفلاح احتمال ۵ میلیارد بشکه را مبنای محاسبه خود قرارداده است . اگراین بناعوض شود ؟ اگر بجا ۵ میلیارد بشکه در حوزه قرارداد ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت موجود باشد موافق قرارداد جدید منظره چگونه خواهد بود ؟ کدام ارقام تغییر خواهد کرد ؟ مصرف داخلی ؟ سهم شرکت علی نفت برای صدور ؟ متسفانه نه . مصرف داخلی

اصولاً ارتباطی به میزان ذخایر ندارد و سهم شرکت علی نفت نیز در نه سال اول صرف نظر از هر چیز از هم اکنون تعیین و تشییت شده و ریقیمه دت تنبهای میزان کمی مربوط به حجم ذخایراست.

رقم اصلی که تغییر ریشه ای میکند سه‌جی است که به کسرسیوم میرسد و اینجاست روح وجان قرارداد جدید و مهترین نکته‌جدول دکترفلاح ارقام - چنانکه گفته‌ی اهمیت ندارد، برآورده غیردقيق است که بسیار کم به مواد قرارداد مربوط میشود، آنچه در این جدول انعکاس دارد قراردادی است که دکترفلاح امضا کرد طرز محاسبه تقسیم ذخایراست. دکتر فلاح جدول خود را با این منطق تنظیم کرده است که اولاً - همه ذخایر حوزه قرارداد - در حد وی که از نظر فنی مقدور بیاشد - در مدت قرارداد استخراج میشود و این کاملاً منطبق با قرارداد است. و ثانياً اینکه پر از منها کردن مصرف داخلی و سهم صد و روش رکت علی نفت بقیه نفت تولید شده هرچه باشد مان کسرسیوم است. اینهم دقتیاً با مواد قرارداد تطبیق میکند.

به این ترتیب اگرفرض کنیم که ذخایر حوزه قرارداد ۵ میلیارد بشکه نموده ۰۰۰ ۱ میلیارد بشکه باشد، مصرف داخلی و سهم صد و روش رکت می‌نماید و جدول دکترفلاح باقی میماند - بحث ترتیب ۶ و ۷ میلیارد بشکه در ۲۰ سال - و سهم کسرسیوم بجا ۹ ۲ میلیارد بشکه به ۲۵ میلیارد بشکه میرسد.

در ریاهه ذخایر واقعی نفت حوزه کسرسیوم یعنی ذخایری که ممکن است در آینده کشف شود امروز چیزی نمیتوان گفت. اما در نتیجه عملی است و آن اینکه دولت ایران در موقع انعقاد قرارداد حتی از ذخایر کشف شده حوزه قرارداد نیز اطلاع دقیق نداشته یعنی کسرسیوم در گذشته چنین اطلاعی به شرکت علی نفت ایران نداده است و بگاینکه رقم ۵ میلیارد بشکه که دکترفلاح آورده حتی موافق اطلاعات واقعی خود او هم نیست.

بلافاصله پس از اظهارات دکترفلاح روزنامه "ناینشال تایمز" (۲۷ ژوئن ۷۲) از جانب "ناظرین" نوشت که "برخی از ارقام دکترفلاح ایجاد حیرت کرده است" و "برخلاف گفته فلاح رقمی که کمیابی هاممولا از ذخایر ایران میدهنند ۵۰ میلیارد بشکه است و سنا به دروغه تحقیقاتی که شده ممکن است به ۸۰-۹۰ میلیارد بشکه برسد" و روزنامه اطلاعات (۷ تیرماه ۵۲) از قول مقامات شرکت می‌نماید نفت نوشته که "بدآمارهای منتشره کمیابی ها اعتمادی نیست" ولازم است "مخازن مکشوفه" که نوی از نوار زیباش شود "و بالاخره خود دکترفلاح ۲۰ روز پر از سخنرانی اول اعلام کرد: "ارقامی که در این جداول (منظور همان جدول است که برسی کردیم ۰۰۰) به عنوان میزان تولید و فروش به شرکت‌های عضو کسرسیوم طی بیست سال نموده شده... پیش‌بینی های بسیار محافظه کارانه و محتاطانه است... با ذخایر قابل استخراج بالقوه "تأحیه" (یعنی حوزه قرارداد ۰۰۰) هیچ‌گونه ارتباطی ندارد! و چه بسیار میزبور... از ۶۰-۷۰ میلیارد بشکه نیز تجاوز نماید" (۱)

در اینصورت ببنظر دکترفلاح چه خواهد شد؟ "در عمل امکان تغییر رقم فروش به کسرسیوم بهتر از ارقام مصرف داخلی و صادرات شرکت علی نفت است... میتوان میزان تولید... و فروش به کسرسیوم را افزایش داد" (۲).

به این ترتیب بالآخره مطابق قرارداد جدید که گویا قرارداد فروش است ایران چه مقدار نفت به کسرسیوم خواهد داد؟ رقمی وجود ندارد. همه ذخایر قابل استخراج حوزه قرارداد منهای

مصرف داخلی و سهم صادراتی شرکت علی نفت ایران .
کنسرسیوم خرد از نیست . صاحب امتیازاً مستخراب و صد ورز خایرموجود ر رخوزه امتیاز است و
در این حوزه امتیاز همچنین و حتی شرکت علی نفت ایران حق فعالیت ندارد .
۲ - چه کس صاحب اختیار تولید و صد ورنفت خام است ؟

در ارتباط با میزان نفتی که کنسرسیوم حق دارد ببرد ، مسئله اختیار تولید و صد ورمطح
میشود . بدین معنا که اگر ایران طبق قرارداد حق را شتی باشد که تولید رامیل خود کاهش وها
افزايش در در را پیصورت منظر مکالم عوض میشود چرا که در قرارداد رقم ثابت و تعیین شده ای
که ایران باید به کنسرسیوم تحويل ره وجود ندارد و این رقم بطور تقریبی که نظری بین صفر و بیمه
قابل تغییر است و میتراین اگر ایران اختیار ارائه میتوانست بد لخواه خویش سهم کنسرسیوم
را به صفر برساند . موافق ماده دوم (وعده ای دیگر از موارد قرارداد) مصرف داخلی ایران مرحل
است و در مواردی سهم صد ورشکت علی نفت نیز در حدود معینی مرحل است (همان ماده دوم)
و پیر از کسر وضنها کردن اینهاست که پقیه تولید سالانه در اختیار کنسرسیوم قرار گیرد . واگر تصریم
باشرکت علی نفت ایران بود میتوانست تولید سالانه را به مصرف داخلی محدود کند و " پقیه ای " برآ
کنسرسیوم باقی نگذارد .

ولی البته چنین اختیاری در هیچ جای قرارداد به شرکت علی نفت ایران داده نشده و سر
خلاف جنجال بیشترانه ایکه تبلیغات رسمی رژیم برای این اختیار است موافق قرارداد شرکت علی
نت ایران کسرین اختیاری در کنترل میزان تولید ندارد و موظف است همانقدر تولید کند که اعضای
کنسرسیوم در برنامه های ۵ ساله ، ۲ ساله و سهیم پکساله خویش در نظر گرفته اند (۱) . کنترل
شرکت علی نفت ایران محدود به نظارت در رماغات اصول فنی و شرایط بهره برداری است تا ز خاک
نفت تلف نشود واست خراج گردد . این بخش از کنترل نیز به شرکت خدمات واگذار شده است .
در هیچیک از موارد قرارداد حق برای کاهش تولید نفت برای شرکت علی نفت ایران در نظر
گرفته نشده و تنها در میث ماده (ماده ششم) توصیه ای درباره افزايش تولید ورماندن آن به
هشت میلیون بشکه در روزتاسال ۱۹۲۶ قید شده که پذیرش این توصیه از جانب کنسرسیوم نیز
موکول به شرایط ویژه ای است .

بنابراین کنسرسیوم مطابق قرارداد حق دارد که تولید سالانه نفت راتا جا شیکه ن خایرموجود
و امکانات فنی و بازرگانی اجازه میدهد افزایش ره وهمه ن خانه نفت حوزه راکه مال خود میدارد
بیرون بکشد و ببرد . همچنان کنسرسیوم موافق قرارداد حق دارد که تولید نفت را اگر خواهد بده
میزان مورد نیاز خود ایران محدود کنید یعنی میزان صد ورخود را به صفر برساند . در اینصورت
نیز اگر قصده خود را ب موقع اعلام کرده باشد ، شرکت علی نفت ایران (طبق قرارداد) حق مخالفت
ویا حق فروش نفت به شخص ثالث را ندارد .

۳ - طرز محاسبه در آمد ایران

در هر قرارداد فروش علاوه بر مقدار کالا مورد معامله ، قیمت کالا نیز تعیین میشود . در قرارداد
جدید ایران و کنسرسیوم که مقدار کالا مورد معامله مشخص نیست ، قیمت فروش نیز تعیین نشده بلکه
در آمد ایران از نفت واگذاری شده به کنسرسیوم محاسبه شده است که از نوع بها ای کالای فروخته
شده - یعنی مقدار کالا ضرب در بهای واحد کالا - نیست ، بلکه از نوع حق الا ممتاز است .

برای تعیین این حق الامتیازیمنهان کرد نمایه است امتیازی آن درقرارداد فرموله شده است
بسیار مترنجی قید شده که اگرچه برای حسابسازی زمانه ای فراهم می‌آورد ، قادر به روپوشی
نمایه است من نیست . موافق این فرمولبندی های بفرنج درآمد ایران از نفت عبارت است از :

پر اختصاص + مالیات پرآمد + رقم تعدیلی + بهره . جریان محاسبه این درآمد چنین
است که شرکت ملی نفت ایران ، نفت استخراج شده بهم کسرسیوم را در سرجاه تحویل کسرسیوم
میدهد (به اصطلاح میفرشد) و در مقابل آن مبلغ بعنوان پر اختصاص میگیرد - که در حال
حاضر ۱۲٪ قیمت اعلان شده است . از این پس نفت مال کسرسیوم است . ولی شرکت ملی نفت
ایران موظف است آنرا مجاناً حمل کرده ، سلامت آنرا تضمین نموده درکشته به شرکتها بازارگانی
تحویل دهد .

همه تاسیمات حمل و نقل . و شبکه لوله وساد روپیره و خدمات شرکت ملی نفت ایران مجانی است
و کسرسیوم در بیشترین حالت تنها هزینه این عملیات را با هزار شرط و شروط خواهد پرداخت ،
دراین مدت که شرکت ملی نفت ایران مشغول حمل و نقل نفت و تحویل آن بهشتی هاست ،
شرکتها بازارگانی نماینده کسرسیوم موظفند در داخل ایران یک معامله مجازی انجام دهند
یعنی نفت را که به بهای پر اختصاص تصاحب کرده اند دریک معامله فرضی در روند خوبیش
به چنان بهای بفروشند که از آن سود ناویزه ای که کمتر از مبلغ معادل مقدار نفت خام ضرب در بهای
اعلان شده نباشد ، بدست آید و آنگاه از این سود ناویزه " مجازی به ایران مالیات پرآمد از نفت
(درحال حاضر معادل ۵۵ درصد) .

وقتی تمام این شعبده بازیها انجام گرفت ، درآمد ایران با درآمد مایپرکشورهای خلیج فارس
که قرارداد امتیازی دارند مقایسه میشود و اگر کفرا آن بود - که هست - این کسری بصورت رقیم
تبدیل پرآمد ایران اضافه میشود .

سپه به این درآمد رقم بهره اضافه میشود (اضافه بمعنای جبری کلمه یعنی ممکن است علامت
بهره منابوده و از درآمد ایران کسرشود) که عبارت از هر ای است که به بخشی از مطالبات
ایران از شرکتها عوض کسرسیوم وبا بالعکس تعلق میگیرد .

دریک بحث وسیع تر ممکن ولازم بود که این مطالب در قیقرتوضیح داده شود اما از بحث کوتاه ما
که هدف شخص دارد گسترش بحث مقدور نیست . بنظارما ، خوانندگان میتوانند بسادگی دراین دند
که این درآمد از نوع بهای فروش کالا نیست و از نوع حق الامتیاز است و معامله ای که انجا میشود فروش
نفت و ریافت قیمت آن (ولو بتخفیف ، ولو به قیمت نامناسب) نیست ، و اگر از نفت دریک را بر
حق الامتیاز است .

ب - حقوق امتیازی کسرسیوم براساس منابع هید روکار بور حوزه قرارداد

قرارداد جدید فقط برای بهره برد ای از نفت خام حوزه قرارداد نیست ، بلکه رامنه ای به
مراتب وسیعتر آن دارد . در این قرارداد مانند قرارداد سابق کسرسیوم وپوراشت از امتیاز نامه
در ارسی همه مواد هید روکار بور حوزه قرارداد مورد معامله قرار گرفته است . در ماده اول قرارداد که
به تعریف ها اختصاص دارد - نفت خام بشرح زیر تعریف شده است : " نفت خام عبارتست از نفت
خام طبیعی ، اسفالت ، کلیه هید روکار بورها ای مایع بحالت طبیعی و یا آنچه از طریق گازویا سوا
کردن از گاز طبیعی بدست آمده باشد " .

این جمله کهن قرارداد است نشان میدهد که صحبت پرسنلت خام بمعنای که مرسوم است ،
نیست ، برسره همه مواد هید روکار بورناحیه معینی از کشور ماست . و نه تنها همه هید روکار بورها

وأسفالت ونفت خام طبیعی را که در طبیعت بحال مایع یافت میشوند موضوع امتیاز میشناشد، بلکه علاوه بر آن، آنچه را که پر است خراج و پیر از انجام اقدامات صنعتی معین بدست آمده باشد نیز در حیطه امتیاز میداند.

قرارداد به اینهم اکتفا نمیکند و رماد ۱۳۰۱۲ ۱۴۰ ۱۵۶ حقوق امتیازی کنسرسیوم را نسبت به گازو مشتقات آن - چه آنچه بهمراه نفت خام در زیرزمین خواهد و چه آنچه مستقل از نفت خام پیش از خارج داشته باز وجود دارد - تعیین میکند.

با آنکه بحث درباره جزئیات و دقایق معامله گاز در فرستمان نیست، در این مورد به دونکه اساس اشاره میکنیم: اول اینکه در مرور گازنیز - جزآنچه هم اکنون از لوله سرتاسری به شوروی صادر میشود و اگر این صدور ادامه نداشته باشد - حقوقی در حد و حقوقیکه در مرور نفت خام بروزی کرد به کنسرسیوم واگذار شده است. ولی میزان در خالت شرکت علی نفت ایران و امکان فعالیت مستقل آن لااقل بطور تئوریک - در مرور گازیش از نفت خام است. دوم اینکه موافق قرارداد کنسرسیوم حق دارد که همه منابع گاز موجود در حوزه قرارداد را - چه توأم با نفت و چه مستقل از آن - در مدت ۲۰ سال استخراج و صادر کند. هیچگونه محدودیت در این موارد وجود ندارد و همه چیزیسته به وضع بازار جهانی و نیازمندیها کنسرسیوم و امکانات فنی آنست.

ج - پالایشگاه آبادان، تصفیه خانه گاز در ماه شهر، تاسیسات بندری، شبکه لوله‌های

در قرارداد جدید علاوه بر تعیین تکلیف ذخایر و منابع زیرزمینی نفت و گاز - بوسیع ترین معنای ممکن این کلمه - تکلیف تاسیسات نفتی و گازی موجود در حوزه قرارداد و تاسیسات دیگری که باید در آینده در رابطه با وظایف قرارداد جدید ساخته شود تعیین شده و در همه اینها حقوق امتیازی استعماری به کنسرسیوم داده شده است.

درباره پالایشگاه آبادان قرارداد جدید چندین مسئله اساسی را روشن کرده است:

۱ - این پالایشگاه باید روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام را طبق دلخواه و سفارش اعضای کنسرسیوم تصفیه کرده و تحويل دهد. این رقم سه پنجم ظرفیت پالایشگاه است.

۲ - بقیه ظرفیت پالایشگاه تنها میتواند در داخل کشور مصرف شود. صدور آن موقول به رضایت "کنسرسیوم" و "ترتیبات مرضی الطرفین" است.

۳ - شرکت علی نفت موظف است در مدت ۲۰ سال همه سرمایه گذاری لازم را انجام داده و همه اقدامات رامعمول دارد تا ظرفیت و توانائی کافی پالایشگاه حفظ شود.

۴ - بهای تمام تاسیسات آبادان را که در حال حاضر موجود است، شرکت ملی نفت ایران بصور تقریمات به شرکت سابق نفت پرداخته و پاره در وران کنسرسیوم مستهلك کرده و آنچه باقی است باید در آینده مستهلك گنده. از این سرمایه موجود چیزی به شرکت ملی پرداخت نمیشود. درباره سرمایه گذاری های جدید در آینده، شرکت علی نفت از کنسرسیوم بهره باشکی خواهد گرفت و همراه باشکی چنانکه ممید اینم در همان راستاراز سودی است که از تاسیسات نفتی بدست دیده ام.

۵ - کنسرسیوم در بر ابراستفاده از پالایشگاه آبادان - اجر حق خواهد پرداخت که "با هزینه گردانیدن پالایشگاه مرتبط خواهد بود" یعنی چیزی در حد و هزینه ایکه شرکت ملی نفت متتحمل شده، بعیارت دیگر مجانی.

به این ترتیب پالایشگاهی که مال مردم ایران است و بهای آن پرداخت شده، در زیرزمین ایران است (ولی در حوزه امتیاز!) و در آن ۲۰ هزار کارگر ایرانی رحمت میکشند را اختیار کنسرسیوم قرار میگرد و شرکت علی نفت ایران موظف است این پالایشگاه را برای کنسرسیوم بگرداند

وار ارگند و حق صد و مخصوصات آنرا نیز نداشتند باشد و هزینه و سرمایه لازم را هم تامین کردند : چرا ؟
تنها پاک امتیاز استعماری و تعهد با قیمانده از قرارداد را رسمند و شرکت سابق نفت به این سوال
جواب نمی دهد .

در قرارداد جدید تاسیسات و تصفیه خانه گازما شهر نیز مجاناً بطور کامل و همه ظرفیت را اختیار
کنسرسیوم است و همچنانی همه تاسیسات بندری ، شبکه و سیم لوله های حمل و نقل ، انبارها
و غیره وغیره را اختیار کنسرسیوم است . دولت ایران حق ندارد در زیرا برای نیزه اراضی که زیر
 TASISAT است حق الارض و کراپه مطالبه کند . زیرا این اراضی در حوزه امتیاز قرارداد و کنسرسیوم
 بنایه قرارداد را رسمند حق دارد که در سرتاسر حوزه امتیاز هر قدر زیمن برای اینگونه تاسیسات لازم
 را شته باشد را اختیار نمیگرد .

پار آوری کنیم که از زمان ملی شدن نفت همه تاسیسات مال مردم ایران است و پیر از ۲۰ میلیارد
 موافق قرارداد سابق با کنسرسیوم بهای آنها بصورت غرامت - سنگین ترازیها واقعی - برد اخت
 شد و ازان ببعد نیز شرکت ملی نفت هزینه لازم را به اقساط پرداخته و صاحب این تاسیسات است
 با اینحال همه این تاسیسات مجاناً را اختیار کنسرسیوم است .
 د - جا ای شرکت ملی نفت ایران در قرارداد جدید

شرکت ملی نفت ایران از میان مبارزات و سیم لوله ای احصار امیریالیستی نفت
 بیرون آمده و بطور مستقیم را زیده جنبش ملی شدن نفت ایرانست و همراه مورد حمایت حزب توده
 ایران و سایر نیروهای ملی و متفرق بود و خواهد بود . مابه این شرکت بعنوان تکیه گاهی مینگریم
 که باید در هزاره علیه احصار امیریالیستی نفت در زیرگاه بزرگ خدا امیریالیستی نقش موثری ایفا
 کند .

شرکت ملی نفت ایران موافق قوانین ملی شدن نفت ، مبایامت و میتوانست ۲۳ سال پیش
 امور صنعت نفت را بطور کامل بدست گیرد . در زمان مابطه برق اولی قادر راست این وظیفه بزرگ را با
 موفقیت به انجام رساند ، از نفت ایران مستقل بپره برد اری کرد و آنرا در بازارهای جهانی عرضه
 کند .

قرارداد جدید این فرصت بزرگ را از شرکت ملی نفت ایران گرفته و میدان بسیار کوچک برای
 گسترش فعالیت آن بازگذاشته است . قرارداد جدید که سلطه کنسرسیوم را بدت ۲۰ سال دیگر
 تضمین میکند نقش رجره دوم و تابعی برای شرکت ملی نفت ایران - در حوزه امتیاز - در نظر گرفته
 است . بوجوب قرارداد جدید شرکت ملی نفت ایران در بخش اعظم کارهای ماشاجانی کنسرسیوم
 است . همه خدمات لازم را انجام میدهد ، نفت و گاز احصار و آماده (وخشی بصورت تصفیه شده
 و عمل آورده) بهشتی هامیرساند و زیرا برای خدمات و سرمایه گذاری عظیمی کمیکند تهم
 قسمت معقولی از هزینه خود را از کنسرسیوم میگیرد .

"شرکت خدمات" سازمان سابق کنسرسیوم است که در نام جدید حفظ شده و حقوق شرکت
 ملی نفت ایران را راداره امور - ولی مجازی - پایمال میکند .
 در قرارداد جدید سهی از نفت به شرکت ملی نفت ایران برای صد و میلیون تن میرسد . و این سهم براتب کمتر از مکانات واقعی شرکت ملی نفت
 است که هم اکنون بازارهای بمراتب وسیعتری برای صد و میلیون تن میرسد .

اگر قرارداد جدید - چنانکه میگان آن میخواهند - واقع نماید . ۲ سال بلا تغییر اجراء
 شود شرکت ملی نفت ایران تا حد و زیادی بصورت خدمتگذاری ماشاجانی کنسرسیوم باقی خواهد ماند و جایی

راکه شایسته آنست اشغال نخواهد کرد .

هـ - مقاہم تاریخی قرارداد جدید

قرارداد جدید ایران و کسرسیوم دنباله مستقیم قرارداد دارسی است که در سال ۹۳۳ اتتم شد . این قرارداد همه حقوق امتیازی انحصارات بین المللی نفت عضو کسرسیوم را - که بدون رخالت ایران این حقوق امتیازی را میان خود تقسیم کرده اند - در حوزه امتیازیه این یا آن شکل حفظ میکند .

لغو قرارداد سابق کسرسیوم کی قبل از موعده ، انعکاسی است از موج عظیم جنبش‌های ملی ضد انحصارات نفتی ، موقفيت‌های بزرگ اویک ، تغییرناسب قوار رجهان و طبیعی است که قرارداد جدید برخی از این حوار را بطور معیوبی هم شده منعکس میکند . از جمله در قرارداد جدید حوزه امتیازیکی محدود نشده و چنانکه گفته شده منعکس میکند . برای صادرات مستقل نفت بوسیله شرکت ملی نفت ایران ، اختیارات معینی برای کنترل و نظارت در رطر زمبه برداری - و نه نفس بهره برداری - از طرف شرکت ملی نفت در نظر گرفته شده و برآمد ایران نیز در حدود " رقم تعددیلسی " افزوده شده است . برای بهره برداری از گاز نیز ترتیباتی داده شده که باید در مقایسه با قرارداد دارسی چند و چون آنرا دریافت . اما همه اینها تهاتان عکس معتبر حوارش است که میگذرد ، نشانه وجود ضرورت وامکان اجرای اصل ملی شدن است و خاصی در جهت تحقق آن .

قرارداد جدید بنایه موجود دوامی قرارداد قبلی است و نه مستقل . یکی رقم تعددیلسی و دیگری محاسبه برآمد ایران بر اساس " بهای اعلان شده " است .

وجود رقم تعددیلسی در محاسبه برآمد ایران ، تغییراتی راکه در میزان درآمد کشورهای حوزه خلیج فارس - دارندگان قراردادهای امتیازی و نهادی کنندگان نفت - رخ دهد ، بطور خود کار در میزان برآمد ایران وارد میکند . اگر کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ابوظیبی ، قطر ، عربستان سعودی همچنین کردند و برآمد خوشباز هر بشکه نفت افزودند ، این افزایش بصورت رقم تعددیلسی درآمد ایران نیز منعکس میشود و اگر چنین همچنین نکردند و به حداقل قانع شدند و یا آنچه راکه بدست آوردند از دست دارندند را برآمد ایران نیز بطور اتوماتیک موافق این نوسانهای حدود و تاثیر رقمن تعددیلسی نوسان میکند .

پیدا پیش رقم تعددیلسی در قرارداد جدید نشانه آنست که اول اولت ایران هنگام انعقاد قرارداد به مکان بدست آوردن برآمد بیشتری از هر بشکه نفت واقع بوده و میدانسته است که حتی کشورهای حوزه خلیج فارس درآمد بیشتری دارند و برآینده میتوانند برآمد باز هم بیشتری بدست آورند و ثانیاً اولت ایران این حق را از خود سلب کرده است که مستقلانه از امکانات افزایش درآمد بکوشند . اولت ایران بمحض قرارداد جدید نفت ، حق تلاش برای کسب شرایط بیشتر را - با وجود اعتراف به مکان آن - سلب کرده و با قبول رقم تعددیلسی این شماره اعلام کرده است که " مانع خسای بیشتری نداریم ، اما اگر سایر کشورهای خلیج فارس - و نه کشورهای نفت خیز - چهارم بیشتری بدست آورند باید سهم اهم پرداخت شود " .

" بهای اعلان شده " که پایه تعیین قیمت در قرارداد جدید قرار گرفته ، نیز عامل دیگری است که به قرارداد جنبه تبعی میدهد و امتیازی بودن آن را ثابت میکند . چنانکه میدانیم هنوز مرکب قرارداد جدید خشک نشده بود که کشورهای نفت خیز عضواً ویک پایه تعیین مسقیقسل قیمت های نفت پرداخته و حق امتیازی انحصارات نفت را در تعیین پیکانه قیمت نفت لفونمودند . با پذیرش اصل جدید در تعیین قیمت های نفت طبیعی است که پایه اقتصادی و حقوقی قرارداد جدید رهم

شکسته شده است .

قرارداد جدید "صلح جد اگانه" رولت ایران با انحصارات امپریالیستی، نفت است در زمان نیکه کشورها نفت خیزد نبزد بزرگی با انحصارات درگیر بوده و بسیوی ملی کردن میرفتند ، و هر روز امتیازاتی جدیدی طلب میکردند . این "صلح جد اگانه" به این نبزد ضربه سنگین وارد آورده و بیویژه کشورها خلیج راکه در کار مبارزه برای عقب راندن انحصارات و کسب سهام هرچه بیشتر روز اکرات مربوط به شارکت بودند . و صدای مشارکت ۱۰۰٪ ملی کردن شنیده بیشتر د روپر شواری قرارداد . اما به نبرد پایان ندارد . مبارزه برای ملی کردن ادامه دارد . پهراز عراق ، الجزیره ، ونزوئلا و لیبی می آیند و هنوز کویت مشارکت ۶۰٪ را نهاده بیرون است و نبزد علیه انحصارات نفتی بهمیدان وسیع توجه‌های کشانده شده و موضوع اضافی و مضر بودن دخالت انحصارات نفتی بمعتابه واسطه ای میان تولید کنند همصرف کنند ر درعصه گسترد همراه شد است . اما در مقدمه قرارداد جدید رولت ایران ضرورت دخالت اعضا کنسرسیوم را درصد ورنفت ایران پذیرفته و سلطه شرکت‌ها ای عضو کنسرسیوم را بریازارهای جهانی نفت و وسائل حمل و تصفیه با خرسندی تایید کرد است .

روزنامه اطلاعات اندکی پس از امضاء قرارداد با خط درشت این سوال رامطرح کرد که : "قرارداد جدید کی لغو میشود" و با سخن داد که اگرچه تحولات بزرگ در عرصه نفت در جهان است ولی از آنجاکه قرارداد جدید بعلت وجود "رقم تعدیلی" بسیار قابل انعطاف است ضرورتی به لغوان نخواهد بود . همه تولا تبخود ر قرارداد منعکس خواهد گشت . همانقدر که هر سه فوچ منطق است ، پاسخ آن غیر منطق است . تحولات که در عرصه نفت میگذرد و تنها مربوط به میزان درآمد و تنهای رجار جوب قراردادهای انتیازی نیست این تحولا تموجویت امتیازات و اساس نسایبات انحصارات نفتی و کشورهای نفت خیز را پیش میگرفته و رقم تعدادی ملی مسکن و بیچاره قاریه منعکس کردن این تحولات نخواهد بود .

پایه قرارداد جدید نیز که حقوق امتیازی انحصارات امپریالیستی بین المللی را در حوزه معین پذیرفته و مقدمه قرارداد جدید که ضرورت واسطه بودن این انحصارات را میان خرد و روشن شد و سلطه آنان را بریازارهای جهانی صحه گذاشتند د ریابر تحولات زمان تاب مقاومت دارند . امر طی کردن درد مستور روز است . مقامات رژیم حاکم قرارداد جدید را کمال مطلوب اعلام کرد و ادعای مورد ماند که گویا با امضاء این قرارداد حقوق ملی ایران از هر حیث تمام و کمال تامین شده و در آنچه مربود به موضوع قرارداد ارادت هدفی که باید بخاطر آن مبارزه کرد باقی نمانده است میان اعلام خیانتی است بزرگ تراز امضاء خود قرارداد ، این اعلام بمعنای دعوت از مردم است در ریا نهان انحصارات امپریالیستی اسلحه هر زمین گذارند و بد ترازان بمعنای سینه سپر کردن رژیم است برای دفاع از کنسرسیوم در ریا به مبارزات نیروهای ملی .

اطلاعاتی در باره

مسعود اخگر

اقدامات و برنامه های نفتی دولت ایران

در اینجا اطلاعات کوتاه و فشرده ای درباره اقدامات و برنامه های دولت ایران در زمینه های مختلف فعالیت نفتی کشور نمیشود .
ز خاپرگا زونفت منابع نفت و گاز ایران هنوز کاملاً مورد بررسی قرار نگرفته است . حتی درباره

ذخایر مکشوف نیز ارقام متفاوت ارائه میشود . دولت ایران با جلب کارشناسان خارجی در نظر را درد ، تصور قیق تری درباره منابع نفت و گازکشور بدست آورد .

آمارهای منتشره در مطبوعات نفتی جهان حاکی است که ذخایر مکشوف نفت ایران از هنج میلیارد تن در آغاز سال ۱۹۶۴ به ۸۰۰ میلیارد تن در آغاز سال ۱۹۷۲ افزایش یافته است . این رقم ۴۱ درصد ذخایر مکشوف جهان سرمایه داری و ۵۰ درصد ذخایر خارجی ایران را نهونزدید است . ایران از لحاظ ذخایر مکشوف جهان سرمایه داری مقام سوم را دارد (پس از عربستان سعدی و کویت) . از اقام متنشره در ایران چنین بر میآید که در حدود ۸۸ درصد ذخایر مکشوف نفت ایران در حوزه عمل کنسرسیوم قرار دارد .

از همان آمارهای منتشره در مطبوعات نفتی جهان چنین بر میآید که ذخایر مکشوف گاز ایران در آغاز سال ۱۹۷۳ ۱ هزار ۵۶۰ میلیارد مترمکعب بوده است . با این ترتیب ایران جای در را در جهان سرمایه داری اشغال میکند (پس از ایالات متحده امریکا باز خیره ۲۶۸۲ میلیارد مترمکعب) .

تولید نفت و گاز تولید نفت خام در ایران از ۶۵ میلیون تن در سال ۱۹۶۳ به ۲۵۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۲ یعنی ۳۸۸ درصد افزایش یافت . افزایش تولید نفت خام در جهان سرمایه داری در همین مدت ۲۰۰ درصد و در خاورمیانه نزدیک ۲۶۰ درصد بود . این ارقام حاکی بر افزایشی بند و پاره تولید نفت خام در ایران است . ایران در نظرداری در رآند منیز تولید نفت خام را هرچه بیشتر افزایش دهد . از اقام متنشره در ایران چنین بر میآید که دولت در نظرداری در میزان تولید نفت خام را درین جسال آینده به بیش از ۸ میلیون بشکه در روز بیان بهش از ۴۰۰ میلیون تن در سال افزایش دهد . بخش عده تولید نفت خام ایران در سنت کرسیوم است . چنانکه سهم آن در سال ۱۹۷۲ در تولید نفت خام ۴۰ درصد بود . شرکت ملی نفت ایران فقط ۳ درصد تولید کشورها در دست داشت (۹۳ درصد بقیه توسط سایر کمپانیهای نفتی که به صورت مشارکت و پاما قاطعه در ایران فعالیت دارند ، تولید میشود) . طبق قرارداد جدید با کنسرسیوم کنترل تولید نفت خام در حوزه قرارداد یعنی در عده ترین بخش منابع نفتی کشور عمل دارد است این کنسرسیوم باقی خواهد ماند .

در سال ۱۳۵۱ در ایران ۴ میلیارد مترمکعب گاز تولید شد که فقط ۵ درصد آن مورد بهره برداری قرار گرفت و یعنی ۵ درصد آن سوزانده شد . ایران در نظرداری در در سال ۱۳۵۶ تولید گاز راه ۶۵ میلیارد مترمکعب افزایش دهد و میزان بهره برداری از آنرا به ۶۰ درصد بالا ببرد . صادرات نفت و گاز بخش عده نفت تولید شده در ایران بصورت خام از کشور خارج میشود . در سال ۱۹۷۲ از ۸۰۰ میلیارد بشکه نفت تولید شده در ایران در حدود ۶۰۱ میلیارد بشکه پا بهش از ۸۸ درصد آن بصورت خام صادر گردید . در این سال کنسرسیوم ۵۰ درصد صادرات نفت خام ایران را در دست داشت . سهم شرکت ملی نفت ایران درصد ورستقل نفت خام فقط ۹٪ درصد بود . طبق قرارداد جدید با کنسرسیوم ، در سالهای آینده به سهم صادرات مستقل ایران افزوده خواهد شد . با اینهمه کنسرسیوم مانند گذشته صادر کننده اصلی نفت خام ایران باقی خواهد ماند .

بهشت از قرارداد فروش گازهای اتحاد شوروی تقریباً تمام گازهای تولید شده در میدان های نفتی کشور سوزانده میشند . در سال ۱۳۵۱ در حدود ۲۵ درصد از ۴۰ میلیارد مترمکعب گاز تولید شده در ایران صادر گردید . طبق پیش‌بینی های موجود از ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز تولیدی در سال ۱۳۵۶ درصد آن مابد به خاکی صادر شود .

دولت ایران برای اکتشاف و پمپهای بزرگ مابع و صد و ران به کشورهای امپراتوری مذکورات طولانی و وسیعی را با حصارهای امپراتوری (بخصوص اتحادهای ایالات متحده امریکا، ژاپن، آلمان فدرال و ایتالیا) آغاز کرده است. با آنکه در موارد معین این قراردادهای اصولی و مقاوله نامها و بارهای اشتراکی های تفاهم امضا شده، سرنوشت نهائی اکثر این قراردادهای هنوز نامعلوم است. ولی آنچه که مسلم است اینستکه دولت ایران باتمام نیروی امنیتی کوشید احصارات امپراتوری را برای منابع عظیم انرژی و ماده خام برای صنایع پیشرفت و پیشگیری مسلط ساخت (منابع گاز میدان های نفتی حوزه کسرسیوم هم اکنون بطور عمده در دست این اتحاد غارتگر امپراتوری است).

صرف داخلی نفت و گاز مصرف داخلی فرآوردهای نفتی و نیز گاز (اعم از خشک و مایع) در ایران در حال افزایش است. مصرف داخلی فرآوردهای نفتی در ایران طی ده سال ۱۳۴۱-۱۵۱ سالانه بطور متوسط ۱۵ میلیون تن درصد افزایش داشت. طبق پیش‌بینی های موجود مصرف مواد نفتی در پنج سال آینده نیز سالانه بطور متوسط بیش از ۱۳ درصد افزایش خواهد یافت (طبق اظهار نظر در تراقبی در رضایت اجتماع نفت ایران داخلی نفت ایران در سال ۱۳۵۲ نسبت به سال قبل باندازه ۱۷ درصد افزایش داشت). طبق پیش‌بینی مخالف رسمی ایران میزان مصرف داخلی نفت که ظاهرا باید فقط از حوزه عمل کسرسیوم تامین شود طی ۲۰ سال مدت قرارداد از ۲۸ هزار بشکه در روز به ۱۴۹۰ هزار بشکه یعنی سالانه بطور متوسط ۶ میلیون تن درصد افزایش خواهد یافت.

صرف داخلی گاز نیز در ایران در حال افزایش است. مثلاً مصرف متوسط سالانه گاز طبیعی طی برنامه چهارم ۴۶ میلیارد متر مکعب بود، ولی در سال ۱۳۵۱ به ۸ میلیارد بالغ شد و با مصرف گاز مایع به ترتیب ۱۲۰ و ۱۷۰ هزار تن بود.

طبق پیش‌بینی های موجود در آینده به سهم گاز در تامین انرژی های اولیه افزوده خواهد شد. چنانکه سهم آن از ۱۸ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۲۷ درصد در سال ۱۳۵۶ و بهشت از ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۱ خواهد رسید. در عرض از سهم نفت در تامین انرژی کاسته شده و در سالهای ذکر شده به ترتیب ۲۱ و ۶۴ و ۶۱ درصد خواهد بود.

پالایشگاه ها اکنون در ایران چهار پالایشگاه و پیک دستگاه تقطیر مجموعاً به ظرفیت ۶۵ هزار بشکه در روزی ۳۳ میلیون تن در سال مشغول کار هستند (پالایشگاه آبادان - ۴۶ هزار بشکه پالایشگاه اول تهران - ۹۵ هزار بشکه، پالایشگاه شیراز - ۴۰ هزار بشکه، پالایشگاه کرمانشاه ۱۵ هزار بشکه، دستگاه تقطیر مسجد سلیمان - ۴۲ هزار بشکه).

پالایشگاه آبادان بطور عمده پالایشگاه صادراتی است. ایران فقط از ۲۰ درصد ظرفیت آن برای صادرات داخلی استفاده میکند. صد و فرآوردهای این پالایشگاه در دست اعضاً کسرسیوم است. طبق قرارداد جدید در آینده نیز چنین خواهد بود.

ایران برای تامین مصارف داخلی خود مشغول ایجاد پالایشگاه روم تهران (با ظرفیت ۱۰۰ هزار بشکه در روز) و توسعه پالایشگاه اول تهران (تا ۱۲۵ هزار بشکه و برداشت ۲۰۰ هزار بشکه) است. بعلاوه قرار است پالایشگاه های حدیدی در نکا مازندران (۱۳۰ هزار بشکه در روز)، اصفهان (۱۰۰ هزار بشکه)، تبریز (۸۵ هزار بشکه) احداث شود. ظرفیت پالایشگاه آبادان نیز احتمالاتاً ۵۵ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت.

ایران مدتی است در راه ایجاد سه پالایشگاه بزرگ صادراتی با شرکت ایالات متحده امریکا و ژاپن و آلمان فدرال هریک به ظرفیت ۵۰ هزار بشکه در روز (۲۵ میلیون تن در سال) بمنظور صد و فرآوردهای نفتی از محل سمهی خود از کسرسیوم نفت کوشش میکند. در این میان فقط طرح

احداث پالایشگاه پوشمربا مشارکت آلمان فدرال به نتیجه قطعی نزدیک شده است .

صنایع پتروشیمی و شیمیائی تاکنون سه مجتمع پتروشیمی ویک کارخانه کود شهابی د رایران احداث شده و وورد پهره برد اری قرار گرفته است . سه مجتمع پتروشیمی بقرار زیر است : مجتمع شیمیائی خارک با مشارکت "آموکو" امریکائی (نسبت سهام ۵۰-۵۰) ، مجتمع پتروشیمی آبادان با مشارکت گودریچ امریکائی (نسبت سهام ۵۰-۵۰) ، صنایع شیمیائی شاهپور با مشارکت آلدکمیکال امریکائی (سهم ایران ۵۰ و سهم موسسه امریکائی ۳۵ درصد) .

بطوریکه از اظهارات مقامات رسمی ایران بر می آید ، برای احداث چند واحد پتروشیمی جدید نیز قرارداد هایی با انحصار امریکائی وزاپنی و آلمانی منعقد شده است . از آنجمله ا است قرارداد هایی که با کمپانی های زاپنی برای تولید "مواد میانی" و "مواد نرم کننده" ویک برای تشکیل شرکت سهامی کارن بلاک ایران با مشارکت بخش خصوصی ایران ویک کمپانی امریکائی منعقد شده است . دولت ایران برای ایجاد سه مجتمع پتروشیمی در جوار سه پالایشگاه صادراتی کمیکوشد با مشارکت آلمان فدرال وزاپن و ایالات متعدد امریکا احداث شد ، تلاش بعمل می آورد . ولئن همان طورکه گفته طرح مشارکت با آلمان فدرال امکان تحقق پیشتر یافته است .

برای ایجاد پالایشگاه "پلی ایزوبنین" ویک کارخانه تولید آمونیاک به کمک و همکاری اتحاد شوروی (نمشارکت) مذاکرات میان ایران و شوروی در جریان است .

بطوریکی د رباره ایجاد کارخانه های پتروشیمی و صنایع شیمیائی اخبار متعدد و اطلاعات ناقص و حتی متصادی از طرف محافل رسمی و مطبوعات ایران انتشار می باید که قضایت دولت ایران چند جون و نتایج علنی آنها در شوارمینماید . ولی بطوریکی هدف دولت ایران در این موارد جلب هر چه بیشتر سرمایه های خارجی به این رشتہ بسیار مهم و حیاتی صنایع کشور ایران است .

باید اضافه کنیم که دولت ایران در صنایع شیمیائی نظامی نیز تاکنون سرمایه گذاری کرده و بطوریکه از نشریات رسمی کشور می آید در رساله ای آینده بمیزان این سرمایه گذاری ها بمراتب افزوده خواهد شد .

فعالیت های نفتی ایران در خارج از کشور دولت ایران برای شرکت دفعاتی های نفتی در خارج از کشور نیز اقداماتی بعمل آورده و می آورد . ایران تاکنون موفق شده است در در در مدرس و افریقای جنوبی پالایشگاه های کوچکی بوجود آورد . ظرفیت پالایشگاه مدرس ۵۰ هزار بشکه در روز است . سیزده درصد سهام آن درست ایران است و نفت خام این پالایشگاه توسط ایران تأمین می شود . در برابر توسعه این پالایشگاه مذاکراتی با مقامات رسمی هند در جرجیا است . پالایشگاه افریقای جنوبی نیز ۵۰ هزار بشکه ظرفیت دارد . سهم ایران ۵۰ درصد است و ۲۰٪ نفت خام آنرا ایران تأمین می کند .

برای ایجاد پالایشگاه هایی در ریونان ، بلژیک ، فلیپین ، سنگال وغیره نیاز اقدامات مذاکراتی بعمل می آید . برخی از این مذاکرات بی نتیجه ماند (پالایشگاه بلژیک) . در مردم ایجاد پالایشگاه در ریونان نیز پر از مدت وقفه ، مذاکرات ازوآغاز شده است . بطوریکی نتیجه نهایی و قطعی مذاکرات ایران در زمینه ایجاد پالایشگاه های در کشورهای خارج هنوز روشن نیست .

ایران در سال ۱۳۵۰ در رمایده اکتشاف نفت در فلات قاره انگلستان در در ریای شمال شرکت کرد و در سال ۱۳۵۱ برای اکتشاف و حفاری در در و منطقه قراردادی با بریتانیا پر توکل نمود . کشتی های نفتکش شرکت نفتکش ایران "که از شرکت های فرعی شرکت متعلق نفت ایران است ، چند کشتی نفتکش اقیانوس پهبا ، مجموعاً بظرفیت ۲۴ هزار تن در اختیار دارد . دولت ایران در سال ۱۳۵۲ د وکشتی بزرگ نفتکش ۵۰ زاپن سفارش دارد (نفتکش "خارک " بظرفیت ۲۲۸۲۰۰

تن و نفتکش آزربایجان "بظرفیت ۲۲۸۵۰۰ تن" . این گشتی ها احتمالات اواسط سال ۱۹۲۵ آماد مهربه برداشته شد و با این ترتیب ظرفیت گشتی های نفتکش ایران به ۲۰۰ هزارتن افزایش خواهد داشت . ایران با این ظرفیت حق قدر ریه حمل سهمیه خود در سال ۱۹۲۵ از محل حوزه عمل کنسرسیوم نخواهد بود . شرکت نفتکش چند کشتی کوچک نیز برای تامین نفت سواحل خلیج فارس در اختیار دارد و رندر است و فروند نفتکش کوچک نیز بظرفیت ۲۰ و ۴۰ هزارتن خریداری شود .

خطوط لوله نفت و گاز تاکنون در سراسر ایران ۴۲۵۰ کیلومتر لوله نفت و پیش از ۳ هزار کیلو متر لوله گاز احداث شده است . عمد مترين لوله گازرسانی ایران لوله سرتاسری است که گازهای بدست آمده امیدان های نفتی جنوب ایران (ارجوزه امتیاز کنسرسیوم) را به مرزشوری میرساند . رولت ایران در نظرداردن طی پنج سال آینده ۱۴۰۰ کیلومتر خط لوله نفت جدید برای تقدیمه پالاییها کمی خواهد احداث کرد و نیز برای تامین نقاط مختلف کشور ایجاد کند . برای اسکاره از گاز سرخ و گاز رسانی به نقاط دیگر کشور طرح های درست اجراء است . برای ایجاد خط روم لوله گازی مظوظور صد و گواز از طریق شوروی به آلمان غربی مذکوره انجام می گیرد . در راه انتقال نفت ایران از طریق ترکیه به مدیترانه و سپس حمل آن به سیله کشتی به بازا و مصرف اروپایی مذکور ایجاد کاری با کشورهای اروپائی پیوسته ایالتیهای رجریان است . در مردم افزایش اخیر رآمد های نفتی در رولت ایران باید گفت که رژیم کنونی با اعطای وام به امیریالیستی نظیر مانک جهانی و صندوق بین المللی پول که بزرگترین کشورهای امیریا لیستی در روله اول امیریالیستی امریکا را نهاده سلط دارند ، با سرمایه گذاری در کشورهای امیریالیستی و کوشش در راه ایجاد سازمان با صطلاح بیطوف کمک مالی به کشورهای در حال رشد که عمل تحت کنترل بانکجهانی و صندوق بین المللی پول یعنی در آخرین تحصیل وسیله ای برای اعمال فشارسیاسی و اقتصادی به کشورهای در حال رشد خواهد بود ، با افزایش هزینه های هنگفت نظامی و دادن اختیارات ای و زارت جنگ برای استفاده نامحدود و دار رآمد "اضافی" نفت بمنظور خرید اسلحه - گام های تازه ای در راه خیانت به منافع ملی میهن مبارد اشته است . رولت ایران با این اقدامات بخشنده میعنی از رآمد نفتی کشور را بصور گوناگون در باره بمگا و صندوق های انحصارات امیریالیستی باز خواهد گرداند .



از آنچه گفتم بخوبی آشکار میشود که انحصارات بزرگ و کوچک نفتی هم اکنون تقریباً تما م منابع مکشوف نفت و گاز کشور مارا درست دارند و با اقداماتی که رولت رژیمینه بمزایدہ گذاردن اکتشاف ویژه برداشته ای سایر مناطق کشور بعمل آورد و می‌ورد ، توان منابع احتمالی نیز عمل نماید . این احصارات امیریالیستی خواهد افتاد .

در اینجا باید اضافه کنیم که بعیده مانعه عمل یعنی قرارداد با صطلاح فروش ، یا شرکت و یا مقاطعه کاری ، اگر هم هر یک از آنها رآمد بیشتر یا کمتری نصب ایران سازد ، تغییری در ما هیئت امن نماید هد . زیرا ر تمام این موارد منابع نفت و گاز کشور را با این یا آن نحوی است انحصارات امیریالیستی افتاده خواهد افتاد .

انحصارات خارجی در سایر شهرهای فعالیت نفتی مانند پالایش و تقطیر و پتروشیمی وغیره نیز نفوذ کرده و از این راه به غارت ثروت های ملی ما ادامه خواهد دارد .

در پایان اشاره بد و نکته مهم نیز ضرور است :

۱ - واگذاری رشته‌ها با اصطلاح جنگی صنایع نفت به بخش خصوصی که معنای توسعه دائم است این استعاره مستقیم زحمتکشان ایران توسط سرمایه داران بزرگ داخلی با شرکت سرمایه‌های خارجی است ، علی این است کاملاً بزمیان زحمتکشان و بطورکلی اقتصاد کشور ۲

۳ - ایجاد بازار آزاد ارزهای خارجی به بهانه افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صدور نفت ، بنویه خود اقدام هزینه‌نشدن یک‌گزای است که علیه اقتصاد کشور بعمل آمده است . این اقدام بازاریولی کشور را بهینه از بیش بمنوسانات ارزی در بورس‌های کشورهای امپریالیستی وابسته خواهد کرد و راه را برای انواع بورس‌بازی و تقلیب‌های ارزی بروی دلالان و بورس‌بازان ارزی داخلی و خارجی هموارخواهد ساخت .

جلب سرمایه‌ها از خارجی و چیزهای کردن انحصارات امپریالیستی بر منابع و صنایع نفت ایران ، استفاده از درآمد نفتی به سود انحصارهای خارجی و شهرهای فوقانی هیئت حاکمه بزمیان مردم زحمتکش ایران جهت عدم اندامات و برنامه‌های نفتی دولت ایران را تشکیل میدهد .



در شماره ۱۲ (اوت ۱۹۷۳) مجله "کمونیست"

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پاسخ سوالاتی که از هیئت تحریریه این مجله شده است، مقاله مفصلی تحت عنوان "سیاست مائوئیست ها واقعیت" در شده (صفحات ۸۸ تا ۱۰۵) که ماینک ترجمه آنرا با تلحیح بنظر خوانندگان ارجمند "دنیا" میرسانیم. این مقاله محاوی تحلیل جامع و عمیق واقعیت کنونی جامعه چین از جانب یک مجله معتبر تئوریک مارکسیست است. پس از نگارش این مقاله "کنگره دهم" حزب کمونیست چین در شرایط سرتیفیکات کامل تشکیل شد. اسناد مختصه‌ی که از این کنگره انتشار یافته است حاکم از اراده خط مشی سابق رهبران چین است. لذا این کنگره و قطعنامه‌های آن در رضاوهای اساس مندرجه در این مقاله تغییری وارد نمی‌سازد. جریان کنگره دهم و جریانات بعد از آن تاریخ انتشار این مقاله نشان میدهد کنگره‌ها و مائوئیست حاکم برچین در سیاست خارجی و داخلی

خود کماکان یک مش خائنانه ضد مارکسیستی - لینینیستی را با عناد تمام دنبال می‌کند.

و سیاست خارجی لینینیستی سیاست یکن طیه کشورهای سوسیالیستی، علیه کاهش و خامت جهانی متوجه است. مشی ضد شوروی، مائوتسه دون و گروه اورا بد انجار سانده که بلوک های تجاوزکارانه نظامی و گروه‌بندی‌های اقتصادی انحصار طلبان سرمایه داری را مورد پشتیبانی قرار میدهد و حال آنکه میدانند که این بلوکهای نظامی و این گروه‌بندی‌های اقتصادی تاراج خلق های "جهان سوم" و سرکوب مبارزه آنها ایجاد شده است. مائوئیست ها در نتیجه خیانت به مارکسیسم - لینینیسم به ارد و گاه دشمنان طبقه‌کارگر، جنبش رهائی پخش می‌سازند و سراسری شریط صلح و سوت منتقل شده اند و میتوان گفت که سیاست خارجی رهبری جمهوری خلق چین بننا چار در رحیمات بین الملل عنصر معینی از ناپایداری خطرناک وارد می‌سازد.

اتحاد شوروی سالیان درازه چین از هماره کمل رساند و همیشه آنکه خود را برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف از طرق مذاکره نشان داد و هرگز اختلافات فکری را با اختلافات سیاسی بین دود ولت در نهایتی خلاصه کرد. لذا مشی ضد شوروی مائوئیست ها در اراضی هیچگونه توجیه‌هایی نیست و تنها الاماگر آن شوینیسم جهانخوارانه رهبری مائوئیست است که مارکسیسم را به ناسیونالیزم فروخته است.

سیاست خارجی ارتجاعی رهبری چین با سیاست داخلی خد مارکسیستی همرونداست: اکنون چین بکاره پیکر وارگردان ارومیه را زد ایست که "انقلاب کمپرولتاری فرهنگی" کذائی سالها ی ۱۹۶۹ - ۱۹۷۶ را با خاطر می‌آورد، حادثه‌ای که عواقب منفی آن تاکنون نیزد رشته‌ون مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی چین باقی است. این کارزار از تاشه در چین تحقیق‌نامه‌ی "کنفوسیوس" فیلسوف که ۲۵۰۰ سال پیش میزیست و "لین پیائو" حانشین رسمی مائوتسه دون که دو سال پیش از صحنمهد ورشد انجام‌گیرد و بیان چینی "بی‌لسمیم" بی‌کونگ "نام دارد.

سیاست

مائوئیست‌ها و واقعیت

حملات تند و تیز به کتفو سیوس همراه است با ماحظ و شای امپراطور تسزین شی خوان که قرن سوم پیش از میلاد میزیسته است . حق جورو ستم این امپراطورها اعمال قهرانقلابی پر گشتارها مقایسه میشود . مجله "خونتسی" ارگان شوریک حزب کمونیست چین در چند ۱۲ سال ۱۹۷۳ خود در باره این امپراطور چنین نوشت : "امپراطور تسزین شی خوان از آغاز تا پایان اعمال قهریکاربرد ... ما این اعمال قهر او را که به صورت کتاب سوزانی و اعدام هوارداران کتفو سیوس رآمد بود ، مشت میدانیم" . پایه این سنتا یعنی را پاید رناظرات خود مائو تses دن جستجو کرد . ماکوتسد ون در سال ۱۹۵۸ در وسین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین منتخب از کنگره هشتم در ریاضا یعنی امپراطور نطق کرد که امروره بخش از آنرا نقل میکنند و ماعنی عبارات مائوراد ریاضه این امپراطور کنمود ارخوی از طرز تفکر این مدعا "کلاسیک مارکسیست" بودن است در اینجا می اوریم . مائو ر در دومن پلنوم کمیته مرکزی در سال ۱۹۵۸ چنین گفت : "امپراطور تسزین شی خوان فرمانی داد بین مضمون : کسی که بخطاطرا مركهن امرنوم معاصرها رد میکند باید تبارش را تاسه نسل ریشه کن کرد . اگر توکنه هرست هست و نوا بر سمت نعی شناسی تمام خانواره تواریخواهند بروند . تسزین شی خوان تنها ۶۰ نفر طرفدار کتفو سیوس رازنده زنده در خاک کرد . ولی او از مابس درواست . ما در وراث تصفیه ، حساب خود را با چند ده هزار نفر پاک کردیم یعنی عمل مانند تسزین شی خوان عمل کردیم . من مدعا هستم که ما از تسزین شی خوان اصلی تریم . این تسزین شی خوان ۶۰ رازنده بگو کرد و ما ۶ هزار نفر را یعنی صد هزار بیشتر . زیرا کشن و سپهان گور کندن و دفن کردند ، آنهم نوع زنده بگو کردند است . بیان شنا مهد هند و میگویند اینها تسزین شی خوانیست هستند ، غاصب هستند . ماهمه این مطالب اعتراف داریم و بر آنهم که کم کرده ایم و در این زمینه باز هم باید بیشتر عمل کرد " از جزو " زنده بار اندیشه مائو تses دن ، چاپ پکن ، سال ۱۹۷۲ نام چینی جزو : " مائو تses دن - سی سیان - وان تنسی " . مائو تses دن در همین سخنرانی خود آشکارا گفت : " تنهایا باید هواردارد موکراسی بود ، باید مارکس را با تسزین شی خوان ترکیب کرد " (!) .

و در واقع نیز مأثور رامحاء دسته جمعی مخالغان خود بسی از امپراطور ناپلدون وارفارتنهاد و هر برخواستار قربانیهای تازه ایست ، بهمین جهت در اسناد کنگره ده هم حزب کمونیست چین از ضرور تکرار هرچندی پکارانقلاب فرهنگی سخن رفته است . در واقع از سال ۱۹۵۰ تاکنون ده تصفیه و کارزار ایده تولویژن که را رای خصلت تصفیه بوده در چین انجام گرفته است که از آنجله است " سرکوب عناصر ضد انقلابی " (۱۹۵۱-۱۹۵۰) ، تصفیه موسوم به " سان فان - شوفان " (۱۹۵۳-۱۹۵۱) ، تصفیه موسوم به " سی فان " (۱۹۵۵) ، تصفیه موسوم به " عناصر راست " (۱۹۵۲) کارزار علیه " اپورتونیست های راست " (۱۹۵۹) ، جریان موسوم به چهار تصفیه " سی تین " (۱۹۶۴-۱۹۶۳) ، " انقلاب فرهنگی " (۱۹۶۹-۱۹۶۶) ، جریان مبارزه ، انتقاد ، اصلاح یا " دوی های " و جریان موسوم به " نیک و مبارز معلمیسمه " عی دسان وان " و جریان انتقاد ازلین و انتقاد اکوننگ که همه پس از انقلاب کمپرفرنگی روی دارد است . این تصفیه ها و کارزارهای درست تسزین شی خوان امروزی چین - مائو تses دن - افزاری است برای سرکوب تمام نیروهایی که در قبال سیاست خیانت آمیزا و مقاومت میکنند .

مقاله زیرین تحتوى اجتماعی این پدیده ترازیمک و علل پدیده آنرا روش میسازد .

در اسناد کفرانس احزاب کمونیست و کارگری (سال ۱۹۶۹ ، مسکو) و نیز در اسناد احزاب برادر (که با هرگونه تحریقی در آموزش مارکسیسم - لینینیسم بنحوی پیگیر مارکسیست) در باره

پروسه‌هایی که در زندگی اجتماعی و سیاسی جمهوری توده ای چین می‌گرد ، ارزیابی اصولی بعمل آمده است .

در این استاد از جمله چنین نتیجه‌گیری شده است که جامعه کشور چین را نمیتوان به شایسته جامعه ایکه پنهوی پنگر در راه سوسیالیستی تکامل می‌باید ، توصیف نمود . خصلت حکومت جمهور توده ای چین موجبات عقیم ماندن و حق ناپوری عناصر سوسیالیستی را در اقتصاد و استریوتکس ایجاد اجتماعی این کشور فراهم کرده است . بالطفینان میتوان گفت که دولت چین وظائف دیکتاتوری پرولتاپارا به مفهوم مارکسیستی - لینینیستی آن اجرانمیکند . دولت چین برایه ریکاتوری دارو دسته نظامی - پروکراتیک به سرکردگی مائویسه دون تشکیل شده است . این دولت بر قرشارو زوومتک است و برای رسیدن به هدف های مفترضانه خود به کلکشیوهای دعوا مفریانه اجتماعی میان طبقات جامعه چین بهمانور می‌پردازد .

تجربه دوران آخر صحت این ارزیابی را نشان داد . در جمهوری توده ای چین پروسه مسخر شدن نظام اجتماعی سوسیالیستی عقیق ترمیم شود .

در زمینه سیاست خارجی ، ورود جمهوری توده ای چین بهمیان وسیع بین المللی با خط مشی پهلوی خصمانه ترورهای چین نسبت به سوسیالیسم همراه بود . تبلیغات کمین توانه مائویست هادر ریاه سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی بافعالیت سیاسی و دیپلماتیک شدید علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی درآمیخته است . در رواج رهبران چنین بطور مستقیم یا غیرمستقیم میکوشند مواضع بین المللی کشورهای سوسیالیستی را تضییف کنند ، میان این کشورهای ناقاق افکنند ، جنبش کمونیستی را در چارترقه سازند و جبهه مشترک خدا امیریالیستی را بر هم زند . مائویست های پیوست به ارجاعی ترین نیروهای رعصره جهانی خود را در رهبر جنگیش جهانی کمونیستی و خط مشی پهلوی را این جنبش که در کفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ در مسکو تاختار گردید ، قرارداده اند . مائویست های اسلام اینکه اتحاد شوروی و کشورهای برادر روح‌همزام آن " دشمن شماره یک آنان هستند ، در مهمترین مسائل سیاست جهانی در موضع ارجاع امیریالیستی قرار گیرند و به این ارجاع کمیکوشند کشورهای سوسیالیستی را تحت فشار گذارد ، کلکمیکند . خیانت مائویستی دون و در اینسته ایله مصالح سوسیالیسم جهانی نیز از همین جانشی می‌شود .

مقابله فعل کشورهای سوسیالیستی و احزاب مارکسیست - لینینیست نه فقط رانه اقدامات تحریک و اشعا برگانه پکن را محدود می‌سازد و سیار ازعاق منفی آنرا خنش می‌کند ، بلکه مائویست ها در رعصره جهانی بمواضع تد افعی می‌رانند و معقب نشینی و میدارند . موقفیت های کشورها برادر و درگارا ساختن سوسیالیسم و تحقق خط مشی مشترک آنان در سیاست خارجی برتری سوسیالیسم علی رابنحوی باز زومنع به ثبوتمیرساند . برنامه صلحی که بوسیله رفیق لشونید ایله بجزئی دیگر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی درگذره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه شد و مورد پشتیبانی و تأیید احزاب مارکسیست - لینینیست و تماذروهای صلح دوست و مترقب قرار گرفت ، در تحکیم مواضع بین المللی سوسیالیسم ، نقش برجسته ای دارد .

اکنون که میان مائویست ها و روزیونیست های " چپ " و راست علا جبهه واحدی بوجود آمده و رهبران چین بسوی دسته بندی رواست بانیروهای امیریالیستی کام بر میدارند ، تحلیل همه جانبه مغفل چین اهمیت ویژه ای کسبمیکند . مانورهای پکن ، نیرنگ بازی سران چین با جمله پردازی های کاذب در برابر مارکسیسم و سوسیالیسم ، آرایش همه جانبه تشوری و بر اتیک مائویستی و شخص مائویستی دون از جانب تبلیغات روزیونیستی و پوزرواژی و پفرنجی و متضاد بودن اوضاع در

خود چین برعی از تایندگان محافل اجتماعی را در جهان در چارگمراهی می‌سازد . در چین شرای تجزیه و تحلیل خط مشی سیاسی دارد و سه مائویسته دون ، پاد رناظر گرفتن تغییراتی که اخیرا در روضه داخلی جمهوری توده ای چین حاصل شده ، حائز اهمیت است .

واقعیت های زندگی چین نشان میدهد که تغییرات کنونی در جمهوری توده ای چین در مسیر تکامل سوسیالیستی نبوده ، بلکه در جهت تحکیم رژیم ضد توده ای مائویستی انجام می‌گیرد .

آیا چین یک کشور

سوسیالیستی است؟

دارودسته نظامی - بوروکراتیک مائویسته دون از رشد اقتصاد طی چین برای ایجاد بنیاد مادی و فنی سوسیالیسم وبالا بردن سطح زندگی و فرهنگ زحمتکشان استفاده نمیکند و آنرا بطور عمد مصنوعات اباع حواej مادی سیاست سپیله جویانه (هزمونیستی) وحد اکتفا پذیرش قدرت نظامی (پیش از همه قدرت مشکلی و هسته ای) خود کرده است . لذا رشد اقتصاد جمهوری توده ای چین بحسب تمايلات ذهنی رهبران مائویستی بپایه تصمیمات اراده گرایانه آنان انجام می‌گیرد .

پیروزی انقلاب چین برای تکامل سوسیالیستی این کشور مکان بوجود آورد . در چین صنایع بزرگ ، بانکها ، وسائل حمل و نقل وغیره طی شد و تولید خرد کالائی در شرکت های تعاونی متصرک گردید . ولی تعاونی کردن کشاورزی و صنایع دستی با ایجاد بنیاد مادی و فنی ضرور همراه نبود . در دهه ایجاد پنجمالله اول (۱۹۴۹-۱۹۵۲) در جهان برانداختن عقب ماندگی اقتصادی کشورهای مقد ماتی حل این مسئله بوجود آمد . ولی سیاست ماجراجویانه "جهش بزرگ" وکمون های خلقی مانع تحکیم پایه های مادی و فنی تعاونی های تولیدی ورشد بعدی صنایع بزرگ معاصر گردید .

تخرب نیروهای مولده به هنگام "انقلاب فرهنگی" و سوق دادن آگاهانه اقتصاد کشوری مسیر ملیتاریسم مزید پرعلت شد . درنتیجه اقدامات اراده گرایانه (ولونتاریستی) مائویست ها سیر ساختن بنیاد مادی و فنی سوسیالیسم در چین متوقف گردید . بنیاد مادی و فنی سوسیالیسم فقط بپایه صنایع بزرگ معاصر که در عین حال تحول در کشاورزی را می‌سازد ، میتواند بوجود آید . در اینجا باید باین نکته مهم نیز توجه داشت که ساختن سوسیالیسم در چین ، به علت عقب ماندگی نیروهای مولده و تسلط مطلق کارستی در روزهای آغازین دشواری جدی مواجه بود . در چین شرایطی امکان عینی ساختن سوسیالیسم در چین فقط با پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی براز رهیتوانست بنهای موقوفیت آمیز حقیقی پایابد . اتحاد و همکاری تند بک جمهوری توده ای چین با سیستم جهانی سوسیالیسم در طول هشت مال اول (۱۹۴۹-۱۹۵۲) به چن امکان داد عقبه اندگی اقتصادی بپرینه خود را برطرف سازد و در راه سوسیالیسم با موقوفیت پیش رود . ولی مائویسته دون و اطرافیانش به پیروی از هدف های سیاسی خاص ، دامنه همکاری چین را با کشورهای سوسیالیستی بتریج محدود کردند و به بسط روابط اقتصادی خود با کشورهای سرمایه داری پسی افزودند .

باید خاطرنشان کنیم که سیاست اقتصادی رهبری کنونی چین ، هنوز هم مانند گذشته بر اصول ضد مارکسیست و غیرعلیع مائویسته دون استوار است .

تبیینات پکن نشان میدهد که خط مشی عمومی دولت درباره رشد و تکامل داخلی جمهوری توده ای چین تغییر نکرده و همان خط مشی ایست که مائویسته دون در مال ۱۹۵۸ جانشین تصمیمات هشتمن کنگره حزب کمونیست چین (سال ۱۹۵۶) نمود . اکنون سیاست اقتصادی رهبران چین مطابق "خط مشی استراتژیک" مائویسته دون ، یعنی "آمادگی برای جنگ و

آمارگی برای مقابله با بیلههای طبیعی "آشکارا در خدمت تدارک جنگ قرارگرفته است. این خط مشی بوسیله "جدیدترین" رهنمودهای مائوتسه دوں مشکل زیرمشخص شده است: "باید پناهگاههای عمیق ترکند و غله بیشترز خبره نمود".

اگر خطرخطه نظامی واقع‌جمهوری توده‌ای چین را تهدید میکرد، در این صورت آن فداکاری که دارودسته مائوتسه دوں از مردم چین می‌طلبمند، میتوانست قابل درک باشد. بطوریکه میدانیم، اتحاد شوروی که تاد و مین جنگ جهانی در محاصره سرمایه داری قرارداشت، بسیاری ایجاد وسائل دفاعی نیرومند، آگاهانه به محرومیت‌های فراوان تن داد. ولی چین توده‌ای از همان روزهای نخست از مشتبهانی و حمایت تمام کشورهای سوسیالیستی برخورد اریود. سپه‌هستهای شوروی، چین رانیز مانند سپرکشوارهای سوسیالیستی از خطرتجاز و امیرالیستی بنحوی مطمئن محفوظ نگامیده است. هیچکس هرگز تردید نکرده است که چین زمانی که در صوف متعدد کشورهای قدرت و نیروی نظامی را شته باشد. ولی جمهوری توده‌ای چین زمانی که در صوف متعدد های وسیع برادر رقیار داشت، بخش عده منابع خود را در راه اعتلای اقتصاد ملی و بهبود وضع متعدد های را مستحب مرم مباریمید. اکنون مائوتسه دوں و هوادارانش نسبت به مخلق خود خیانت دوگانه ای را مستحب شده‌اند. اولاً، چین را ازد وستان و متعددین طبیعی خود، یعنی از کشورهای سوسیالیستی جد اکرده اند و ثانیاً، با تسلی به دروغ فتنه انگیزد رباره "خطرشمال" کشور را به مسابقه تسلیحاتی مشکی و هسته‌ای نکانده و خلق چین را به محرومیت و فداکاری عبت محکوم کرده‌اند.

هزینه‌های نظامی چین در سال ۱۹۷۲ بیش از نیک سوم بود جهه دلویت جمهوری توده‌ای چین را تشکیل میدارد. حتی جوزف آلسوب، روزنامه نگار اجتماعی امریکا و ستایشگر جدید پکن که قول خود در جمهوری توده‌ای چین آن چیزهای را که "هیچکی از بیگانگان ندیده اند" مشاهده کرد داشت می‌ویسد: "اکنون تمام رشد اقتصاد چین به علت اولویت مطلق و کاملی که برای رفاهی قائل شد ماند در چاراختلال شده است رشته‌های هواپیما سازی، تولید موشک و تجهیزات نظامی و هر آنچه که بانیروهای مسلح چین ارتباط دارد، برای استفاده از تمام منابع صنعتی، ازفولاد گرفته تا ماشین‌آلات، حق تقدم دارند" ("واشنگتن پست"، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۲).

اکنون ۲۰ سال است که مواد عدمه خواراکی و کالاهای مصرف عمومی در چین جیره بندی شده است. می‌بینیم جیره بندی نه فقط تضعیف نشده، بلکه بر عکس شدت یافته است. میزان جیره بسیار کم است. سهم سرانه غلات (برنج، گندم، ذرت وغیره) که بیش از ۸۰٪ مواد خواراکی یک چیزی عادی را تشکیل میدهد، از ۹ تا ۲۰ کیلو ورغم نباتی (نوع عده مواد جزوی که در چین مصرف می‌شود) از ۱۲۵ تا ۲۵۰ گرم در راه است. جیره سرانه پارچه‌های نسخی نیز از ۵ تا ۹ متدری رسال است. چند سال است که در چین خانه سازی و ساختان بنای‌های فرهنگی و عمومی انجام نمی‌گیرد.

سطح زندگی در روز استایزان زیاد پائین تراز شهر است. دستمزد متوسط کارگران در شهر میان ۵۰ تا ۶۰ میان در ماهنوسان دارد، ولی در روز استایزا، حتی در غصه ترین نواحی کشور، مجموع دارآمد پیک زحمتکش از ۱۵ - ۱۳ بیان تجاوز نمیکند. در "رهنمودهای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین" درباره توزیع رکعون‌های خلقی کشاورزی" (۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱) اعتراف می‌شود که در بعضی نواحی دهقانان تمام محصول را "تا آخرین ذرت قصیم می‌کنند و تمام به مصرف نمی‌سازند" و در برخی دیگر با وجود افزایش تولید جمعی، دارآمد اعضا "کمون افزایش نمی‌باشد" و در بعضی نواحی دیگر خانوارهای روستائی فراوانی وجود دارد "که نیازمندی‌های آنان تامین نمی‌شود". کا هش تولید کشاورزی در سال ۱۹۷۲، تامین اهالی شهرها و روستاهارا از لحاظ خوارهار

د شوارتکرد . دستگاه تبلیغاتی چین از زحمتکشان میخواهد که "اگر کار نمیکنند ، کفتر بخورند " (خونتنسی ، دسامبر ۱۹۷۲) .

شرایط در شوارزندگی زحمتکشان فقط ناشی از عقب ماندگی اقتصادی کشور نیست و بیش از آن مخلوق ناکام در رشد اقتصاد ملی جمهوری توده ای چین در نتیجه سیاست نادرست مائقیست هاست .

رهبران چین که افزایش قدرتمندی - صنعتی خود را بالای همدجهز قرار دارند ، حل مسائل پفرنج تجدید تولید وسیع و آنگ رشد و سرمایه گذاری در اقتصاد را شواره میسازند .

در جمهوری توده ای چین قانونمندی های ساختمان سوسیالیسم مانند ایجاد صنایع بزرگ معاصر و پرها به آن تجدید سازمان تولید کشاورزی ، اقتصاد ملی مبتنی بر پیمانه واحد در مقام سراسرکشی ، تامین رشد طبق برنامه و هماهنگ اقتصاد بمنظور ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان ، اجرای پیگیری اصل سوسیالیستی توزیع یعنی "از هر کس بر حسب استعدادش و بهر کس با انداده کارش " ، از مسخر خود منحرف شده اند .

فقدان برنامه علمی درازمدت و دستگاه منظمه دنی ریزی تاثیر پسیاریدی در وضع اقتصاد جمهوری توده ای چین باقی گذارده و باعث تشدید ناهمانگی در میان رشته های تولیدی و در داخل این رشته ها گردیده است . در چین مهندس و تکنیسین و کار رعلی باندازه کافی وجود ندارد . به یکسلسله از اشکال صحیح و معقول سازمانی در اقتصادی اعتماد میشود .

در شواریهای دائم اقتصادی ، پکن را به برخی اصلاحات جزئی در شیوه های رهبری اقتصاد ناگزیر میسازد . از اخبار مطبوعات چنین پرماید که برای احیاء برنامه ریزی اقتصاد ملی کوشش های انجام میگیرد ، به رعایت اصل بازگانی در موسسات تولیدی ، به نقش متخصصین و تحکیم انضباط در کارویروس های تکنولوژیک توجه پیشتری میشود و برخی موارد بازگشت محدود به اصل تشوهی مادی زحمتکشان تجویز میگردد . این تدبیر تاریخی معینی به افزایش شرمنش تولید کل میکند . ولی این تدبیرهای مکنده و نایابی انجام میگیرد ، زیرا با اصول اساس مائقیست هاتا تقاض دارد . در چین برای برانگیختن فعالیت تولیدی اهالی بیشتریه شیوه های سیاسی و اجریارادی متولی میشوند .

بطورکل سیاست که مائقیستها از آن پیروی میکنند ، محل برای این امید باقی نمیگذارد که موجودین این سیاست را یند نزد یک به مسیر تکامل پیگیر سوسیالیستی بازگردند . تردیدی نیست که مقای اشکال مالکیت دولتی و تعاونی ، امکان تکامل جامعه چین را در مسیر سوسیالیستی بطور عینی تامین میکند . ولی این امکان فقط در صورت میتواند تحقق یابد که سیاست اقتصادی رهبران چین واقعا سوسیالیستی باشد .

تاكتیک اصلی مائقیسته دن و داروسته اش در زمینه سیاست

اجتماعی بر تقصیم بندی مصنوعی زحمتکشان و ایجاد اختلاف منافع

میان قشرها و گروه های مختلف آنان مبنی است .

در مرور طبقه کارگر : هنگام " انقلاب فرهنگی " از کارگران جوانی که

در کار خود مهارت کم داشتند گروه های "تسائوفان" تشکیل شد

که برای درهم شکستن سازمان های حزب و دولت و سرکوب مبارزه کارگران قدمی که خواستار بهبود وضع مادی و تامین حقوق سیاسی وغیره بودند ، نقش " واحد های پیوش " را ایفا میکردند .

از میان دهقانان تعاونی ها گروه باصطلاح " دهقانان فقیر و قشریائینی میانه حال " رابطه

مصنوعی جدا کرده اند و دهقانی متعدد روابط تعاونی ها قرار نمیدهند .

سیاست اجتماعی

مائیست هار رچین

(مائوئیست ها این نوع تقسیم بندی را از زمان اصلاح ارضی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۲ حفظ کردند)

برمود کارکنان حزبی و دولتی : مائوئیست ها هنگام "انقلاب فرهنگی" گروه "کار رهای انتلای" هوار ارخود را از سایر کارکنان جدا کردند و آنان را همراه با نظامیان و "نمایندگان توده ها" در کمیته های انقلابی "متخلک نمودند و در عین حال اکثر کارکنان حزبی و دولتی را در معرض غشای و تضییق قرار دادند.

برمود روشنگران : میان "ملumat و دانشجویان انقلابی" واکتریت قاطع زحمتکشان کار فکری که به نظر مائوئیست ها "حاطین نظریات بورژوازی" هستند، خط فاصل کشیده مشود از داشت جویان واحد های خون وی بین تشکیل گردید و "ملumat و دانشجویان انقلابی" ماوراء، انتقاد و تجدید سازمان "شدند".

وضع طبقات اصلی جامعه چین ماهیت سیاست اجتماعی مائوئیست ها را کاملاً نمود ارمیساز تعداد کارگران و کارمندان در چین تقریباً ۴ میلیون نفر است که در حدود ۲۰ میلیون نفر آسان پاتولید بزرگ و بیش از ۲ میلیون نفر نیز با تولید کوچک سروکاردارند. پراکنده کی قابل ملاحظه طبقه کارگر و مهندسرازان شئت سیاسی میان آنان که مائوئیست ها موجد و پشتیبان آن هستند، طبقه کارگرا از اقدام متعدد و یکپارچه بازمدیدند.

اندام سازمان های طبقاتی کارگران در جریان "انقلاب فرهنگی" یعنی برانداختن حزب کمونیست چین بمعنای حزب مارکسیستی - لینینیستی که با پذیرش پیشا هنگ را ایفا کند و نیز برانداختن اتحادیه ها وارگان های انتخابی دولت که قانون اساسی جمهوری توده ای چین برای کارگران نقش رهبری در آن قائل بود، اهرم های واقعی اعمال تاثیر طبقه کارگر در رحیمات سیاسی کشور آنان باز استاند. اجرای شمار عوام ریبانه ای که رهبری مائوئیستی چین در سال ۱۹۶۸ تحت عنوان "طبقه کارگر باید هم رهبری کند" مطرح کردند بود، عمل فقط به ایجاد باصطلاح "واحد های انتخابی اندیشه های مائوئیست" دون "مدد و گردید". طبقه کارگر را بایجاد سازمان سیاسی جدید برپنیاد مائوئیسم، سازمانی که حزب کمونیست چین نامیده مشود، و در فعالیت "کمیته های انقلابی" که جانشین ارگان های حاکمیت توده شده است، هیچ گونه نقش رهبری نداشته است.

طبقه کارگر چین کاملاً حق را در که از خط مشی رهبران کنونی پکن ناراضی باشد. کارگران همراه با ازدست ران اهمیت سابق خود را زندگی سیاسی جامعه، آزادی فردی در انتخاب شغل و محل کار و مسكن را نیز ازدست را داده اند. فقط عقب مانده ترین بخش کارگران یعنی افرادی که دارای رشد سیاسی نیستند و اخیراً از رستاها به موسسات آموزه اند و کارگران غیر مهار از میان تساوی فان ها و خون وی بین ها میتوانند تکیه گاه مائوئیست ها را می بینند و طبقه کارگر باشند. مائوئیست ها ظاهرا به ضعف مواضع خود بین مردم اند و باینجهت برای تحکیم آن گام های معینی برمیدارند.

افزایش دستمزد کم در آمد ترین کارگران یعنی کارگران غیر مهار و عقبمانده در سال ۱۹۷۲ به همین منظور انجام گرفت. مائوئیست ها از کارگران قدیمی ظاهراد عوتمیکنند که "نقش رهبری سیاسی" خود را در موسسات تحقیق بخشنده و در کاروان اضباط از خود سرمشق نشان دهند. ولی این دعوت ظاهری که با کمک علی برای تحقق آن همراه است، تغییری در ماهیت امر بوجود نمی آورد.

د هقانان اکثریت مطلق جمعیت کشور را تشکیل میدهند. در رستاها نیز زیرخی اقدامات سیاسی و اقتصادی مائوئیست ها، نظیر تبلیغ رائی برای "تشدید مبارزه طبقاتی" و انتقال عده کثیر "جوانان تحصیل کرده" از شهرهای نواحی رستا شد وغیره، ناراضی مشاهده مشود. سیاست اجتماعی مائوئیست ها به برهم خورد ن اتحاد طبقه کارگر و هقانان منجر می شود.

وهدش ایجاد جدائی میان این دو طبقه است . مائوئیست‌ها از پیوند اقتصادی میان شهر و روستا جلوگیری میکنند . به دهقانان توصیه می‌شود که طبق نمونه راج ژا برای تامین حواچن خود به مسائل فنی و کود و غیره ایجاد صنایع بپردازند و به کارگران توصیه می‌شود که طبق نمونه اتسمن به کشاورزی بپردازند و خود را از لحاظ غله تامین نمایند . طبقه کارگر امکان رهبری دهقانان رااردست را دارد است .

رهبری چین میکشد چنین و انعود سازد که انتقال عد مکثی از اهالی شهرها به روستاها ، موجب "برافتادن مرزها میان شهر و روستا" میگردد . ولی اصل "اسکان دائمی" شهری هار روستاها نشان میدهد که مائوئیست‌ها هدف را پرگزی دارند . روستای چین باعقب ماندگی فرهنگی و تکنیکی خود برای مائوئیست‌ها بثابه آن "سلول ایدآلی" جامعه است که سکونت را آن خود بخود افراد را در روح موردنظر مائوئیست‌ها تربیت میکند . حتی مطبوعات خود چین ناگزیرند اعتراف کنند که اعزام شهری‌ها به روستاها ناراضایتی مقابله شده را وروستاییان را برمیانگیزد . این نیز باعث تضعیف اتحاد کارگران و دهقانان میگردد .

روشنفکران قشرکوجک را تشکیل میدهند و ده آنان در حدود ۱۰ میلیون نفر است . مواضع این گروه اجتماعی (از جمله کارکنان استگاههای حزبی و ولتی) درنتیجه "انقلاب فرهنگی" و تضمین آن ناشی از آن بمراتب ضعیف تر شد . مائوئیست‌ها اکنون نیز با وجود "اعاده حیثیت" برخنس از نمایندگان روشنفکران و کارکنان قدیمی ، بن اعتمادی خود را نسبت به روشنفکران نهان نمیکنند . "تجدد پر تربیت" روشنفکران بوسیله کارگران و دهقانان و سرمازان که در روابط بمعنای "شمتشوی مغزی" در روح مائوئیسم است ، مانند گذشته ادامه دارد . میان کارگران و دهقانان بطور مخصوصی حس تحفیر نسبت به روشنفکران برانگیخته می‌شود . میان مردم چین این عقیده بطور وسیع شیوع یافته است که "روشنفکریون" ، کاری است خطرناک . بعلت تعطیل شدن اکثر مدارس عالی چین در دروران "انقلاب فرهنگی" چند سال است که کار روشنفکران چین تکمیل نمی‌شود .

با آنکه اعلام شده بود "انقلاب فرهنگی" چنین "ضد بورژوازی" را رد ، بورژوازی علاطمه ای از آن ندید . بورژوازی هنوز هم درآمدی کمپرکار می‌تلقی نمی‌ست ، بدست می‌آورد ، پعنی باست سرمایه‌ای که در اختیار داشت گزاره پنج درصد بهره ثابت حقوق گراف را بیافت می‌کند و سازمان‌های سیاسی خود را به صورت "احزاب و گروههای دموکراتیک" حفظ کرد . وزن مخصوص نمایندگان بورژوازی می‌درارگان هاش نظیر "کمیته دائمی مجلس نمایندگان خلق سراسرچین" و "شورای سیاسی خلق چین" درنتیجه برکارشدن عدد ای از نمایندگان حزب کمونیست چین کفحت فشار قرار گرفته بود نه حتی افزایش یافته است . بورژوازی عامل تغذیه تمایلات ضد سوسیالیستی بوده ، تاحد و معینی اقدامات ضد سوسیالیستی را رهبری میکند .

دیکتاتوری دموکراتیک خلق که در قانون اساسی چمپوری

دیکتاتوری نظامی - بوروکراتیک

توده ای چین تسجیل شده بود و رهبران چین در ساره آن سخنان خوب و فراوان گفته‌نوشته اند ، اکنون در چین

دارودسته مائوتسه دون

بدست فراموش سهده شده و دیکتاتوری ضد خلق نظامی - بوروکراتیک دارودسته مائوتسه دون که در جریان انقلاب

فرهنگی "وجود آمد ، جانشین آن شده است . این دیکتاتوری با تمام خصائص خود هنوز هم باقی است . قانون اساسی چمپوری توده ای چین که در سال ۱۹۵۴ از طرف مجلس نمایندگان خلق سراسرچین تصویب شده بود ، لگد مال شده است .

حاکمیت سیاسی در کشور بمرکزت بسوروکراتیک می‌تلقی شده است . قدرت سیاسی درست

مایوتسه دون و گروه کوچکی از هوارداران اوکه برآرتش و دستگاههای تضییقی و میلیتاپیس ویراستش شخصیت مایوتسکی هستند، متکریزده است.

رحمتکمان چین علا فاقد حقوق هستند. ارگان‌های دولتی (جامع نایابندگان خلقی) پیش‌بینی شده در قانون اساس منحل شده‌اند. غالیتین ارگان قانونگذاری جمهوری توپ طای چین یعنی مجلس نایابندگان خلق سراسرچین پیش از ۸ سال است (پیش از دوره که تشکیل نشده است. دولت کنونی جمهوری توده‌ای چین در تمام این مدت برخلاف موازین قانون اساس پرسکاربوده است.

کاراداره‌هایی دولتی هنوزهم دستخوش اختلال است. پکسلسله از مقامات مهم. ولتسی از جمله ریاست جمهوری توده‌ای چین وزارت دفاع بدون سرپرست باقی مانده است. سیاری از اداره‌های دولتی دروضع نامعلوم بسرمهیرند، زیرا جریان تجدید سازمان دستگاههای دولتی هنوزیا یا نیافته است.

در رهاره اجلاسیه‌منعقد مجلس نایابندگان خلق سراسرچین که طبق تصویب نهیمین بیرونی نوم دوم کمیته‌مرکزی حزب کمونیست چین (سیماه‌رسال ۱۹۷۰) مهیا بست برگزارشود و "پاگوی تمايل گرم مردم سراسرکشور" بود، هیچگونه خبررسی وجود ندارد. کمیته دائمی مجلس نایابندگان خلق سراسرچین نیز علا تعطیل است. نه نفر از ۱۸ صهافون رئیس کمیته ائمه مور انتقاد قرارگرفته و از صحنه سیاسی "ناپدید شدند". چنین سرنوشتی دانشگران نفر از ۶۶ عضوکمیته دائمی مجلس نایابندگان خلق سراسرچین گردید. بطوطه‌که میدانیم لیوشائسی، رئیس جمهوری توده‌ای چین از مقام خود خلع گردید و تحت فشار و تضییق قرار گرفت.

حیات‌کشی‌مردانه کشته تحت کنترل دارودسته نظامی - بروکراتیک مایوتسه دون به برآرتش مکنی است، قراردادار. ارتش مشکل ترین و بانفوذترین نیروی سیاسی کشور است و کادر رسانی رهبری حزب و دستگاه دولتی بطوطه‌ده از میان نظامیان تعیین می‌شود. نایابندگان ارتش هنوزهم در کمیته‌مرکزی حزب کمونیست چین اکثریت دارند و در دستگاه‌مرکزی دولت مقامات مهم را الفال می‌کنند.

در سایر نواحی کشور نیز همین وضع مشاهده می‌شود. رهبری ۲۲ کمیته‌حزب و "کمیته انقلابی" ایالات (از ۲۹ کمیته) درست نظامیان است. از سیماه‌رسال ۱۹۷۱ درنتیجه تصفیه طرفداران لین پهائو و نفر از دیگران اول و دوم کمیته‌های ایالتی حزب کمونیست چین از کاربرکسار شدند و نظامیان جای آنان را گرفتند.

نگران مایوتسه‌ها از اینکه مبارزه علمیان نظریات سیاسی که "مخالف اندیشه ها و خط مشی مایو" است به متایج مورد نظر نمیرسد، کاملاً مشهود است. تصادفی نهست که اکنون این سخنان ریاکارانه مایوتسه دون شعاراً صلح خط مشی سیاسی مایوتسه‌ها را تشکیل می‌دهد: "باید در راه اتحاد گام ببرد اشت و نه در راه انشعاب، باید صدق و صریح بود و به توطئه و تحریک نهاد اخた". میتوان گفت که "خط رانگار" رائی دروضع سیاسی چین هنوزهم باقی است.

برکارانگروهی از فرماندهان ارتش پهلوی‌گی لین پهائو از صحنه سیاسی در پاییز سال ۱۹۷۱ نتیجه انفجار تراوه رهبری داشتند میان رهبران چین بود. یکی از وزیرگاهای عده این حادثه این بود که این پاره مبارزه پیش از همیان رجال سه‌گانه رهبری چین یعنی مایوتسه دون و چوئن‌لای و لین پهائو نجام می‌گرفت.

در گسترش این حواله برعواطل صراف شخصی و ذهنی و همچنین مبارزه غیراصولی در راه به دست آوردن قدرت، شبهه‌های بخورد مختلف به نحوه اجرای رهنمودهای سیاسی نهیمین

کنگره حزب کمونیست چین نیز که سیاست ضد شوروی و مبارزه با حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب مارکسیست - لینینیست و مبارزه علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی ، محور اساسی آن را تشکیل میدهد ، نقش مهم داشت . رهبری کنونی چین به سرکردگی مائو تsesه دون چوئن لای از سیاست ضد شوروی خود برای تغییر سنتگیری در سیاست خارجی جمهوری تude ای چین بسود فرب استفاده میکند .

"هران ماه میتاه" سال ۱۹۷۱ هرای تکامل وضع سیاسی چین عواقب درود رازی داشت . برکناری بسیاری از فرماندهان ارتش و تصفیهای که در ارتش آغاز شد ، قشraphای و سیعی از ارتضی راکه با پیشیانی لین پیشوای مقامات رهبری رسیده بودند ، در صرف اپوزیسیون قرارداد . انشعاب در میان مقابله عالی مائوئیست که به صورت "حادثه لین پیشوای" بروزنمود ، مائوئیست هارا در داخل خوج کشور بی اعتبار میسازد و میان مردم چین نسبت به پایداری رژیم مائوئیست بی اعتقادی بوجود میآرد . برکناری لین پیشوای وکیل پیشوای برکناری چن بود اکه مکی از زهبران "انقلاب فرنگی" بود ، به مضع اید ٹولویزیک و سیاسی مائوئیست ها ضربه جدی وارد ساخت . درین ناگزین نسخه که بسیاری از نساندی راکه طی چند سال متوالی بمنابه اسناد عمده تفسیر کنند "اندیشه های مائو" خوش میباشد ، از میان مردم جمع آوری کنند .

ماونه دون چوئن لای برای مبارزه بالین پیشوای هوارانش ازنا خشنودی "پائیمن ها" از اینکه از میان مقامات رهبری حزب دولت را بدست گرفته اند (میان قشraphای و سیعی از کارکنان قدیمی اید عقیده وجود داشت که "ستاند ارتش آزاد پیش خلق چین جانشین کمیتهرکزی حزب کمونیست چین شده است ") و نیز از قاتم میان رهبران نظامی و خصوص میان کسانیکه درستگاه مرکزی و دشمرستان ها کار میکردند ، استفاده میکردند .

حزب کمونیست نوساخته چین برمیانی اید ٹولویزیک و تقویت و سازمانی مائوئیسم . استوار است و دارد و ستد مائویسته دون از آن بمنابه ای باز اقدرت شخصی استفاده میکنند . در میانه ترکیب این حزب باید گفت که رهبری کنونی چین میکوشد تفوق کسانی راکه در روح مائوئیسم و شووینیسم عظمت طلبانه بروزیش را فتح کرد . تبلیغات اید ٹولویزیک و سیاسی (مکی از این کارزارها اکنون زیرشمار "انتقاد رویزیونیسم و اصلاح میکنند) ، پذیرفتن اعضای جدید از میان "فعالین انقلاب فرنگی" ، در داخل حزب تامین کند . حزب کمونیست چین از لحاظ ترکیب اجتماعی خود پیش از همه یک حزب دهنگی است . با اینهمه ، مائوئی هوارانش همیشة از این می ترسند که این حزب حدید نیز از اطاعت آنان سرمه بچد و با بدست یک افزارکسیون هائی که میخواهد از حزب برای سرکوب دیگران استفاده کند ، بیفتند . علت تصفیه ها و خانه های هایی بیان د رکمیته های حزبی نیز رهیمن نهفته است . عقیده اعضای کمیتهرکزی ، با آنکه از میان "وفادرترین" مائوئیست ها انتخاب شده اند ، هرگز مورد توجه مائویسته دون چوئن لای نیست . از میان ۲۲۹ نفر اعضا و مشاورین کمیته مرکزی که در نهضت کنگره تشکیل شد ، فقط نام ۱۰۰ نفر در صحنه سیاسی کنونی چین بچشم میخورد .

ایجاد حزب برمیانی مائوئیسم هیچگونه تغییر اساسی در مکانیزم حاکمیت سیاسی کنونی چین بوجود نمی آورد . از نام حزب کمونیست چین و اعتمادگذشته آن برای پرده پوش رژیم نظایری - بورکراتیک موجود و تثبیت و تحکیم نظام سربازانه ای استفاده میشود .

مائوئیست های جوانان که ۴۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند ، توجه خاصی می دوی میدارند . آنان را در روح شووینیستی ضد شوروی تریتیمیکنند و برای تهدیل جوانان به جهیان بلا اراده سیاست مائوئیستی با تما نمیر و کوش بعمل می آورند . مطبوعات چین در رهبری تشکیل کفرانس

های اتحادیه جوانان در ایالات و شهرستانها و ایجاد ارگان‌های رهبری جدید آنها اخباری منتشر می‌کند.

برای ارزیابی وضع کنونی جمهوری توده ای چین، مسئله اعاده حیثیت کار رهائی کدرد و روان بثباته نموداری ایجادگشت چین به درون پیش از انقلاب فرهنگی "از زیابی می‌شود. مائقیست هاره راهه آزادی "کارکنان سابق حزب دو ولتی، از جمله کسانیکه مرتبک" اشتباها سیاست جدی "شد" بودند، تبلیغات تهرسروصدایی راه انداده است. تبلیغات چین اکنون مدعا است که لیتوشاوتتسی ولین پیام‌رسانی اعمال فشار و تضییق بر کار رهابوده است. "اعاده حیثیت" کارکنان رهبری ارگان‌های مرکزی جنبه‌کمالاً انتخابی دارد. در اسناد کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در راوراق تبلیغاتی گفته می‌شود که اعاده حیثیت فقط شامل آن کار رهائی می‌شود که مرتبک "خطا" شد مولی خود را اصلاح کرده است. عذرخواهی از کار رهاد رشمار "روزنیونیست های ریشه دار" را اصلاح ناپذیر آدمه اند که از آنان اعاده حیثیت به عمل نخواهد آمد. برای پسیاری از کار رهای قدیمی بازگشت به موسسات بمعنای اعاده حیثیت کامل آنان نیست، زیرآنان هنوز هم مانند گذشته از لحاظ سیاسی مورد اعتقاد نیستند. فعالیت و رفتار این افراد تحت نظر کار رهای جوان و "مطمئن قرار دارد. آنان موظفند که رانش و تجریه خود را در رهبری عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی در کمترین مدت در اختیار این کار رهای بگذارند.

سیاست رهبری چین در مورد روشنگران و پیش از همه در مورد مهندسین و تکنیسین‌ها و کارکنان علی نیز در سیاری از جهات بهمین نحو است. از عدد معینی از داشتمدنان و معلمان و مهندسین و تکنیسین ها که در زمان "انقلاب فرهنگی" تحت پیگرد بودند، اعاده حیثیت شده است و آنان را به کار روانه کرده است. ولی مائقیست ها هنوز هم به روشنگران بددیده هن اعتمادی مینگردند و فعالیت آنرا شدیداً اکنون می‌کنند و در "مدارس ۷ ماهه" و در درجه های مختلف آموزش آند پیشه‌های مأموریتی دارند. "غیره به اصلاح ایده‌لوییزیک آنان می‌پرسند.

باید خاطرنشان کرد که جلسه‌سقعن از کار رهای قدیمی بمعنای بازگشت به سیاست گذشته نیست. از کار رهائیکه اعاده حیثیت شده در رهله اول بثباته متخصصین استفاده می‌شود که باید در خدمت در اردو سنه نظاری - پوروکراتیک بر هبری مأموریتی دارند قرار گیرند.

مائیست هارزمان "انقلاب فرهنگی" آشکارا ای سیاست شوینیزم عظمت طلبانه ملت هان پیروی می‌کند و از خلق های غیرهان می‌خواستند که از سنن و آداب و رسوم ملن خود سربا زینند. مائقیست ها به کار رهای ملی ضربه جدی وارد ساختند. شو و نیسم علی مائقیست ها، میان ساکنین نواحی مل از یکسوچیمنی هاک هان از سوی پیگ نشاد های مل ساکنند، و پطور عده در نواحی وضع افزوده است. اقتصاد مناطقی که در آنها اقلیت های مل ساکنند، و پطور عده در نواحی مرزی جمهوری توده ای چین قرار ارنده با هنگی کند تراز اقتصاد نواحی داخلی چین رشد می‌پابد. زیرا راین نواحی به مهانه "خطر تجاوز خارجی" واحد های صنعتی بزرگ و پاکامل ایجاد نمی‌شود. تضییقات نظامی در مناطق ملی بعراقب بیش از سایر نواحی است. واحد های نظامی تبلیغ اند پیشه های مأموریتی دارند "ناشرین عده" خط مشی مأموریت در راین مناطق هستند. پخش عده جوانان تحصیل کرده "ای که از شمیره های نواحی ملی کوچ داره می‌شوند، از ملت هان هستند. خلق هایی که از ملیت هان نیستند و زندگی ملزمه های اتحاد جما همیرشوری سوسیالیستی و جمهوری توده ای مغولستان زندگی می‌کنند، بیزور از محل زندگی خود کوچانده می‌شوند. گاه خلق هایی را که در سرزمین واحد زندگی می‌کنند، از هم جدا می‌سازند. مثلاً سرزمین ناحیه خود مختار مغولستان

داخلى به پکسوم کاهش یافته استوپکي از ایالات تبت به ایالت سینتسنیان واگذار شده است . در سیاست شوونیسم عظمت طلبانه ملت هان که هدف مستحیل کرد ن اجباری سایر طبیعت ها و تدبیر تعقب ماندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آنان است ، در واقع تغییری حاصل نشده فقط اشکال و شیوه های اجرای آن تغییر کرده است .

در جمهوری توده ای چین به عواقب مهلك " انقلاب فرهنگی " درآموزش علوم و فرهنگها یا ندارد . کشور هنوز هم باکمود جدی کارهای متخصص مواجه است . اصول و مقررات اداری شدیدی همچنان برخیات فرهنگی کشور سلطط دارد . اتحادیه ها و سازمان های هنرمندان فعالیتی ندارند .

ماشویسم با سوسیالیسم علمی خصوصت عمیق دارد و با آن در تفاوت است . قطع پیوند رهبران چین با مارکسیسم - لنینیسم و تحقق دگم های ماشویستی که بخصوص در چین " انقلاب فرهنگی " نمود ارگدید ، برای رشد اقتصادی و فرهنگی کشور عواقب سیاسی و خیزی به آوارد . کوشش برای تحقق اندیشه های ماشویستی ، بهره شکل ورنگی که انجام گیرد ، بهنحوی اجتناب ناپذیر عمیق ترشدن بحران ماشویسم و تشتبه بیشتر صفوی هوا و اران آن منجر خواهد شد . تلاشی که برای اصلاح کار ، بدون امتناع از اصول بنیادی ماشویسم ، بعمل می آید ، فقط ناهنجاری های موجود را عقیقت میکند و حل معضلات را که در راه ابرکشور قراردارد ، به معنویق میاندازد .

میاست سوسیالیمال - شوونیستی گروه ماوتونسته درون به امر سوسیالیسم در چین زبان ظهیر موارد ساخت . دیکتاتوری این داروسته نظامی - بوروکراتیک ، در واقع روینان سوسیالیستی جامعه چین را بزران کرد وزیرینای سوسیالیستی جامعه را که در رساله اولین برنامه پنجمالیه در چین پایه گذاری شده بود ، مصحح نمود و عقیقاً مختلف ساخت .

پایان دادن به انحرافات تاریخی موجود در چین و خروج ازین بسته که ماشویست ها کشور را پنهان کشانده اند به مسامع فراوان نهاده اند . ولی علمی غتمامساعی ماشویست ها ، آنان قادر نیستند کچخ تاریخ را به عقب بازگردانند ، اگرچه نهاید چشم را براین واقعیت فروخت که آنان تاریخ را جمعیت توانستند تکامل سوسیالیسم را در چین ترمذکنند . اگر بمسئله از نظر و رنما تاریخی پنگریم ، بدیهی است که در پیروزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سخنرانی خود در راه " پنجاهمین رفیق بزرگ " ، دیرک کمیته مرکزی حزب سوسیالیست " خاطرنشان ساخت : " مامیخواهیم چین را یک سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " خاطرنشان ساخت : " مامیخواهیم چین را یک دلت شکوفان سوسیالیستی به بینیم و همراه آن در راه صلح و طیه امپریالیسم مبارزه کنیم . ولی این کارچه وقت انجام خواهد گرفت - بخود چین وابسته است " .

اکنون دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی ، ضد کمونیست ها

ونیز انواع اپورتونیستها و روزیونیست ها و رجاله های ضد

انقلابی برای مبارزه اید تولوزک و سیاسی علیه مارکسیسم -

د رنچ ستابیشگران ماشویسم لنهینیسم در " جبهه واحدی " متحد شده اند و برای این کاراز

ماشویسم و مسئله چین نزد همگیرند . تمام آنان ضمن تحسین

و تمجید از چین ، کشورهای سوسیالیستی را بصور مختلف لکه دار میکنند و میکشند " ایدال " تازه ماشویستی را در نقطه مقابل این کشورها قرار دند . باید تاکید کرد که ماشویست هانه فقط از این وضع بطور فعال استفاده میکنند ، بلکه به بسط این گرایش بهتر طرقی کلک میتوانند . ماشویست ها با پرده هوش اصول منفور " انقلاب فرهنگی " و انداختن گاه به کردن " دغل کارانی از نوع لبوشاوشنی " ، می کوشند ما هیئت فعالیت خود را به کمک شعارهای نوساخته از دید های پنهان دارند .

رویزپوئیست‌ها و مرتدین واپورتونيست‌ها رنگارنگ میکوشند از راه تحسین و تمجید به حد از ما شو وسیاست او، "الگوی چینی سوسیالیسم" را در مقابل تجربه انترناسیونالیستی سوسیالیسم جهانی و سوسیالیسم علمی کنند. ستایش "انقلاب فرهنگی" و چین ماثوئیستی محوراً اصلی بیان است ایدآلیزه کردن ماثوئیسم را تشکیل میدهد.

زندگی نشان میدهد که اکنون ماثوئیسم بمعنایه یک نوع مد تازه نه فقط میان رویزپوئیست‌ها، بلکه در میان خد کوئینست‌های سوگند خورده نیز بسط یافته است. و این امر نباید موجب شکفتی گردد، زیرا آراستن ماثوئیسم پرسوهای سیاسی جاری در جمهوری توده ای چین کاری است که به دشمنان سوسیالیسم دریی اعتبار ساختن سوسیالیسم علمی پاری میرساند. هرگز تصادفی نیست که آنست کوئینست کوئینیسم از تمجید ماثوئیسم و تبلیغ پلورالیسم و "اشکال علی" کوئینیسم و انواع "الگوی" های سوسیالیسم برای برهم زدن وحدت جنبش جهانی کوئینیستی استفار میکند.

مثلثاً گارودی معتقد است که "انقلاب فرهنگی" که ماثوئیسته دون شخصاً موجد و مجری آن است (نکته ای که تبلیغات چین بشدت روی آن تکیه میکند)، اقدام بزرگی برای حمایت ازد موکرآسی در مقابل "مسخ بوروکراتیک سوسیالیسم" بود. گارودی این "انقلاب" را که در رواج آثارش و جهالت پروری صفت‌شخصه آن بود، تکامل بعدی "خط مشی ماثوئیسته دون درباره باختصار بوروکراسی نوین" که شکل دستگاه بوروکراتیک حزبی بخود گرفته بود "ارزیابی میکند. گارودی به تحسین بیدار گری های خون‌واری بین هاوسکوب حزب کوئینیست و ترور میلیون ها کوئینیست و کارگر و روش‌نگر چین میپردازد و این اعمال را حق "تحقیق ابتكاراتاریخی" توده‌ها" مینامد. گارودی از این ساخته‌های ذهنی خود نتیجه‌گیری میکند و تیکوید: "انقلاب فرهنگی مرحله دشوار ولی ضرور برای ایجاد سوسیالیسم در چین است".

در باره این داوری‌ها یعنی پایه چه میتوان گفت؟ فقط یک چیز: گارودی برای توجیه ارتاد از خود حاضراست حتی از شیطان، بشرطی که علیه احزاب کوئینیست و مارکسیسم - لنینیسم برخیزد، به تعریف و تمجید بپردازد.

ضد کوئینیسم که در تبلیغات خود در هه‌سال بود به سوسیالیسم تهمت‌وافترمیزد، اکنون ناگهانی هواره "الگوی چینی سوسیالیسم" از کار آمده و از "انقلاب فرهنگی" بعلت آنکه گواهندش "جلوگیری از احیا" سرمایه داری است به ستایش میپردازد. البته قضاوت ایدئولوگی های ارتقیان امپریالیستی در باره "جلوگیری از احیا" سرمایه داری شکتمانی نماید. ولی اگر یا من مسئله توجه کنیم که جدا آنچه کوئینیسم از "انقلاب فرهنگی" و بخصوص از آخرین مرحله تکامل اوضاع در جمهوری توده ای چین که چرخش به راست مشخصه آن است، چنین به تحسین پرداخته است، همه‌چیز در جای خود قرار خواهد گرفت. آنچه کوئینیسم از پرسوهایی که در چین میگذرد به علت سه دستاورد آن تمجید میکند. بدین معنا که این پرسوهایا به ماثوئیسته دون امکان دادند تا مقاومت طرفداران بسط مناسبات با سکورا براندازد، ۲ - از تاثیر و تغذیه که نمونه شوروی ساختن سوسیالیسم در چین داشت، خلاص شود، ۳ - سیاست میتنی بر توسعه مناسبات با غرب را آغاز کنند. حال مفهوم این نوع ارزیابی طبقاتی بورژوازی از "انقلاب فرهنگی" کاملاً روشن و آشکار میگردد.

مسئله ارزیابی "انقلاب فرهنگی" ماثوئیستی و مرحله کوئی در تکامل جمهوری توده ای چین به مسئله مبارزه سیاسی بسیار حادی هم در چین و هم در عرصه جهانی بدل شده است. بدون تجزیه و تحلیل صحیح این پرسوهایا در چین نمیتوان سیاست داخلی و خارجی چین را در شرایط کوئی بدقت ارزیابی نمود + مارکسیست - لنینیست های نمیتوانند راین مسئله موضع پیطری فداشتند.

باشد .

تمام این‌ها ایجاب میکند که به موظیفه افشاری پیگیر تشوری و پراتیک مائقیسم مقابله با فعالیت انسان‌بگرانه پکن در را بر جاهد کشورهای سویالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و جنبش آزادی بخش ملی ، توجه کامل مهدول گردد .

مائقیسم دشمن آشتی ناپذیر سویالیسم است . باینجهت احزاب طارکیست - لئنیست با مبارزه قاطع با آن نه فقط از منافع جهانی کمونیستی و کارگری و از منافع سویالیسم جهانی دفاع میکند ، بلکه وظیفه طبقاتی و انتراسیونالیستی خود را در قالب زحمتکشان چین نیز بجا می‌آورد و در را ممکن دارد سویالیستی چین بمبارزه بر میخیزند .

چین مائقیستی دشمن جنبش انقلابی است

روزنامه " اوریان - ژور " منتشره در لبنان مینویسد :

" چین که توجه عمد خود را بمارزه اتحاد شوروی متوجه کرده است ، به جنبش انقلابی در جهان عرب ضربات جدی وارد می‌سازد " .

" الندا " روزنامه دیگر لبنانی مینویسد :

" از آنچه سیاست خارجی جمهوری توده ای چین برای این دشمنی با اتحاد شوروی مبتنی است . این سیاست نیتواند دشمن جنبش انقلابی و جنبش رهائی بخش ملی در سراسر جهان نباشد " .

برخی جوانب تجارب انقلاب کوبا^(۱)

روزهای اول زاگویه کوبا پانزده مین سال انقلاب خود را برگزار کرد . این زمان از دیدگاه تاریخ زمانی است کوتاه ولی برای آنکه اهمیت خوب شرایط و کمال آشکار سازد زمانی است باندازه کافی رسا .

انقلاب کوبا نایشگریک چرخش تاریخی در تکامل قاره امریکای لاتین است . این انقلاب سرآقا مژحله‌نویی از جنبش انقلابی در این بخش از جهان است . با این انقلاب خلقهای امریکای لاتین باین نتیجه قطعی رسیدند که برای پایان دادن به سلطه امپریالیسم ، امکان واقعی دارند و بین ازانکه آزادی ملی و اجتماعی خود را بدست آورند ، میتوانند در راه ساختمان سوسیالیسم گام گذارند . این قاره عظیم که تا این اواخر قرقاوه انحصارات امپریالیستی بود ، اکنون به صحنۀ مبارزات روزافزون طبقاتی مبدل شده است .

رویدادهای اخیرشیلی و برخی دیگر از کشورهای امریکای لاتین بروشنی نشان میدهد که رگرگونیها ای انقلابی با مقاومت سرسرخت نیروهای ضد انقلابی و در درجه اول مالکان بزرگ و وزرواژی بزرگ (که از حمایت مستقیم انحصارات امریکائی برخوردارند) روبرو میشود . با اینهمه در این واقعیت که در سیر تکامل تاریخ امریکای لاتین بسوی آزادی ملی و سوسیالیسم در پیشرفت است نمیتوان تردیدی پسخود راه داد .

عناصر تاریخی - جهانی و ملی

در نتیجه بوجود آمدن این وضع تاریخی ، کشور کوبا ، که جزیره کوچک است و سابقاً در رویداد های جهان نقش بوشی ایفا نمیکرد ، اکنون به پیشانگ دیگرگونیهای عمیق اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در قاره امریکای لاتین بدل شده است . خلق کوبا تحت رهبری پیشانگ انقلابی خود یعنی حزب مارکسیست - لنینیست ، اندیشه‌های مارکسیستی - لنینیستی را بر شرایط و واقعیت شخص امریکای لاتین انطباق پذیریده و می بخشد . انقلاب کوکا که احکام بنیادی این آموزش را عملاً به ثبوت رساند ، سهم خود را در راه غنی ساختن تثویر مارکسیستی - لنینیستی از جهت عوضه را شت اشکال نوین پیکارانقلابی زحمتکشان در مرحله کنونی تکامل جامعه بشری ، ادانموده است .

انقلاب که با خشناگیستی جریان دامن گستره‌های انقلابی در عصر ما است و کی از حلقات پرسه جهانی گذار از سرمه‌ای داری به سوسیالیسم ، و درین حال یک پدیده عیناً ملی است . انقلاب که با عنصر جهانی - تاریخی ویژگیهای ملی را بهم مرتبط می‌سازد و نتیجه کاریست عطی

(۱) - این مقاله در مجله "کمونیست" ارگان تثویریک حزب کمونیست اتحاد شوروی نشریافت . ترجمه فارسی آن از ترجمه آلمانی منتشره در "نویسن ویجلاند" (۲۲ مارس ۱۹۴۴) انجام گرفته است .

آموزش مارکسمیستی - لینینیستی انقلاب است . رفیق فیدل کاسترو در راتباط با این مسئله گفت شنید: "انقلاب که بنا کار تقدیر و روایا مججزه سیاسی و اجتماعی نیست که از واقعیت دنیا نکوشی و از آند پیشه های که در محافل سیاسی مورد بحث قرار گیرد ، جدا نباشد . انقلاب که باره آورده فعالیت اگاهانه و پیغمبرانه ایست در رهایانگی با قوانین تاریخی جامعه بشری " .

که بنا ی پیش از انقلاب نیز مانند بسیاری از کشورهای امریکای لاتین ، کشوری بود در مراحل متوسط تکامل سرمایه داری . مناسباً تولیدی سرمایه داری نه فقط در صنعت ، بازرگانی ، ساختهای ختمان و وسائل نقلیه تسلط داشت ، بلکه برکشاورزی نیز مسلط بود . درنتیجه این امترضار بهین کاروسرمایه ، تضاد عده جامعه که بنا بود و پرولتاپیا و پوزوازی طبقات اختصاص عده در راین پیکار . در عین حال منظره عمومی جامعه سرمایه داری در کوبای ارادی یک سلسه و پیوگرهای مشخص شده بود که بنا چار مهر و نشان خود را بر روندانقلاب بر جای میگذاشت .

در زیر سوچ امیریالیسم امریکا

که با کف خود را در تراز سایر کشورهای امریکای لاتین از بوغ استعمار اسپانیا آزاد نمود ، در آغاز قرن بیستم بین از اولین کشورهای بدلت شد که بهزیریوغ امریکار آمد . سیستم استعماری امیریکا لیستی بر حیات اقتصادی که با مسلط شد . یکی از مشخصات که بنا این بود که سرمایه گذاری های خارجی به نسبت سرانه به غالیتین سطح درجهان رسیده بود . بطوطیکه سرمایه گذاری انحصار امریکائی در شب انقلاب به یک میلیاردد لا رمیرسید . سرمایه امریکائی معمتمین و پر رآمد ترین شاخه های اقتصاد که بنا با خود اختصاص داده بود . کوبای سخوش تاراج بیشترانه امیریالیسم بود . تنهای رسالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۴۶ جمع سودی که از کوبا بهگا و صندوق های موسسات امریکای شمالی سرازیر گردید ، به ۶۰۰ میلیون دلار بالغ میشد ، در حالیکه خساره کوبای از مبارله ناپراپر بازگانی با ایالات متحده امریکا تنهای ره ساله قبل از انقلاب بالغ بیک میلیاردد لا رمیرگردید . این تسلط امیریالیسم امریکائی از عزل عده عقب ماندگی اقتصادی که با است . سیستم تک فرازور (مونوکولتور) که از طرف امریکائی بکشور تحمیل شده بود ، همچنان تسلط داشت . نیمه از زمین های قابل کشت که نیشکرها خاص داشت و ۴۵-۳۰ درصد را رآمد می کشور از صنایع قند تامین میگردید و قند ۸۰٪ صادرات کشور را در پر میگرفت . یکی از مشخصات که بنا قبل از انقلاب زمین داری بزرگ با اتفاق نیافرود یضم " بود . پیش از انقلاب ۴۶٪ از جمیع زمین های قابل کشت به ۱۵٪ مالکان بزرگ تعلق داشت و موسسات امریکائی بزرگترین مالکان بودند که یک پنجم از جمیع زمین های قابل کشت و آباد کوبای را راحتیار داشتند .

سیستم لا تیفوند یسم بمنابعه باری گران بر اقتصاد که سانگینی میگرد و این طلت عده هقبانندگی کشاورزی بود . سیستم لا تیفوند یسم طور عمل میگرد که قسمت اعظم روسستان شنینان کوبای رفقرزندگی میگردند . این سیستم رشد بازارهای داخلی را محدود میگرد ، امری که مواعظ اضافی در راه تکامل اقتصاد می کشود بوجود می آورد .

در عین حال سیستم لا تیفوند یسم جهت مشخصی داشت که اقتصاد این جزیره را از اقتصاد سایر کشورهای امریکای لاتین متمایز نمینمود . این ویژگی نمایشگر کشاورزی فشودیست نبود بلکه نمایشگر کشاورزی سرمایه داری بود که فرم های آزاد را میگرد و ارتضی عظیم از کارگران کشاورزی بوجود می آورد . روسستان که با بطور عده از پرولترها تشکیل میشند که با اصلاح وسائل تولید و یا تقویت یا بکل غارت شده بودند و گتیرای زمین های که روی آن در کاروکوش بودند ، میاره میگردند ، بلکه بیشتر در جهت خواسته ای که برای طبقه کارگر شاخص است : یعنی در راه اشتغال داشتی ، در راه ایجاد

شرايط کارشناسیته انسان و مزد هار لانه می وزیدند . درجه عالی تشکل پرولتاریا صنعتی بعدها سیاری برای آنها سرمشق و نمونه بود . این ویژگی از آنجمله سبب شد که دگرگونی در روزتا ، پس از پیروزی انقلاب نه برآسان تقسیم زمین های بزرگ میان ره قنان ، بلکه درجهتی انجام پذیرد که بتوان برای آن اقتصاد دولتی را بنانهاد . تاراج امیریه استی ، لا تیفوند یسم و ساختار (استروکتور) یکجانه اقتصاد موجب رکود مژمن و بدیده های بحرانی در اقتصاد کوچک دید که سنتگینی بار آن برد و ش توده رحتمتکشان قرارداد است .

در روزتا که ارش عظیمی از بیکاران وجود داشت که در رسالهای پیش از انقلاب بالغ بـ
۵۰۰ هزار نفر بعنی تقریباً یکچهار مجموعه روی کارکشوار راه رمیگرفت .

بوزاروازی ملی یعنی صاحبان صنایع بارگانانی که با سرمایه خارجی پیوند نداشتند از شمار انحصارات امپکانی که مانع از تکامل صنایع ملی و تحصیل سود بهشت آنان میشدند ، رنج میبرد . تنها درسته کوچک از لایتفوند یست ها ، صاحبان صنایع قدیم ، بارگانان و بانکداران بزرگ ، سیاست باران خود فیوش و قشرهای فوقانی روحانیون و نظم امیان از وضع موجود در کوچارضی بودند . آنان در زندگی مللی که از نتیجه استثنا رحتمتکشان (باشتراك با سرمایه خارجی) بددست آورده بودند . غوطه می زند .

پرولتاریا رهبری انقلاب را بددست گرفت

تضا ناشی از استثنا راه امیریه استی و لایتفوند یسم و نیز تضاد ناشی از سلطنت نیروهای ارتجامی و ضد موزاتیک برحیاتکشور (که باشیوه های اعمال زور و ترور از نظر احتماری دفاع میکردند) حدت فراوانی کسبکرد . حل این تضاد های شرط مقدم تکامل کشور مدل گردید . این تضاد ها شرايط کاری اقلاب اجتماعی فرامهم آورد .

انقلاب که این تضاده اقلاب دموکراتیک ، ضد امیریه استی و ضد لایتفوند یسم آغاز گردید . شرکت کنندگان در انقلاب عبارت بودند از : نیروهای وسیع دموکراتیک وطنی که در پیکار علیه رژیم نیمه مستعمره ، نفتکهای منافع اکثریت مردم ، بلکه علا منافع مجموعه طبقه یعنی کارگران ، هقانان شهرهای متوجه بوزاروازی ملی را بطور عینی در خود جمع میکردند . همانگونه که رهبران انقلاب کویا بکرات خاطرنشان ساخته اند در خود ذکر کاست که پرولتاریا شهر و شهر (که پیکملیون نفر را در رمیگرفت) واشنن و تجارب عظیمی در پیکار طبقاتی در خود ایجاد ، بطور عینی نقش رهبری را در انقلاب کویا بعده داشت . در انقلاب کویا پیکار دیگر تایید گردید که در انقلابهای آزاد بخش طی دروان کنونی ، کارگران کشاورزی ، بوزه آن کارگران کشاورزی که نیز است احصارات امیریه استی قرارداد ارند ، نقش مهمی ایفا نمایند . آنها باقی توده رهقانی را با خود بشوی پیکار انقلابی میکشند و اجراء نقش حلقه اتصال برای اتحاد پرولتاریا صنعتی ماد هقانان را بهمده دارند . گذار سریع از مرحله دموکراتیک ، ضد امیریه استی و ضد لایتفوند یستی به مرحله سوسیالیستی یکی از مشخصات انقلاب کویا بود . تجربه کویا بطور مقتضی ثابت میکند که در کشوری که در رهبر پریورت حل مسئله آزادی ملی قرارداد ، نیروهای انقلابی تحت رهبری طبقه کارگران و تکه بوزارهای رحتمتکشان روسانی و قشرهای مترقب روش نفرکاران و باشتیهانی سیستم سوسیالیستی جهانی و چشمیش بین الطی کوئیستی قادرند تکامل جامعه را در راه سوسیالیسم سوق دهند .

تجربه کویا بین تگراین مسئله است که وضع بین الطی دشرايط کنونی اجازه میدهد ، حق در مرحله دموکراتیک انقلاب ، به آن دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی دست زد که تحقق پیکر آن اینکار سهایی توده هارا تقویت میکند ، آگاهی آنها را با ایالات میبرد و آنان را در راه پیکار خاطر سوسیالیسم

متحدد می‌سازد .

هراندازه روابط نیروهای دموکراتیک انقلابی با جنبش کمونیستی در داخل کشورها سیاست سوسیالیستی جهانی محکمتر شد ، به همان اندازه تحکیم انقلاب وگذاریوا سطه آن بر اساس سیاست سیاست متعارف جامعه میگرد .

نقش روزافزون عامل ذهنی

در جریان انقلاب که انتقال روزافزون عامل ذهنی در روند انقلابی در وان ماه پس از تمام نیامن گردید . پایه این روند انقلابی وسعت و عمق بیسابقه نفوذ اندیشه‌های مارکسیست - لنینیستی در شورتود های مردم تمام جهان و نیز کشیده شدن هرجه بیشتر طبقات ، محافل و قشرهای انقلابی به جنبش آزاد پیغام است .

خد مت بزرگ انقلابیون کوہا و رواں آن فیل کاستروهمارت از اینست که آنها با مجتمع به صهاری مسلحانه علیه پیکتاوری پایتیستاپر اختند ، اپتکار تاریخی را زست ندادند و لک جشن و سمع خلق بمنابع اند که در آخرین تحلیل کوہاراد رواهد گرگونیهای سوسیالیستی جامعه روبری کرد .

خد مت تاریخی فیل کاسترو ریاند اختن حکومت جا بهانه در کویاد راین بود که بی وضع را بد رستمی ارزیابی کرد ، و ضرورت تشکل مبارز مسلحانه را در کنفرن و موقع مناسب را برای آغاز آن برگزید فعالیت خلاق گروه فیل کاسترو موجب تحول اساسی در وضع سیاسی و اجتماعی کشور دش و سمع بزرگانی در غلبه عربناصری که تکامل عامل ذهنی روند انقلابی را مدد میکرد ندادشت . فیل کاسترو این هنر اصرد کنده را پسخ نزیرن توصیف میکند :

"از آنجاکه حکومت زیروقتل در ازوسائل مدرن جنگ و پیشیبانی واشنگتن برخورد ایمود ، قوی بود و جنبش کارگری متفرق ، زیرا رهبری رسمی آن در دست گانگسترهاش بود که جسم و روحشان را به طبقه استشارگر فروخته بودند ، احزاب لمپرال - دموکراتیک متحدبند نبودند و هر ایان نداشتند حزب مارکسیست در حال انزوا و مورد تعقیب بود ، ایدئولوژی ملکاریسم را پیچ بود ، خلق نمی‌آمد و اصله داشت نه تجارت نظایر ، پیش از نیمه قرن از عرصه سنن پیکار مسلحانه نمیگذشت و تقریباً بدست فراموش شده بود ، این افسانه بر سر زبانها بود که اجرای انقلاب علیه دستگاه پرقدرت نظامی محل است و بالاخره اینکه افزایش قیمت قند پس از جنگ حیات اقتصادی کشور را رونق داده بود ، بطوطیکه از نزدیکی بحران حادی مانند بحران سالهای ۳۰ که توره های گرسنه و مایوس را بهارزه جلب کرده بود ، خبری نبود ."

پیکار مسلحانه - جنبش وسیع خلق

جنوب قیام کنندگان در کنیا ، با تکیه بر جنبش توره ای ، با هماهنگی با سایر اشکال پیکار علیه دیکتاوری پایتیستار رصیرت کامل خود بحران وضع کشور را شدید کرد و بد ریچ آنرا از وضع انقلابی بسوی انقلاب رهبری نمود .

پیکار مسلحانه پیشا هنگان انقلابی کوہار آخرين تحلیل ، علت اصلی انفجار انقلابی نبود ، بلکه تهاب اعمال محرك روندی بود که موجود را شدت ، عاطی که به تبدیل و سیم سریع وضع انقلابی به انقلاب کمل کرد .

در انقلاب کوہار جوانب نوبن یکی از مهمترین مسائل اسلوبی تئوری و عمل پیکار طبقاتی برولتاریا و انقلاب سوسیالیستی ، یعنی مسئله نقش رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی در پیکار رهبری رای

سوسیالیسم تجلی یافته است .

انقلاب کنیارود و روان سومین مرحله بحران عمومی سرمایه داری انجام شد . در شرایطی که وضع جدیدی در صحنۀ جهانی بوجود آمد و شاخص آن تغییر تناوب نیروها بسود سوسیالیسم واحد به مسابقه جنیش آزاد بیخش جهانی بود و اینکه نقاط تازه‌ای از جهان و نیروها وسیع سیاستی بیش از پیش بطور فعال بآن می‌پوشند .

این وضع عمومی ، تحت شرایط مشخص در کجا ، با مکمل خصلت بسیار هم و پیزه که ممکن گردید . بدین معنی که نفوذ ایدئولوژی ایالات متحده امریکا ، در مرحله پیش از انقلاب ، در هیچ کشوری نیز بکسری جهان باندازه کنایه نبود . ایالات متحده امریکا تکه بر سلط سیاسی و اقتصادی ، نزدیکی خرافیانی و با استفاده از امکانات عظیم رستگاری‌های تبلیغاتی خود تلاش میکرد که حیات معنوی جامعه کویا را طبق نمونه متداول در خود امریکا تنظیم کند . البته این نمونه مشتعل بر اشکال ضد خودشوروی و مکاریسم بود . کمونیست‌های کویا می‌باشد در شرایطی هی نهایت دشوار کار گند . آنها از سوی تحت تضییقات ظالمانه دستگاه دولتی قرارداد استند وازسوی دیگر جمیمور بودند علیه انفراد از توردها که انتقامی و امیریالیسم امریکاتلاش میکردند آنها تحمل نمایند ، مهارزه گندن .

تحقیق مرحله دموکراتیک ، ضد امیریالیستی وارضی انقلاب در این شرایط بوقوع پیوست و گذار کویا به مرحله انقلاب سوسیالیستی (۱۹۰۹-۱۹۶۱) در زیره همیاری دموکراسی انقلابی با جام سرید که بطور عده بوسیله ارتش قیام کنندگان تحت رهبری فیدل کاسترو و سازمان سیاسی آن پعنی سازمان " جنبش ۲۶ ژوئیه " با شرکت فعال حزب سوسیالیستی خلق که حزب کمونیست‌های کویا است ، تشکیل می‌شد . این حزب سهم عظیم در گذازی همیاری داشت .

اتحاد همه نیروهای انقلابی

با آنکه بسیاری از هیران قیام کنندگان و رهبران " جنبش ۲۶ ژوئیه " با اندیشه‌های سوسیالیستی علی آشنای داشتند و این اندیشه مورد قبول آنها بود ، اغلب آنها سبقاً از افراد انقلابی از توجه مارکسیست - لینینیست هان بودند . حق میان آنان کسانی بودند که جهان بین سیاسی معینی نداشتند . در جریان رشد انقلاب و پیزه رفاقت حقوقی زرف دیگرگونیهای اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی که بیشتر متشدید بیکار طبقاتی ، قطب بندی نیروهای سیاسی و پرخورد امیریالیست امریکا منجر گردید ، قشر بندی در میان صفوی دموکراسی انقلابی و تحول ایدئولوژیک نمایندگان به گیر آن بوجود آمد و انتقال قطعی آنها به موقع طبقاتی پرولتاریا آغاز گردید . البته در این جریان وضع عمومی جهان که روز بروزی باشد توحدت بیشتری تحت تاثر منفعت سیستم جهانی سوسیالیسم قرار میگرفت نیز بعیان وسیعی موشیود .

عامل مهمی که بپیزه بجاست بر جسته گردید و نقش مهمی در روند انقلاب ایفا نمود ، فعالیت رهبر انقلاب ، فیدل کاسترو ، این انقلابی بسیار است که بد ون گمراهن برای اجرای دیگرگونیهای انقلابی در کشور تلاش میکرد .

فیدل کاسترو روشی دیگر میکرد که گزاره‌سیوی سوسیالیسم بد ون انتکا محکم بروطیقه کارگر و حزب پعنی حزب کمونیست نصیتاً دید بسازن جام بر سر . او بدین ترتیب اتحاد با کمونیست‌ها را (کاتانیز بسیم خود را رشتم سیاسی قوی و شجاعت کافی سهم عظیمی در اتحاد نیروهای انقلابی کشور اشتند) پی ریزی کرد . بدینسان سوسیالیسم در فرد سخت پیغامبری پیروز شد . نتیجه استقرار همکاری هرجه نزد پکتو و همجانه همتر دموکرات‌های انقلابی با کمونیست‌ها بود .

که در تابستان ۱۹۶۱ — درست پس از اعلام انقلاب سوسیالیست برمان مارکسیسم — لنینیسم اختلاط نیروهای عده انقلابی کشور یعنی "جنیش ۲۶ زوئیه" ، "حزب سوسیالیستی خلق" و "هیئت‌مدیره انقلابی ۱۳ مارس" دانشجویان بصورت سازمان متحد انقلابی تحقیق پذیرفتند سپس بصورت حزب متحد انقلاب سوسیالیستی درآمد و در سال ۱۹۶۵ بنام حزب کمونیست موسوم شد . کمیته مرکزی حزب با ارگانهای رهبری آن : هیئت اجرائیه وهیئت دبیران انتخاب شدند و روزنامه "گرانا" ارگان مرکزی حزب گردید .

بدینسان تجارب انقلاب کویا نشان میدهد که دموکراتهای انقلابی در شرایط معین « در صورت اجرا » پیگیرشی انقلابی برای خود منطق پیکار طبقاتی ، به مواضع سوسیالیسم علی دست می‌یابند . در این زمانه رفیق فیدل کاسترو درست گفته است : " انقلاب واقعی واستقلال طی واقعی در وراث مامتواند فقط بر اصول سوسیالیستی ، ضد امیرالیستی و انتربنادیونیسم متکی باشد " .

در کویا برای نخستین بار در تاریخ پیکار در راه سوسیالیسم ، نه تنها گزارجنش انقلابی دموکراتیک به مواضع سوسیالیسم علی تحقق یافت ، بلکه مبانی مارکسیستی — لنینیستی اتحاد تمام نیروهای واقعی انقلابی کشور نیز قوام گرفت و این امر در واقع با شرکت فعال حزب سوسیالیست خلق بسراجا م رسید .

اما اینکه ، از سوی دیگر ، راه انقلاب کویا پاپکسلسله مشکلاتی توان بود که طی مدت طولانی تاثیرداشت ، پیکار بد روشن شد که قطع نظر از پیشگاهی این پا آن انقلاب سوسیالیستی ، ضرورت رهبری حزب مارکسیستی — لنینیستی جامعه در پیکار برای احراز سوسیالیسم ، یک ضرورت قطعی است .

حزب کمونیست پیش‌اهمیگ عمل می‌کند

حزب کمونیست کویا که حد و هفتاد هزار عضو دارد ، حالا در تمام شیوه ساختمان سوسیالیستی بمتابه نیروی رهبری کنند ، بمتابه پیش‌اهمیگ و رهبرسیاسی جامعه عمل می‌کند و کار عظیمی را در جهت اتحاد پیشتر ایجاد کرده است . سیاسی و سازمانی صفو خود بانجا هم‌رساند و با مراءات تجارب احزاب برادرانشکال و شیوه‌های کارخود را تکمیل می‌کند .

بدون مبالغه می‌توان گفت : یک از علل عده جهش سریع آگاهی اجتماعی در کویا بسود سوسیالیسم ، هم‌ستگی جهانی کشورهای سوسیالیستی ، با انقلاب کویا است . پشتیبانی اثربخش ، پیشانیه و هم‌جانبه اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به کویا انقلابی و مقابله با امیرالیسم ، به خلق کویا کرد تا خود را از پیشداوریهای ضد شوروی و ضد سوسیالیستی که تبلیغات امیرالیستی در همان سال پا ان تحملی کرده بود ، رهایی پیشند .

بهمن اند زمکن کویا در راه سوسیالیسم پیشترفت ، همکاریهای خود را با کشورهای سوسیالیستی تحکیم و تکامل پخته شد و این امر شرایط مناسبتری را برای ساختمان کمونیسم فراهم نمود . حفظ موضع بین المللی کویا ، منافع وامنیت آن ، نه تنها بعیان روز افروزی بوسیله سیاست پیگیر حزب کمونیست کویا و قهرمانی خلق آن تامین گردید ، بلکه بوسیله پشتیبانی و وزنه سیاسی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز تضمین شد . با این اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارتشار انقلابی در کویا بوجود آمد و مجهزگردید تا درست امور راهی موسیالیستی خلق را بطور مطمئن حفاظت نماید . جامعه کشورهای سوسیالیستی سهم بسزایی در حل وظائفی را در که با حل آنها کویا بتواند بر عقب ماندگی اقتداری فائق آید و در اسرع وقت برای مناسیات اجتماعی نوین پایه‌های

مادی — فنی لازم را بوجود آورد . انقلاب سیمای کویا ابطورا ساسی تغییر دارد . یکبارهای همیشه به استثمار انسان از انسان ، تبعیض تواری و سایر معاایب جامعه سرمایه داری خاتمه دارد . انقلاب به خلق کویا حیرشا پستگی انسانی را که بوسیله استثمارگران داخلی و خارجی پایمال شده بود ، بازگردانید و شرایط اجرای مناسبات نوین میان انسان هارا ، مناسبات کمک متقابل و دوستی را فراهم آورد . اتحاد محکم کارگران و دهقانان ، مبنای جامعه نوین شد . اندیشه های سوسیالیسم در شعرورومعرفت خلق محکم جایگزین گردید . حزب کمونیست بهنیروی رهبری و رهنمایی کننده جامعه بدل شد . برای تکامل نیروهای مولدا امکانات بین مانندی فراهم آمد . تنهاد رسه ساله اخیر ، مجموع تولید اجتماعی کشوری سی درصد افزایش یافت . ■

کویای انقلابی ، امروز جزو لا ینفك سیستم جهانی سوسیالیستی و عضوتام الحلق شورای تعاون اقتصادی است . موقوفیتهای ساختمان سوسیالیسم ، عزم جزم خلق کویا برای دفاع از دستاوردهای خود ، سیاست خارجی پیگیر واصولی حزب کمونیست و دولت انقلابی کویا و نیز اتحاد محکم و همکاری وی با اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، همه و همه امکان میدهد کموضع بین الطلی کویای انقلابی مستحکم و خلل ناپذیر گردد .



سوسیالیسم با گامهای مطمئن بسوی پیروزی نهائی خود پیش میرود

"قدرت سوسیالیسم جهانی، که اجزاء آن با پیوند های خلیل ناپذیر تعاون و پشتیبانی متقابل بهم بسته شده اند، آن نیروی عده اقلابی است که در سیر تکامل اجتماعی جهان تاثیر قاطع و تعبین کننده را دارد.

همچنین عوامل دیگری غیر از این قدرت مانند: ۱) پشتیبانی معنوی و سیاسی زحمتکشان همه کشورها و احزاب برای رکمنیستی و کارگری ۲) رامنه و عمق جنبش رهائی پخش ملی ۳) نقش روزافزون کشورهای رشد یابنده در عرصه بین المللی ۴) روش احزاب سیاسی بورژوازی در غرب گه از تحکیم صلح جهانی و همیستی دل و لتهای دارای سیستمهاي اجتماعی و اقتصادی مختلف، طرفداری میکنند، دارای اهمیت فوق العاده ایست . . .

تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی در کشورهای غربی، و رشکست سیاست "همبستگی آتلانتیک" ، تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی ، در مقایسه با رستاورهای زندگی نوین در کشورهای سوسیالیستی و ثبات وضع اقتصادی و سیاسی آنها، برهانی است بر آنکه از سوی آنکه انهدام و تلاشی جهان کهن تشدید میشود و از سوی دیگر جهان سوسیالیسم با گامهای مطمئن بسوی پیروزی نهائی خود پیش میرود".

از مقاله پروفسور س. ساناکویف در مجله شوروی "زنگی بین المللی" تحت عنوان "سیاست خارجی و نبرد عقاید در مرحله کلونی" ۱۹۷۴ ه.

ترانه هائی از چریکهای فلسطین

سرنوشت آوارگان فلسطین در دوران ماسنیوشتی است سرشار از
اندوه و حماسه؛ اندوهی که به حماسه بدل شده است و در ترانه
چریکهای "فتح" ، "عاصفه" ، هردو این غصه‌منزوشتی هم در واژه‌ها
و هم در نواها انعکاسی مخت زیبا، شکفت و لرزاننده یافته است. نواها
را باید شنید. انتقال واژه‌های خلقی و سوزان نیز به ترجمه‌فارسی کاریست
دشوار. با اینحال امید است نمونه‌های زیین بتواند گوشه‌ای ازان عوا-
طف از جان برخاسته را که در ترانه‌های رفعی و انقلابی خلق لسطیعن
منعکس است، ارائه دهد و احساسات نجیب را بسود این قربانیان
ستم امپرالیسم و صهیونیسم که به نبردی عاد لانه بر ضد تجاوز‌گران
مشغولند بیشتر بسیج کند.

ط

أَنَّا قَدْ كَسَرْتُ قَيْدَ مَذَلَّتِي

بند‌های خواری خود را گستم
و آنکه در چیم من بود و مازندهٔ تیره روزی من بود، اوراد رهم شکستم
و زندان خود را پیران کدم و چون طوفانی رهشدم
شعله‌ای هستم که در زیر رفشن شورش ولوله میکنم.
من فزند "فتح" هستم و جز یادان بربل ندارم،
و سپاه پیش تاز او که بازگشت مرا خواهد ساخت.
اوست که شورش خلق مرا برانگیخته،
و اوست که راه بازگشت مرا گشوده است،
فتح - فتح!
اوست که راه بازگشت مرا گشوده است.

أَنَا أَخِي أَنْتُ بِالشَّعِيبِ الْمُضِيْعِ الْكَبِيلَ

من ای بیزاده، آری من ای بیزاده
به خلق اواره، به خلق رتیجیرشده ایمان آوردم.
و سلاح برد اشتم، تا پی از مبارزماندگان ماد اس برد ارند.
و زخوخون خود را منبع ایماری این دره‌ها و جلگه‌ها کردم.
این وامی است بگردن شما،
و وامی را که بحق است نمیتوان ناپرد اخته گذاشت.

إِنْهُمْ يَرَاكُ فِي دُمٍ

خامه ات راباخونم ترکن و وصیت مرا ازد هنم بنویس ،
و به لبانم بنگرکه ترانه می خوانند ،
پیش ازانکه بمیرم .
این امیدهای دل منست که لبانم میخوانند ،
این ندائی است که از زندگی و استان پدران سخن میگوید .
خلق به نبرد روی آورد ،
”فتح“ شمشیر بزم اخته است
خون خاک را بیاری میکند .
خامه ات راباخونم ترکن و وصیت مرا ازد هنم بنویس .
به همه مردان بنویس :
ای براد ران ، ای ارجمندان !
من وصیت خویش را نوشتم ،
این نامه دوران ماست ، این نمود ارسپیده دم ماست ، این پایان شب ماست .
و من در میگذرم اما شماتکمیل کنید
و بردبار باشید . . . و بردبار باشید . . . و بردبار باشید !

ذَقَىٰ، ذَرَبَىٰ، بَلَدَىٰ، إِسْمَىٰ

خونم ، راهم ، شهرم ، نام
نشانم : عرب فلسطینی !
من شعله ای هستم ازانشی سورش ،
من حریه ای هستم که فرو میکوبد ،
من خزانه ای هستم اباشه از باروت ،
من دستی هستم آماده برتوب .
در ”قدس“ ، در ”یافا“ ، در ”رمله“
من سورش سرزمین اشغال شده ام .
اینست آن راه ازادی
که چریکها یش میگشایند .
دشنه برد ست می رزیم
باکارد ، با بیل ،
باموشک ، باتوب ، باناخن .
سورش مسیر خلق است
راهم ، روح ، شهرم ، نام
نشانم : عرب فلسطینی !

من پاید ارم ، من پاید ارم ،
 در سرزمین کشورم ، من پاید ارم ،
 و اگر توشه ام را برسانید ، من پاید ارم ،
 و اگر فرزند انم را بکشند ، من پاید ارم ،
 و اگر خانه ام را بیوان کنند ، در سایه دیوار خانه و بیوانم ، من پاید ارم ،
 و درستی چوب یاد شنه
 درستی درفش
 و اگر ببرند ستم را ، درفش را بدست دیگر میدهم و من پاید ارم ،
 در باغ هبستان خود ، من پاید ارم ،
 با عزم و ایمان خود ، من پاید ارم ،
 باناخن و دندان خود ، من پاید ارم ،
 و اگر بر پیکرم زخمها بسیار باشند ، باز خدمها و خون خود ، من پاید ارم ،
 من پاید ارم ، من پاید ارم ، من پاید ارم ، من پاید ارم ،

اُنايااخي في موطنی رعاخ توصّدت الشّری

من ، ای برادر من ، در میهن خود خرسندم که پر خاک بخوابم ،
 در آغوشتیں گیرم ، بوسه اش بزتم ، از شوق آنکه ببینم ،
 چکه های خون چون شعله است و آن سرزمین را بسیاری میکند .
 اینست راه خلق ما و سپیده ایست که بازماندگان ماخواهند دید .

المَدِ إِلَيْكُمْ يَا ثُورَتْنَا الشَّعْبِيَّةِ

به پیش ، به پیش ای شورش خلقی ما
 مرزی نیست که پویه چریکها درانجفرا ایستد .
 ای شورش ما پیش پیش !
 ای جنبش ما پیش پیش !
 این بانگ خلق است که فریاد میزند — که فریاد میزند قویتراند را
 از پیروزی شورش حمایت می کنیم
 خون من و فرزند انم فدای ان باد !
 پشتیانیم ، پیمان و ریم ،
 زره پاید اری بر پیکرم .
 شورش ما پیمان کارگرو بزرگرو دانشجو است
 بادستی درفش شورش بر فراشته ایم
 بادست دیگر سلاح بزمید ارم .
 به پیش ، به پیش ای شورش خلقی ما !

کشورم، کشورم ۰ سورش تو برد شمن پیوز باد !
 فلسطین ای سرزمین نیاکان !
 بی شک بسوی تو بازخواهم گشت
 پیوزی شورش ازوهای میهنم را برآورد ۰ خواهد کرد .
 فلسطین ای عشق بزرگ من !
 تو آماج و آرنوی منی
 بی شک بسوی تو می آیم تاظلم و دشمنی را برافکنم .
 فلسطین ای گهواره مسیح !
 ای جائی که ندایی محمد دران بلند است ،
 باید این کشور زخدار را به کرد
 و آنرا از لایش دشمنان پالود .
 فلسطین ای تنها امید من !
 بی شک یتو بازخواهم گشت
 افتخار خلق اواره تنها زیر در فشهای رزم ممکن است .
 فلسطین ، خلق تو نامردنی است ،
 و او بخوشی تن در نخواهد داد ،
 و "عاصفه" پیوسته دستیش برسلاخ خواهد بود
 "عاصفه" در اینجا پای خواهد گذشت و زمین دلبند را کشت خواهد کرد
 و خائنان کشور را سرکوب خواهد ساخت .



طرح مسئله

در جستجوی برخی مقولات اقتصادی در ادبیات کلاسیک ما

آثار منثور و منظوم ادبیات کلاسیک ایران که طی قریب هزار سال ایجاد شده، بسیار متتنوع است. این آثار بیشتر شک در عین حال استناد معتبری است برای شناخت تاریخ ده قرن اخیر کشورما و بطور کلی برای آشنائی دقیق با جامعه سنتی ایران که بعی پیشتر از این ده قرن، با تغییرات کواییش، در این آب و خاک دوام آورده و آمیزه ای از تناظر ارتباطی - رعیتی، غلامداری و پدرسالاری همراه با استبداد شرقی و نظام خراج بوده است.

این آثار را میتوان از زاویه های مختلف بررسی کرد: ادبی و لغوی، فلسفی و ایدئولوژیک، تاریخی و جامعه شناسی وغیره. نگارنده یکبار به مطالعه اجمالی برخی از مهمنه این آثار ادبی منثور و منظوم ایران در جستجوی مقولات و مسائل اقتصادی دست زد و این بررسی اجمالی را، چنانکه این نوشته نشان خواهد داد، بی فایده نیافرط است.

توضیح آنکه در قرون وسطی داشت اقتصاد معنای امروزی مادی و نبود. برخی مسائل اقتصاد در "علومی" مانند "سیاست مدن" و "تدبیر منزل" و "علم اخلاق" که اجزا سه کانه "حکمت عملی" (یکی از دو بخش فلسفه) بوده اند، طرح نمیشده است. ولی ازان جاگاه در ادبیات مازندری باتعم رنگ - آمیزی خود منعکس است، حیات اقتصادی و هستی مادی اجتماعی بنا چار انعکاسی روشن و بر جسته دارد و در باره مقولاتی مانند کالا، ارزش، قیمت، پول، بازرگانی و مبالغه، کار و تقسیم کار، مزد، فقر و ثروت و امثال آن در این آثار میتوان اطلاعات فراوان و گاه جالب و اعجاب آوری بدست آورد. بررسی حاضر بنا چار یک بررسی جامع نیست، بلکه نوعی کار آزمایشی است. بررسی جامع میتواند هم مطالبی را که مابدن پرداخته ایم روشن ترکند و هم مسائل تازه تری را مطرح نماید. در باره مسائل مطرحه در این نوشته از جهت تحلیل علمی و طبقاتی سخن بسیاری میشد گفت، ولی با توجه به حجم مقاله ما به ذکر مهمنه این نکات و آوردن امثله ای چند از آثار ادبی بسند کردم، در این امید که خواننده وارد خود از این یاد آوریها سرو شته مطلب را بdest می آورد و مطلب را در نزد خود با تفصیل تجزیه و تحلیل کند. در تنظیم مسائل نیز شیوه مaaa بوده است که ابتدا به مباحث عم اتر بپردازیم و سپس وارد مسائل مشخص ترشیم، در این امید که این شیوه برای خواننده آشنائی با این نوشته را سهل ترمیکند.

فقر و ثروت

خطه ایران پیوسته کشوری غنی و سرشار از محصولات طبیعی و صنعتی بود و این سخنان مفاخره آمیز اسدی طویل در گرگشامی نامه را بناید حمل براغراق کرد:

ز پولاد و فیروزه و از گهر
به ایران، همه هست از اید رفزون

زنان شبه، وزکه سیم و نزد
هم از دیموجامه کونه گون

ولی این سرزمین ثروت خیز، بعلت نظامات اجتماعی طالمانه ای که در آن برقرار بود، نعمات خود را ارزانی کسانی که آفرینند کان ثروت بودند، نمی داشت. در کتاب "آداب السلطنه والوزاره" تصریح می شود که "زمین کنج پادشاه است و کلید آن بدست رعیت" و در حق رعیت نیز مثل سائری بود که "قالی راتابزندید گرد پس میدهد" ، و رعیت راتابزندید بیل : قبل از "بکه" و "تیزگو" اقتصاد دانان فیزیوکرات قرن هجدهم، که برخلاف "مرکانتیست ها" یا سود اگرایان (که بازگانی را منبع ثروت می شمردند) ، طبیعت و زمین راججنین منبعی می انکاشتند ، در آثار شعراء "ماهه اهمیت زمین بمعایله منع عدد ثروت توجه شده است" . این یعنی فریودی که با جماعت زراعت پیشه سروکار داشت در واقع این حکم را که میگوید "التمسو والرزق فی خهای الارض" تا "بید میکند و مینویسد" :

جُسْتَنْ گُوكْرَدْ احْمَرْ، عَصْرَضَايِعْ كَرْدْ نَاسْتْ
زورِ رَخَكْ سَيِّهْ آورَكْ يَكْسَرْ كَيمِيَاستْ (۱)

در باره اینکه فقر یا ثروت کدام بهتر است در بیانات مباحثی است. برخی ثروت را و برخی فقر را بپرشمرده اند. حتی ابوسعید مهنه ای عارف و صوفی می گفت : « غنا فاضل تر که فقر، که غنا صفت باری تعالی است و فقر بروی روانه ». سعدی که در این زمینه، مانند دیگر زمینه ها، نظریاتی گاه ساخت متافق داده است ، در ذم فقر و مدح ثروت از جمله می گوید : « مشغول کفاف ازد ولت عفاف محروم است و ملک قاعع زیرنگین رزق معلوم ». هم در خطاب به درویشی که در مدح درویشی و فقر داد سخن میداد گفته است :

توانگران را وقف است و نذر رومه مانی زکوه و فطره و احتراق و هدی و قربانی
توكی به نعمت ایشان را که نتوانی جزاين دور کنعت آنهم بصد پریشانی
در معایب فقر "مرزبان نامه" مطالی دارد که طنز و گوازه آن پنهان نیست و در واقع نویسنده
در نکوهش ثروت سخن می گوید . از جمله مینویسد :

"مرد مُقل حال را بوقت گفتار، اگر رچکاند بسیارگوی شمند؛ اگر مرا عاتی نماید، سپاً^۱
ند ازند؛ اگر مواساتی ورزد، مقبول نیفتند؛ اگر حلیم بود، به بد دلی منسوب شود؛
اگر تجاصر کند، به دیوانگی موسوم گردند. باز مرد توانگ راچون اندک هنری بود، آنرا
بزرگ دارند؛ اگر اندک دهشی از او بینند، شکر و شنای بسیار گویند؛ اگر بخیل باشد،
کد خدا سر و دانا گویند؛ و اگر سخنی نه بروجه گوید، به صد تا^۲ ویل و تعلیل آنرا
نیکو و شایسته گردانند" (۲).

امدی نیز در نکوهش فقر و فقیران میگوید :

(۱) حکم عربی یعنی "روزی راگرگوشه و کنار زمین خواستاری کنید" در شعر ابن یمین "گوگرد احمر" اشاره آسیت به یکی از ادویه افسانه آمیز کیمیاگری که بادرست داشتن آن تبدیل من به زر ممکن می شد. ابن یمین میگوید خاک سیاه جانشین واقعی گوگرد احمر است ولذا باید زور و تلاش را متوجه آن ساخت.

(۲) این سخنان یاد آور و صعبی است که مارکس در "سرمایه" برای نقش آراینده و پیراینده پبط می آورد.

کسی نیست بد بخت و کم بود تسر
زد رویش نادان دل خیره مصر
نه چیزد اردنه دانش، نه رای
نژند نیست بهره ش بهرد و سرای (۱)

ولی کسانی فقرابرشو ت ترجیح نهاده اند. خواجه عبد الله انصاری در "مناجات نامه" میگوید:
علم برسناج است و مال برگردان غل "نظمی میگوید:

فراوان خزینه فراوان غم است
کم اندوه آنرا که دنیاک است

سعدی آسودگی بی چیزان و مقلدان را بدین شکل توصیف میکند:

نه برآشتی سوارم، نه چوخریزی رارم نه خداوند رعیت، نه غلام شهریارم
غم موجود و پریشانی معدوم ندارم نفسی میکشم آسوده و عمری بسر آرم
و نیز میگوید:

قارون گرفت که شدی در تو انگری
سک نیز با قلاطده زرین همان سگکاست

و شاعر دیگری نداری رالباس عافیت میدارد، نه دارائی را:

چنین زیست وقت مو ختن گفتا به دارائی
ندارائی لیاس عافیت باشد نه دارائی

نظمی میگوید هر که تهی کیسه تراست آسوده شاد و از بی کاروان، که خطرد زدان و حرامیاً
آن را تهدید میکند، تهدید ستان شاد و این میروند و سعدی میگوید: مرد عارف مال گرد نمی آورد و
لذا خاطر شمشوش نیست، ولی دارندگان متعاب بنچار از دزد میترسند (۲) . سرانجام در باره اینکه
برو ت مایه اعتبار و شخصیت انسان است یا بر عکس انسان برشو ت مقدم است نیز شاعران ما گاه
نظریات متفاوتی میدهند. از جمله فرد و می درو صفت "خواسته" یا "چیز" چنین میگوید:

بپرسید دیگر که از خواسته
چه دانی، که دارد دل آرامته
گرامی است، گرچیز خواراست نیز

چنین داد پاسخ که مردم به چیز

*

اگر نیست چیز لختی بورز
که بی چیزک مردانه اند ارز
همان جاه نزد نیست اگر چیز نیست
مروت نپاید اگر چیز نیست

ولی اسدی برآنست که جهان به انسان آرامته است و ارزش خواسته و چیز نیز ازو است:

(۱) جالب است که هم سعدی و هم اسدی برآنند که چون مرد فقیر بواسطه فقر از عهده اجرا" مراسم
مذہبی پر نمی آید لذا "در برد و سرای" دچار نژندی و پریشانی است.
(۲) نظامی: "هر که تهی کیسه ترا آسوده تر" و نیز: "از بی کاروان تهدید ستان - شاد و این میروند چون
مخدی: "آنکم از دزد بترسند که متعاب دارد - عارفان جمع نکردند و پریشانی نیست"

زمانه به مردم شد آراسته
وزاواچ گیرد همی خواسته (۱)

یکی دیگر از مباحثی که در زمینه فقر و ثروت در آثار ادبی دیده میشود ابراز حیرت از فاصله ای است که از این جهت بین مردم وجود دارد و آنچیزی که اصطلاحاً آنرا "تبیعیض" یا "سرتبیعیض" نام نهاده اند. اگر خداوند عادل است پس چگونه چنین افراط و تفریطی را رواداشته و گوهری را غرقه در شعما و جمع کثیری را محروم از اولیه ترین حواچ زندگی پسندیده است. مسعود سعد سلمان با خشم تمام مینویسد :

ورنه بگشود میش بند از بند بیش و کم در میان خلق افتند (۲) وان نیوشده همی ز ناز پرند و آنکه اندک گرفت ناخرسند	نرسد دست من به چرخ بلند قسمتی کرد سخت ناهموار : این نیابد همی برنج پلا من آنکه بسیار یافت ناخشنود یا با باط اهر عربان همد اني میگوید :
--	--

ازاویسم که این چونست و آن چون دگررا : نان جو آلوده باخون ؟	اگر دستم رسد برچرخ گردون یکی را داده ای صد نزار پنعت ناصر خسرو علوی قباد یانی تبیعیص راد و مقیاس وسیعی مطرح میکند و مسئله فقر و ثروت رانیز بمعانی می آورد و مینویسد :
---	--

طینیت انسان همه جمیل سرشتی همچو دل د وزخ و روی بهشتی ؟ را هد محراجی و کشیش کشتنی ؟ چون همه راد ایه و مشاطه توکشی ؟ محنت مفلس چرامست کشی کشتنی ؟	بار خدا ایا اگر ز روی خد ائی چهره روی و روی زنگ چراشد از چه سعید او ققاد و وزجه شقی چیست خلاف اند را فرینش عالم نعمت منع چراست دریاد ریا
---	--

سرانجام این بیت امیر خسرو دهلوی رانیز که بکوتاهی ولی رسائی، تبیعیض اجتماعی را مطرح میکند، یاد کنیم .

یکی گوهر برد بی کندن کا ن
یکی در کار کان کند جان ا

بول و قدرت اجتماعی آن

بعای واره "بول" که امروز متداول است در ادبیات کلاسیک ما واره "زر" یا "سیم" با قضای آنکه بول طلابوده یانقه، بکار میرفته و گاه خود واره "زر" بمعنای اعم بول است. واحد های مشهور بول در ایران که از دوران پیش از اسلام مرسوم بوده عبارتست از: دینار، درهم، پیشیز، دانگ

(۱) طبیعی است این سخن اسدی مقضا د مخن پیشین است. شاعران با قضای حال و مقال و درسیر داستانهای که میسروده اند بننا چارد چارچنین قضاؤتها متفاوتی میشند و این امر تا حدی طبیعی و گزیز ناپذیر است.

(۲) یعنی در میان مردم بیش و کمی ثروت، فقر و غنا را برقرار ساخته است.

وتسو دینارکه پولی بود از طلا، از ریشه "Denarius" لاتینی می‌آید و در آغاز اسلام شکل و طراز ماقبل اسلامی آن حفظ شد و سپس از زمان عبد‌الملک مروان یک "رُونْ بُولِی" انجام گرفت و سکه‌ها رنگ اسلامی بخود گرفت. و زن و عیار دینار را غاز زیاد بود و عیارش گاه به صدر رصد می‌می‌شد، ولی از قرن چهارم هجری آشتفتگی فراوان در عیار دینار و زن آن روی داده که بدان در اشاره و نوشته‌های قرون وسطائی ما اشارات بسیاری شده است^(۱). اوج این "بُحْرَانْ بُولِی" در دوران سلطنت گیخاتو است (۶۹۳ هجری) که به انتشار پول کاغذی (چاو) برای مدتهاست زده شد و در اثر مقاومت مردم، ایلخان خسول و فئیرش صدر جهان مجبور شد نداران دست برد ازند. و از درهم از "دراخما" یونانی است و آن بولی از تقه بود. در عیار درهم تیز از دوران آل بویه غش راه یافته و با افزایش پست آمیخته شد. و از پیش زیبا "Pecunia" لاتینی شاید همراه باشد. "تسو" (مغرب آن "طسوج") و "دانگ" (مغرب آن "دانق")، که گاه بصورت "تنگه" تلفظ می‌شده، همه از اجزاً درهم هستند و از فرزات پست ضرب می‌شده اند.

بول و مناسبتات پولی در ایران، برخلاف اقتصاد قبود الی اروپا، رواج بسیار داشته و نقش بول در جامعه نقشی خظیر بوده است. بدین معنی در بسیاری از نوشته‌های ادبی ما اشارات متعدد شده، ولی از آنکه بدین موضوع بپردازیم، نخست بینیم بول چیست. بول کالای خاصی است که در جریان تکامل تولید کالائی و مبارله از انبو کالا هاجد امیشود و نقشی خاص می‌بینیم که همان اجرا "نقش معامل کل" است. به این نکته که بول نقش معادل کل را ایفا می‌کند متقرران ما، شاید با استفاده از استنباط یونانیان، آشنایی داشته اند. مثلاً خواجه نصیر الدین طوسی در "اخلاق ناصری" چنین مینویسد:

"چون مردم مدنی الطبع است و معیشت او جز به تعاون ممکن نه ۰۰۰ تعاون موقوف بود به آنکه بعضی خدمت بعضی کنند. از برخی بستانند، به برخی بد هند تامکافات و مساوات و مناسبت مرتفع نشود، چه نجار جون عمل خود به صباغ دهد، صباغ عمل خود به او، تکافی حاصل آید. تواند بود که عمل نجار از عمل صباغ بیشتر بود و یا بهتر و بر عکس. پس به ضرورت به "متوسيط" و "مقومی" احتیاج اقتدا و آن دینار است. پس دینار "عادل متوجه" است میان خلق و لیکن "عادلی صامت" است و احتیاج به عادلی ناطق باقی."

سپس خواجه نصیر می‌گوید که آن عادل ناطق انسان است. به باقی بحث ماراکاری نیست، ولی همین نقل قول نشان میدهد که خواجه نصیر بول را "عادل و مقوم متوسط" میدانسته یعنی به نقش معادل کل بودن بول توجه داشته است.

سعدی بیش از دیگرگویند گان مایه قدرت بول در جامعه اشاره کرده است و می‌گوید: "هر که به دینار دسترس ندارد، از همه عالم کم ندارد" و "زیر برس فولاد نهی نرم شود" و نیز: "چه خوش گفت آن تهی دست سلحشور جوی زیسترازینجه من زور"

و نیز:

بی زر نتوان رفت به زور از دریا ورزد اری به زور محتاج نه ای

(۱) مثلاً ناصر خسروی گوید: "زیچون بعیار آید کم بیش نگرد د - کم بیش زری باشد کان با غش و باز هست" مولوی می‌گوید: "طالب زرگشته جمله پیر خام - لیک قلب از زرند اند چشم عام" . این شعر اتفاقاً در دوران رواج غش در دینار و درهم میزسته اند.

به زر برکشی چشم دیو سفید
بدست تهی بر نیاید امید

و نیز : هر که زرد ید سر فرود آورد
ورتازوی آهنین دوش است

و نیز : بی زرنتوانی که کنی باکس زور
ورندر اری به زور محتاج نه ای

و نیز : زرنداری میتوان رفت بزرگ زدن ریا
غزالی در "کیمیای سعادت" میگوید : " هر که زرد ارد همه چیز دارد " و فرد وستی در راهیت
زرنچین مینویسد :

تراهست دینار و گنج و درم
چنان دان که این نتیج تا پشت توست
هم آرایش پادشاهی بود
دقیقی در چکاه معروف خود میگوید :

چوباش درم دل نباشد دم
زمانه کنون پاک در مشت توست
جهان بی درم در تباہی بسود

به دو چیز گیرند مرملکت را
یکی زر نام ملک بسر نیشته
اوهدی "عاشق بیدرم" رازیون میخواند و صادری شهریاری در همین مضمون مینویسد :

یکی تیع هندی، دکتر زر کانی
دگر آهن آبداده یمانی
سئوال کردم کل راکه برکه میخندی
جواب داد که برعاشقان بی دینار

و کمال الدین اسماعیل نقش پول را در پوشاندن معاویت معرفتی و اخلاقی و آراستن صاحب عیب
به فضیلت ها بدین طرز بیان میکند :

گرتخیری، تراز خری هیچ نقص نیست
تام تراست سیم به خوار در خره (یعنی در بار - ط)
و در همین زمینه درباره همین اندیشه سنائی نقش "چیز" (شوت) را برجسته میسازد و در
حدیقه الحقيقة میگوید :

بی را چیز هست خواجه، عزیز
بی ری چیز اکه داشت به چیز

و نیز در همین مضمون مسعود سعد سلمان بالاندو تلخ شکوه کنان مینویسد :
ابلیه کن ! برو اکه تزه فروش تره نفوش دشت به عقل و تمیز

چیز باید، که کار در عالم چیز دارد، که خاک برس چیز
وسرانجام این شعر معروف را در ستایش زر و توصیف قدرت آن، که جمال الدین قزوینی
در "تاریخ گزیده" آورده است و سخت نونه واراست ذکر نمیکنم .

ای زر تنوئی آنکه جامع اللذاتی محبوب جهانیان بهر او قاتی
بیشک توحد انها، ولیکن بخدا ستار عیوب و قاضی الحاجاتی

و مثل سائزی است که "از شعاعی، از مارقادی" و "آمد پول داشته باشد، کوفت داشته
باشد ! " ولی با همه مزاایا بول و مشکل گشائی و معجزتی آن، تعلق آن در شرایط جامعه سنتی
ما پیوسته مایه صداع بود. اولاً بسبیب کثرت دزدان و حرامیان و قابایل چاد رنشین که کارانهارا غارت
میکردند و به شهرهای تاختند و کاروانسراها و تیمهای دیگرند و از ثروتمندان باج

میگرفتند ئاتیا بسبب همدستی شحنگان و عمسان و محتسبان بادزادان و زیرگوشی دائمه آنها ؟
 ثالثاً بسبب خراجها و سپورسات و تحفه های سنگین که پادشاهان و امیران و عمال آنها میگردند
 ستدند اند و بازگنان و دیگر شومند ان را شکلک میگذاشتند و بجوب میبستند تا اقرار به مالداری کنند
 و آنرا عرضه حضور نمایند . اشعار فراوانی از این حالات و حوادث حکایت میکند . مولوی توصیه میکند که
 باید زرخویش را مانند دین خود مقصید مسافرت خویش پنهان داشت که گفته اند : « اُشْرَدَ هَبْلَهُ وَ
 هَلْيَكَ وَ مَذْهَبُكَ » : در بیان این سه کم جنبان لبت از ذهاب و ازد هب و زند هب
 مولوی توجه داشت که فقدان امنیت راهها و کشت حرامیان و غارتیان مانع رونق تجارت است
 و تا امنیت واقعی برقرار نشود ، امکان بسط فعالیت بازگانی نیست . وی میگوید :

شمع تاجرانگه است افروخته که بود رهزن چو هیزم سوخته
 واحدی مراغه ای در منظمه "جام جم" شاه رابه مجازات شحنگان و عمسان شریک دزد و

رفیق قافله تشویق میکند و میگوید :

شحنه کش باش ، دزد خود کشته است
 کشتن دزد بیگنگاه چه سود ؟
 دزد را شخنه راه و رخنه نمود
 دزد باشنه چون شریک بسود
 کوچه ها را عسی چریک بسود
 راه زد کاروان و ده را کُرد
 شحنه دزد مال هرد و ببرد
 به حرامی چو شحنه شد خدان
 مهل ای خواجه کاین زبون گیران
 شهریوران کنند و ده ویران
 امیر خسرو هلوی به شاهان پند مید هد که بنام "خراب" دست به تاراج مردم نزندند و میگوید:
 شناسنده باید خداوند تاج
 که تاراج رانم ننم دخرا ج

نصیحت امیر خسرو مرابیان نصیحت دیگری می اند از ده تفصیلش در "سیاست نامه" خواجه
 نظام الملک آمده است و آن گفتگویی است که مابین احمد بن حسن معنده و وزیر معروف غزنویان با سلطان
 محمود میرود و ما این داستان راعینا از سیاست نامه نقل میکنیم :

"چون سلطان محمود از دعوات خواندن (یعنی خواندن دعا - ط) فارغ شد ، قبا
 در پوشید ، کلاه بر سر نهاد و در آرایه نگاه کرد . چهره خود بدید . تبسم کرد . احمد
 حسن را گفت : « دانی که این زمان در دل من چه میگردد ؟ گفت : « خداوند
 بهترد اند » گفت : « میترسم که مردمان مراد وست ندارند ، از آنچه که روی من نم
 نیکوست و مردمان به عادت پادشاه نیکو روی دوست دارند ». احمد حسن گفت : « یک
 کارمکن که ترا از زن و فرزند و جان خویش دوست ترد از ده و بفرمان تود رآب و آتش
 روند ». گفت : « چه کنم ؟ گفت : « زر را دشن کیر ، تاترداد وست دارند ! »

البته این نصیحت وزیر عیث بود ، هم سلطان محمود وهم پسرش مسعود (به تصريح مکرر در
 مکرر ابوالفضل بیهقی در تاریخ مسعودی) عادت داشتند که بضرب چوب و شنکجه و پهربهانه از
 شرومندان و متمکنین و بازگنان بعل بستانند . زیرا آئین استبداد شرقی آنها را بر جان و مال رعایا
 مسلط ساخته بود . ابوالفضل بیهقی این دسپوتنیسم را در راین عبارت بخوبی بیان کرده است : « جهه
 بر سلاطین گردد . هر کسی را که برکشیدند ، نرسد کسی را که گوید : چرا چنین است ؟ که مامون گفته
 است در راین باب : نحن الدنیا ، من رفتنا ارتق و من وضعنا اضع (یعنی ماجهانیم ، هر کس را
 برکشیم و مقام دهیم ، برکشیده میشود و هر کس را فروگذاریم و دچار خذلان سازیم ، اقتاده میشود - ط)

جو روستم وحشیانه سلاطین و امرا" مستبد پیوسته نه تنه‌ای مایه کساد بازگانی و نهقه شدن زر، بلکه موجب اختلال کامل اقتصاد و دلسردی عمومی و سقوط قیمت‌ها و فراراهمانی میشد. حمد الله مستوفی در "عقد العلى فی موقف الاعلى" این حکایت نمونه وار تاریخی را آورده است:

"اسمعیل گلکی که پادشاه طبع بود روزی از دروازه شهر بیرون آمد، یکی را دید که بزغاله ای داشت و بشهربیزد. امیر گفت: «این بزغاله را زکجا خرد!» ای؟ گفت: «ای امیر! خانه ای داشتم، به این بزغاله بفرختم.» گفت: «سرایی به بزغاله‌ای دادی؟! گفت: «ای امیر! سال دیگر از دولت توبه مرغی باز خرم.»

نظامی در "مخزن اسرار" میگوید:

گر ملک اینست و چنین روزگار
زین ده ویران دهعت صد هزار

در چنین شرایط زد اشن، چنانکه گفتم، مایه در دشنهای بسیار بود، لذا در اشمار کلاسیک ما بسیار به این نکته بر میخوریم که در پیشی و تداری ازانجاه مایه ایمن است بر ثروتمندی مرجع است. از آنجمله:

شکه‌های کنم در این ایام
را نکه چون گل اگر زین بودی
دست گئی مرا نهادی خار
به قیاس جماعت زر دار

امیر خسرو هلوی میگوید:

این بود از شکجه در پیش

زره‌چه که بیشتر بلا بیش

و مکتبی این داستان را که بصور مختلف در کتابها آمده است، می‌آورد:

هم سفر با حکیم دانایی
کز کمین بسته اند زد ان راه
آنچه دارم تمام بستاند
گز داندم این گروهه تباء

بود سود اگری تو انسائی

از قضاکرد شان کسی آگاه

خواجه گفت آه اگر مراد اند

گفت دانای روزگار که آه

ترس از غارتگران و شاهان و شحنگان و حرامیان و تاراجکران، صاحبان زر را به دفینه سازی و امید اشت و زر و سیم و جواهر بخاک سپرده میشد تا ازدست یغمادرامان باشد. شاعران ما به این دفینه سازی بانظر منفی مینگرد و از نشانه ممسک بودن و پر همیز از بخشندگی و علامت بی خردی میدانند.

سعدی میگوید: «سیم بخیل وقتی از خاک بد راید که او خود بخاک رفته باشد» و نیز میگوید:

بزیرزمین در چه کوهه‌چه سنگ

کژا خورد و پوشناید بچنگ

وامیر خسرو هلوی میگوید:

درم در جهان بهر خوس خورد نست

زری را که در گور کردی بـ زور

نه از بهزیرزمین کردن است
چو گورت کند، سر برآزد بـ زور

وابن یمین فریومدی گوید:

گر تعفع نباشد از زر و سیم

چه زر سیم، چه سقال و حجر

واین شعر نیز از وحید قزوینی است:

ز جمع مال ندان نشاط ممکن چیست
که همچوکیسه زرازپرد پگری دارد
وازانین نمونه ها بسیار است.

کالا و بازرگانی

"کالا" یا "متاع" را کشاورزان بمعنی اعم کلمه (باغداران، بستانکاران، بزرگران و امپروران و امیاران یاصیادان) و کانگران (کارگران معدن) و پیشه وران و دستوران (که آنها را "اصحاب خرف" میکنند) و کارگران کارگاهای جولاهم و فرشابی تولید میکردند. یک زمرة مه مولد کالا در خانه هامشغول کار یوتد اعم از روستا و شهر، اعم از زن و مرد که در درجه اول برای مصرف شخصی تولید میکردند، ولی زائد بر مصرف رانیز بصورت کالا برای مبالغه به بازار معرفت شدند.

اقتصاد بطور عده اقتصاد خود مصرفی و طبیعی بود، ولی تولید کالائی یعنی تولید برای مبالغه نیز دامنه محدودی نداشت و نواحی مختلف یک کشور و یا کشورهای مختلف در روش تولید این یا آن کالا پس از مساعدت طبیعت یا بودن سنت ویره تولید کالای معین، شهرت می یافتد و با صلح اموری مانوعی ویره کاری وجود داشته است که موجب مبالغه کالا و بازرگانی نسبتاً وسیع بین شهرها و کشورها میشده است. راههای بازرگانی در رخشکی و دریا و وجود داشته است و در ایران پیش از مغول راه ابریشم که پکن را به بغداد وصل میکرد مهترین راه بازرگانی بود.

از اشارات متعدد در اشعار و در آثار منثور میتوان داشت که گوگرد پارس و پولاد و عود و طفل هندی و برد و عقیق یعنی و مشک تبیق و ختنی و لعل بد خشان و کامه چینی و آبکنه حلبي و ادیم و چرم طایف و دیباخ روم و یا قسطنطینی (ترکیه امروزی) و شکر مصروف خوزستان و قند بنگال و دیباخ شوستر و حیر و تسوی کازرون و کاغذ سمرقد و حصیر دارای گرد و چغندر هرات و زیره کرمان و خر خراسان و خرمای خبیث و هجر و بصره و سره اصفهان و نقش همدان و بیهق و گلاب فیروز آباد و خز شوترو و صابون ترمذ شهرت داشته است. در حکایت معروف سعدی در گلستان شمه ای از ایان شهرت‌ها ذکر شده است و بدین صیب این حکایت رائق میکنیم :

"بازرگانی دیدم که صد و پینچاه شتر بار داشت و چهل بند و خدمتکار سبی د رجزنره کیش را به حجره خوش خواند و همه شب نیار مید از سخنان پریشان گفتند : که فلاں انبان به ترکستان است و فلاں بضاعت به هند و سistan، این قباله فلاں زمین است و فلاں چیز را فلاں ضمین . گاه گفتی خاطرا سکنده دارم که هوای خوش است و باز گفتی نه ، دریای مغرب مشوش است. باز گفتی سعد یا ! سفری د یکرد ر پیش است که اگر آن کرده شود بقیت عمر بگوشه ای بنشیم . گفت : آن کدام سفر است ؟ گفت : گوگرد پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آزم و دیباخ رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبکنه حلبي به یعن و برد یعنی به پارس و ازان پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشیم الخ"

"غش و دمن" در کالا و "بارکدن" یا تقلب کردن، چنانه امروز نیز در بازرگانی ایران متداول است، در گذشته نیز مرسوم بوده و در ادبیات ما اشاراتی بدانست. ازان جمله گواجا جرسخونه را بار مشک میکردند و گوشت گاو را بار زغفران میکردند. در این شعر خاقانی بدین نتیجه اشاره شده است: هرجاکه محروم است خسی هم بدف اوست آری ز گوشت گاو بود بار زغفران

واصولات قطب و "حیل و صنعت کردن" خواه برضد خرد اران، خواه برضد عاملان خراج دولتی رواج بسیار داشته و از آنچه در "تاریخ قم" راجع به حیل و صنعت اعراب مهاجر ساکن قم درامر "مشاهق و جاییت" که پایه تسبیح خراج بود و شیوه های ماهرانه ای که در این راه بلد بودند، حکایات شیرین ذکر شده است.

در برآر قیمت کالا و منشأ آن در اشعار شاعران ماقضاؤ تمها و احکام مختلفی آمده است که بهر صورت بسیار جالب است.

مهمنترین اندیشه ای که در این زمینه دیده میشود آنست که فراوانی متاع باعث ارزانی آنست و کمیابی و ندرت آن موجب گرانی است. اینک امثله ای در این باره :

جامی در "تحفة الاسرار" میگوید :

نرخ متاعی که فروان بود گر به مثل جان بود ارزان بود

کاتبی میگوید :

لب و دهان توصیج جان بهیج نستاند متاع در همه جا کم بهاز بسیاری است
قا آنی متوجه است که ارزانی ناشی از فراوانی میتواند به آن جا برسد که کالا پضرر فروخته شود :
کم شود قیمت کالاچو فروان گردد با فراوانی کالا ضرر آمیخته اند

ابوحنفیه اسکافی میگوید :

ز فر جود تو شد خوارد رجهان زرسیم نه خوارگرد هر چیز کان بود بسیار?
سعدی میگوید :

گرسنگ همه لعل بد خشان بودی پس قیمت لعل و سنتگ یکسان بودی
همو میگوید :

اگر راه هر قطره ای در شدی چو خرمهره بازار ازاو پرشدی
ونیز میگوید :

آبگینه همه جا هست از آن قدرش لعل دشوار است آید از آنست عزیز
سنائی میگوید :

آب نایافته گران باشد

چون بیاند رایگان باشد

اندیشه دیگر آنست که برای تقویم عاد لانه قیمت یک کالا مقوم کارشناس وارد و خرد اهل و صالح لازم است و الامکن است کالای ذی یقیعی، اگر خرد امر بوطه رانیابد، به بهای اندک بفروش رود و بطور کلی اصل دراینچه عامل ذهنی (معرفت خرد ار، نیاز او، آزاو وغیره) است نه فراوانی یا کالا یا مختصات ذاتی آن.

بهین جهت میگفته اند: "شبے فروش چه داند بهای دُرْشِمِن" یا "خرچه داند قیمت نقل و نبات" یا "قد رز رزگر شناسد، قد رگو هرگو هری". سخن حافظ در همین زمینه است:

آه آه از دست صرافان گوهرناشناش
هر زمان خرمهره را با دُر برابر میکنند

در همین معنی کمال الدین اسعفیل میگوید :

حرص توست اینکه همه چیز ترانایا ب است

آز کم کن تو که نرخ همه ارزان گردد!

ناصر خسرو برعکس، حالات روحی و معرفت خرد اراد رقیمت کالا موزن نمیداند و آنرا امری مستقل از این عامل ذهنی میشمرد و میگوید :

قیمت و عزت کافور شکسته نشود
و سعد نیز قیمت را گاه ناشی از خاصیت شیئی میداند و میگوید: « قیمت شکرنه ازین است که
از خاصیت وی است ». و نزد یک بهمنی محنی سنای میگوید: « قیمت درنه از صدف باشد
تیر راقیم از هدف باشد و نیز شاعرد یگری میگوید: »

سفال از طامی زرک نیست در کار ولی گاه گرو گردد پس دیدار
با آنکه راز قیمت را شاعران مانند توانستند حل کنند (بطلبی که حق اقتصاد انان بورزیوار
درک آن غالباً عجز نشان داده اند و چار سرد رگی شده اند)، ولی این مثل را راجحی بوده و هست
که هیچ گرانی بدون علت و هیچ ارزانی بدون حکمت نیست.
پیش از خاتمه این مبحث دو بیت از ناصر خسرو رهمنی زمینه ذکر کنیم و یاد آورشوم که
شاخص غالب اظهار نظرهای اقتصادی ناصر (که اتفاقاً در دیوان او نظایر مش زیاد است) عمق و دید
غیرعادی اوست، از جمله به این دو بیت توجه کنید:

چیزی به گران هیچ خرد مندن خرد
هرگه که بیابد به ازان چیزیه ازان

و نیز:

خرید از دُوارچه باشد بسی
و امام محل فروش کالا در بازارها بود که برخی موسعی و فصلی بود مانند بازار "طرابویں" در بخارا
که بقول نوشخی در تاریخ بخارا ده هزار بازرگان در آن شرکت میکردند و بازار زمستانی ده روژه "شرغ"
و بازار بیست روزه "در رخشه" که آنها نیز در بخارا بود و برخی دانشی از قبیل بازارهای بزرگ (سوق
یاسوک) و بازارچه های مودید انسانهای بارفوشی و تیمجه هاو غیره. در متنباع تاریخی از بازارهای بزرگ،
بازار "ماخ" در بخارا و "راس الطاق" در سمرقد و "روده" در ری ذکر میشود.
بازارهای بزرگ دانشی موافق اصناف و رسته هائی که در آن دکان داشتند به بخشها مختلف
 تقسیم میشد مانند رسته مسکران، رسته عطاران، رسته رسن بافان، رسته خز فروشان، رسته پسته
شکنان و غیره. در برای رسته ها اوصناف و حرف از کتابهای تاریخ و بویه در برایه اصناف دو ران
صفوی "در کتب موسوی به "شهرآشوب" اطلاعات بسیار میتوان بدست آورد و بررسی این مطالب از
حوصله این وجیزه خارج است(*).

در شاعر کلامیک ما یکرشته اشاراتی است که برخی قواعد مهم و متد اول کسب و بازرگانی را
روشن میکند. از آن جمله:

(۱) مؤلق قاعده "تعاشروا کالاخوان و تعاملوا کالاجاتب" (یعنی چون برادران آمیزش کنید و چون
بیکانگان داد و ستد نمایند)، هرگونه گذشت و نرمش برخلاف قاعده سود ورزی در بازرگانی نا-
پسند بود. میگفتند: حساب به دینار، بخشش به خروار، و میگفتند: "وصلت با خویش معاملت
با بیگانه".

در مسخاوت، چنانکه خواهی ده
لیک اند معاملت پسته (مقاومت کن)
ستدو دادر امیش زبون
مرده بهتر که زنده و مجبون

(*) نام برخی حرفه ها در رگذشته با آنچه که امروز رفارسی متد اول است فرق داشت یا حرفه های بود که امروز وجود ندارد مانند کلال (کوزمکر)، کازر (رخشوی)، جولاوه (باقند)، گرای (سلمانی)، معمزاد (لاک)، روشنگر
(صیقل کار)، پای (گیوه باف)، گلکار (اکل گرها)، درزی (خیاطا)، درود گر (نجار)، کانگر (معدنجی)،
بند ارا (اممور گمرک)، لعبت باز (عروسوک باز)، نخلبند (سازنده مجسمه های مومی)، نقشبند
(کسی که با حنا در رکف دست نقش و نگاری گذاشت) و غیره و غیره.

۲) می‌گفتند: "علم بی‌یحث، مال بی‌تجارت و ملک بی‌سیاست را بقائی نیست" ولازمه پیشرفت در تجارت داشتن مایه و سرمایه است و تنها اعتبار و نام تاجر کافی نیست. فرد وسی میگوید:

کسی را که نام است و دینار نیمیت
به بازرگانی کشش یار نیمیت

سعدی میگوید کسی که مایه را بیاد دهد، حق ندارد به سود امیدوار باشد:
به مایه توان ای پسر سود کرد
چه سود افتد آنرا که سرمایه خورد

۳) ناصرخسرو که مایه دقت او در رامورا اقتصادی اشاره کرد یم، لزوم اندازه گیری دقیق درداد و ستد را متذکر میشود و میگوید:

جز ساخته و پیموده نخرچیز، که نیکوست
کردن ستد و داد به پیمانه و میزان

۴) از آنچاکه دزدی به اشکال مختلف واژطرف مقامات و اشخاص گوناگون سخت متد اول بود، مواظیبت نسبت به دزد و دزدی از شرایط مهم بازرگانی است. ناصرخسرو میگوید:
در این بازارگاه پر ز طرار
همه کمن دزدان کلانگهدار

شاعر دیگری میگوید:

چو خواهی که چیز ندزدند کمن
جهان از اهله دزد پندار و بس

۵) از آنچاکه دزدی و طراری و راهنمی و رواج داشت، بازرگانی کاری بود خطرناک و چون قیمت هاتابع عوامل متعدد بود، خطر و رشکست و ضرر کردن بسیار، لذا بازرگان میباشد جسارت و هوشمندی را بایم همراه داشته باشد و در بیانات مایه ضرورت "خطر کردن" یاری سک کردن بازرگانان اشارات زیادی هست. از جمله:

از خطر خیز خطر زیرا که سود ده چهل
بر نهند کر بترسد از خطر بازارگان

یا:

خواهی که ران گور خوری راه شیر رو!
خواهی که گنج زر سپری دنب مار گیرا

در همین زمینه مولوی میگوید:

تاج رترسته طبع شیشه جان
در خطر نی سوددار دنی زبان

۶) خود امر بازرگانی هنگامی موقیت آمیز است که بازرگان بد اندر ره معامله ای و مرحله ای چگونه رفتار کند. مثلاً "هرچه در نظر خواهار آید" نگاهدارد "که روزی بکار آید" زیرا "داشته آید بکار" و رکه بود زهرمار. باید کوشید تاگران نخرید زیرا گران خریدن گران تر فروختن است و این مایه کساد بازرگانی است. می‌گفتند: "بگزاف مخرب تگزاف نماید فروخت" و نیز بدنبال ارزان نباشد رفت زیرا ارزان خری، اینان خری و "گل بگوهر و خربه خیار" نباید داد یعنی از مخبون شدن در معامله باید پرهیزد اشت زیرا "سزا گران فروش نخریدن است". بویشه بقول غزالی در "کیمیای سعادت": "از تو انگر کالا به غبن خریدن نه مزد بود و نه سپاس و ضایع کردن مال بود".

در قابوسنامه توصیه میشود : « هرچه فروشی در وقت رواشی (یعنی رواج - ط. ۰) فروش و از سو^۱ کردن عیب مدارکه لفته اند باید چید (یک معنای چیدن یعنی سود بردن - ط. ۰) آنچه خواهی خرد » و نیز قابوسنامه میگوید : « سر بازگانی (یعنی اصل عده بازگانی - ط.) راستی و دیانت شناختن دان ». منتها واقعیات نشان میدهد که این سر بازگانی ابدا از جانب بازگانان مراعات نمیشود. واله هر چیز شعری دارد حاکی از آنکه تاجری بمحض آنکه خطش برآمد و رسید دید ، باتکا^۲ ریش و دعا^۳ زهد و دینداری و توسل به ریاکاری ، کالا را گرانتر از سایق فروختن گرفت :

خطش برآمد و کالا دار کسادی زد

که گفت: ریش فروشد متاع مردم را

۷) یکی دیگر از قواعد مهم داد و ستد و بازگانی احتراز از نسبیه فروشی و ترجیح مسلم و قاطع نقد پرسیمه است موافق قاعده : « خیرالبیوع ناجزا به ناجز ». میگفتد : « از سود ای نقد بوی مشک آید » ، و در قابوسنامه آمده است : « گنجشکی به نقد ، به که طاومون به نسبیه ». خواجه رشیدالدین فضل الله در نهی از نسبیه فروشی میگوید : « موجود را به مقود و یافته را به نایافته نفروش ». ناصرخسروی میگوید :

به نسبیه مده نقد اگرچند نیز به خرمابود و عده و نقد خار

در فارسی به نقد میگویند « پیشادست » یا « دستادست » و به نسبیه « پسادست ». در این زمینه میگوید :

ستوداد چز به پیشادست داوری باشد وزیان و شکست

وابوشکو بله میگوید :

ستوداد مکن هرگز جذب ستادست که پسادست خلاف آرد والفت ببرد

۸) سرانجام نکته مهم دیگری که در امر بازگانی و داد و ستد توصیه شده است احتراز از شرکت است ! پیداست که شرکا^۴ و انبازان چنان بوسیر همکار خود کلاه میگذاشتند اند که صلاح در ترک انبازی و شرکت دیده میشد و میگفند دست که زیاد باشد برکت کم است و اگر شریک خوب بود خدا هم میگرفت . بیهقی میگوید : « دیگ با همبازان بسیار بجوش نیاید ». در زمینه همین حکم شعر زیرین رامیتوان نقل کرد :

نه یک کمر تواند که سازد دکار که آنرا سندندار بباب هوش

دوکن نیز در لک عمل ضایعند که دیگ شرکت نیاید بجوش

با اینحال سنای برآنست که اگر یاری شرکت در کیسه باشد ، این نشانه برادری صادقانه است و بجانیست که « عمّ جد او کیسه جدا » باشد . روشن است که پند سنای خطاب به بازگانان نیست بلکه در حق خویشان است ، ولی بهر حال از آنچه متنضم نکته ایست درستایش انبازی ، آنرامی آوریم :

به دل آنکه برادران باشید که زر و سیم یا زبر پاشید

هیچ ناید تغیری بیسا تابودم جدا و کیسه جدا

در پایان این مبحث بیفایده نیست بخشی از باب چهل و سیم قابوسنامه را در رباره قواعد بازگانی و پیشه وری که در آن بسیاری از قواعد متداول بازگانی عصر ذکر شده است نقل کنیم . کیکاومن بن اسکندر رنویسنده قابوسنامه مینویسد :

اگر پیشه ور باشی از پیشه وران بازار ، از هر پیشه ای که باشی زود کار و استوده کار باش (یعنی کارت راسیخ و باکیفیت خوب انجام بده - ط. ۰) تا حریفانت (مشتریان - ط. ۰) بسیار باشند و بوقت کار ، کار به از آن کن که همیشگان توکنند و به کم مایه سود (یعنی مسود

مختصر—ط۰) قناعت کن که تابیک بارده باریازده کنی، دوبارده نیم توان کردن . پس حرف را مگریزان به مکام (یعنی جانه زدن—ط۰) ولجاج بسیار تادر پیشه وری مریوق باشی و مردم بیشتر ستد و داد باتوکند. تا چیزی همی فروشی با خرد اربه "دست" و به "جان برادر" و "بارخای" گفتن و تواضع نمودن تقصیر کن تا از تلطف تو خریدار از مکام کردن شرم دارد (می گوید مشتری را در رو در بایستی بیاند از تراچانه نزدیک ط۰)"

کار و پیشه و مزد

ناصرخسرو با اصابت خاص نظر فلسفی خود توجه داشت که نیازمندی انسان به تکامل وسائل معیشت خود مادر اختراع و پدایش اشکال مختلف حرفة ها و صنعت هاست. می گوید:

بدلهانیاز اوستادی قوی است
کن او هر زمان صنعتی را نوی است

گویند گان مامتنعه اهمیت تعاون وسیع اجتماعی از جهت کار مولد و مامتنعه ضرورت عینی تقسیم کار اجتماعی بشیوه خود بوده اند. شاعر متفکر دیگر بزرگ مامولوی این اندیشه را چنین بیان می کند :

هر که او در مکسبی پامی نهد یاری ساران دیگر مدد هد

زانه جله کسب ناید از یکی هم دروگر، هم سقا، هم حایک (حایک = باقند)

چون به انبازی است عالم برقرار هر کسی کاری گزیند زاق تقاضا (از روی احتیاج—ط۰)

طلب خواری در میانه شرط نیست راه سُنت، راه مکسب کرد نی است

(طلب خوار = مفتخار ط۰)

ابوسعید ابوالخیر در لک رباعی زیبانتشان مید هد که بیش از کشیدن یک کمان، چه اندازه کار باید انجام گیرد و چگونه زندگی اجتماعی انسانی بدون چنین تعاون و تقسیم کاری غیر ممکن است :

بی درگاه است، گاود رکھسار است ماهی سریشمین بد ریا بار است

بز درگاه است و توزد ریلغار است: زه کردن این کمان بیمی دشوار است

همین اندیشه مهم انسانی را آخرین شاعر کلاسیک ما ادیب پیشاوری بدین نحو بیان می کند :

زنهصد فزون کارگریا—دی

که تاخواجه رانان بدمست آیدی

یکی از سنن دکراتیک ادبیات ماستایش پیشه و پیشه وری است. این شعر ناصرخسرو معروف است:

به از صانع بگیقی مغلوب نیست ز کسب دست دیگر حاصلی نیست

بروز اند ری سامان خویش است چوشب درخانه شد سلطان خویش است ۰۰۰ الخ

ونیز :

بهین صناع عالم دیهقان است

که وحش و طیر را راحت رسان است ۰۰۰ الخ

وحدی در ستایش پیشه می گوید :

پیشه کاران راست مرداند بهتر از پیشه نیست گرد اند

خنک آن پیشه کار حاجت مند بمک و پیشا زین جهان خرسند

گشته قانع برق و روزی خویش دست در کار کرده سرد رسیش ۰۰۰ الخ

فرد وسی مابین زن رخت شوی و شوهرش گفگوشی ترتیب داده، زن برآنست که آنها دیگر

متعول شده اند و احتیاج نیست که پیشه اد امه یابد، مرداد امه پیشه را بسب فضیلت ذاتی آن ضرور

میداند :

چنین گفت پکریز باکد خدای زن گازر از چیز شد رهنمای
توانگردی ، گرد پیشه مگرد که مابی نیازم ازین کارکرد
چنین داد پاسخ بد و کد خدای که ای جفت پاکیزه رهنمای
همین پیشه خوانی زیشه چ بیش ؟ همیشه زهر کار پیشه است پیش
باهمه ستایش پیشه و پیشه وری ، وضع حرمتشان در جامعه سنتی ماقوی العاده بد و محقق و
فقیرانه بوده و خود آنان در معرض انواع ستمها حق کشیها و قساوتها فرار داشته اند . شاعر نتنه سنج
اوحدی در "جام و جم" توصیفی درباره زندگی هقانان آورده که نظیرش در راد بیات ماکترد یده
میشود و تابلوی روش و دقیقی است از کذ ران غبار رنجبران :

گوشت دهقان بهرد و ماه خورد مرغ بربان چریک شاه خورد
دست دهقان چوجم گشته زکار دهخدا (یعنی مالک) دست نم برده که : آر !
چ خوری تو زد ستواره او نظری کن به دست باره او (دستباره = پیشه
دوسه درویش رفته در دره ی کوواله و بزوی شره دست ط)
شب فاختی که گرگ میش ببرد روز آهی که دزد خیش ببرد
تو (یعنی مالک) پراز باد کرده پشم بروت

که کی آردشبان پنیر و قوروت (یعنی کشک ۰)

چند رقه رد یگران کوشی ؟ بهر خود شیر دیگران نوشی ؟
هند شاه نخجوانی در "دستورالکاتب" نume های متعددی از رفتار فوق العاده خشن ملاکان
و ما موران دولتی باد هقانان ذکری کند و مانعنه ای از آنرا می آوریم : "چون بعضی از ارامی حضرت
(یعنی امیران و ابسته به شاه - ط ۰) و اینا قان (یعنی ندیمان - ط ۰) و متغلبان (یعنی آدمهای
زورگو و قدرتمند - ط ۰) در عزمیت شکار یاد راثنای اسفار (سفرها - ط ۰) به دیه هامیرسند ، رعایا را
به انواع شندید و تعنیف می کنند و گوسفند و تنغار (ظرف نگدم - ط ۰) و شراب و سایر مواد (یعنی
محصولات - ط ۰) ، بیرون مال و متوجهات (یعنی علاوه بروجور نقد - ط ۰) بزور و تحدی می طلبند و
آن بیچارگان از بیم جان و خوف چوب و شکنجه ، مید هند و موال و تجمل رعایا ، متغلبان می برند و
رعایا عاجز و مستکین و درویش میهانند و استعداد عمارت و زراعت نمی ماند ."
طبعی است که بیکاری (که در آثار کهن مگاه آنرا باواره های " مجرگ " و " رایگان " نیز بیان
میکرده اند) برای دهقان و دیگر زحمتشان در دستگاه زورگویان زمانه امری عادی بود ، ولی مسزد
گرفتن در مقابل کار انجام یافته نیز ند اول کامل داشت . ناصخرخسرو گوید :
اگر کاری کنی ، مزدی ستانی جو بیکاری یقین بی مزد مانی
اشرالدین اخسیستی می گوید :

خدمت ناکرده رامزد کسی خواست ؟ نه

آنچه نکرده است کس قاعده نتوان نهاد
سنائی درباره اینکه افزایش مزد نتیجه بالا بودن کیفیت کار است و کارآموخته بنا چار از کار ساده
مزد بیشتری دارد و منظومه معروف خود " حدیث الحقیقت " بیانی دارد که سخت جالب است و می گوید :
آن ستاند مهند من دانا بیکی هه ، که پنج هه بنا

(۱) ابوشکور بلخی گوید : چنین گفت هارون مراروزمرگ مفرمای هیچ آدمی را مجرگ

ابوالحسن شهید بلخی گوید : اگر بگروی تبوروز حساب مفرمای درویش را رایگان

وان کند درد و ماه بنا کرد
با ز شاگرد آن چند بسورد
که نیابد بسالها مازد و
مزد این کم زمذ آن زانست

نه نبیند بسالها شاگرد
باز شاگرد آن چند بسورد
کاین بتن کرد، آن بجان دانست

مولوی در رثمنی به نقش مزد واصول اراد مادید رت شویق بکارتوجه دارد و آنرا بشیوه خود با
بیان میدارد و میگوید: میرود کوک به مكتب پنج پنج چون ندید از مزد کار خوش هیچ
چون کماز کیمه است د انگد ستمزد وانگهی بی خواب گرد د همچود زد
معنای شعر آنست که کوک چون از درس خواندن در مكتب مزد نمی یابد با سختی و ناراحتی و بزرگه مد رسه
میرود، ولی در د کانه از کیمه استاد حتی باند ازه یک د انگ (پول سیاه) د ستمزد می یابد، آنوقت حاضر
است ماتند د زد آن که شب زنده د اری میکند، تاصیح بید ارماند.

وحشی بافقی برآنست که کاره نهی و استاد انه بقد ریگران به است که تعیین بهای آن به زکار عد شوا
وعطی بی هنرمانه است و در اینکارهاتی سفالی که ساخته دست هنرمند است به گوهری ارزد:

بزیخ هنر هست از هنر در چ نیکو گفت آن استاد مشهور
هر آن صنعت که برسنجه بمالی بهای گوهری باشد سفالی

اقتصاد خانگی و رابطه خرچ و دخل

در باره تدبیر منزل چنانکه گفته می داشت، ولی در ادبیات مادریاره "کد خدا - سری" (یعنی لیاقت برای اداره اقتصاد یات منزل و آنچه در روسی و در آلمانی می گویند) و قواعد که بانوی طالب فراوانی است. مهترین مسئله در اقتصاد حفظ ارتباط بین "دخل" و "خرج" یا هزینه بود. در این زمینه "اسراف" و "زیاد روی در خرج حرام شمرد" میشد. در رقا بوسنامه آمده است که "هر آفتش را سببی است و سبب در پیش اسراف" فرد و سری "فشنادن" یعنی اسراف در خرج و "فسردن" یعنی سختگیری و بخلافت بخراج دادن، هر دو اراد موم میداند و میگوید: چود اری بدست اندرون خواسته زر و سیم و اسباب آراسته هزینه چنان کن که باید کرد نباید فشاند و نباید فشرد میانه گزینی بمانی بجای نباید جزا نیکیت رهنمای سعدی میگوید: «دخل آب روان است و خرج آسیای گردان» و این مثال بليغ را می آورد: چود خلت نیست خرج آهسته ترک که می خوانند ملا حان سروی اگر باران بکوهستان نیارد بسالی د جله گردد خشک رو دی نیز میگوید: براز کد خدا از ارا باید گریست که د خلش بود تو زده خرج بیست نظامی میگوید: زمین، تاد، زبارد، بزینیار در آمد مرد را بخشند دارد صائب میگوید: شادی هر که فروخت زغم کامل نیست هر که را خرج زد خل است فزون عاقل نیست وازانجاکه زن بعنوان کد بانو رشته مخارج خانه را معمول اردست داشت، برای استقرار تمادل طلائی مابین د رآمد و هزینه، مسئولیت زن را مورد تصریح و تأیید قرار میدادند. در این زمینه امیر خسرو هله می نویسد: مرد اگر یک قرانه کار کند زن به کد بانوی چهار کند گرشو، خرج زن فرهن باشد حال سامان خانه چون باشد؟ و در رقا بوسنامه چنین آمده است: «وازد ست زن ناد وست و ناکد بانو بگریز که کویند: «کد خدا رود باشد و کد بانو بند؟» امانه چنانکه چیز تورا (یعنی ثروت تورا) درست گرد و نگذارد که تو بر چیز خود مالک باشی».

خاطرات رفیق سیروس بهرام*

آینده درست بود ن فکر مراتا^م بید کرد و حید رخاخ عموماً لی که در راه اصلاح روش سیاسی احسان-اله خان و کوچک خان مصاعی خود را بکار میرد ، دراینکار جان خود را فدا کساخت . از اتفاق کاربرمن معلوم شده بود که کوچک خان و احسان الله خان از ته دل را خنثی نبودند که با حید رعوانگی و دیگر کمونیست ها همکاری کنند ، زیرا به کار خود سرانه عادت کرده بودند و سهیچه چوچه حاضر نبودند طبعی تشکیلاتی شوند و بشیوه جمعی کار کنند . پس از قتل خائنامه حید رخاخ عموماً لی قوای شاهی برقوای پیشان انقلابیون چنین انقلابی گیلان تمام‌امنکوب و انقلابیون پراکنده شدند . دراینوقت از کمیته مرکزی در تهران به نگارنده مستورداده شد که از گیلان حرکت نکنم و در آنجا بمان و به کارهای تشکیلاتی و اتحاد به ای سو صورتی بد هم . در اجرای مستور کمیته مرکزی ، به خطرات بزرگی که بود توجه نکرد ، در گیلان مانند و در انزلی بست معلمی بکار می‌شغل شدم . با کوشش اینجانب دراندک زمان تشکیلات حزبی بکار آغاز و فعالیت اتحاد به ای رواج و رونق پیدا کرد . برای بهتر کردن حیات اقتصادی کارگران حمل و نقل بدر انزلی و خلاصی آنها از تیازمندی و مفرض شدن به دکانداران (که ازان راه در کارگران تماشی و نفوذ می‌کردند) برای آنها یک دکان خواربار دائر ساختم . کارگران تا وقت بدست آمدن مذشان ازان آذوه خربده زندگانی می‌کردند و بعد از گرفتن مزد قرضهای خود شان رامیبرد اختند و دیگر احتیاجی به دکانداران سود اگرند اشتند . علاوه بر آن یک دکان سلمانی نیز داشتند که کارگران در آنجا مجانی سرو و صورت خود شان را اصلاح می‌کردند . همچنین برای تنظیم معیشت کارگران و بهبود وضع اقتصادی آنها جزیره مقابل شیلات ما هیگری را اجاره کرد یم و در عرصه بسیار رسیعی د رانجابرای کارگران به سبزی کاری پرداختیم . بدینظریق می- خواستیم که خانواده های کارگران از جیhest هند و آن ، خرمزه و دیگر سبزی ها و بقولات تامین باشند و باقی محصول را به باکو بفرستیم و در مقابل نفت دریافت کنیم و بین کارگران تخصیم کنیم . ولی مدتسی نگذشت که مرجعین شهر و ما^م مورین دولتی از تحرار مجبور کردند که بسه دولت عربیه بنگارند و شکایت کنند که آغاز کردند ما^م مورین دولتی عده ای از تحرار مجبور کردند که بسه دولت عربیه بنگارند و شکایت کنند که از ترس افراد اتحاد به شبانه نمیتوانند از بازار بخانه برگردند و در روزنامه ارتضاعی رشت مقاله ای چاپ شد که گواینجانب در جزیره مقابل شیلات ما هیگری انبیار زیرزمینی ساخته ام و در آن مهمات جمع آوری کرده ام تا برضد دولت قیام نکنم . این تهمت های بی اساس کافی بود که دولت مرا زندانی کند . پس از بازداشت پاها می رازنجدیر کردند و به قلعه همدان فرستادند و در آنجا زندانی کردند . بعد از چند ماه زندانی شدن در ائمه اعترافات کارگران و مقاله های انتقادی روزنامه چپ مرا از قلعه همدان بیرون آوردند و تحت الحفظ به

(*) بخش اول این خاطرات در شماره پیشین "دنیا" نشر یافته است .

تهران فرمستادند. پس از ورود به تهران مأمورین دولتی مرا با جباروارد ارکردند امضا کنم که بی اجازه دولت ارتهران خارج نشوم. کمیته مرکزی حزب در تهران رهبری اتحادیه های ایران را به من سپرد و نیز رسیدگی به آموره معارفی (فرهنگی) زنان را بعده من واگذار کرد. پس از چند کمیته مرکزی دستور داد مخفیانه به گیلان بروم و تشکیلات حزب و اتحادیه را در آن جات قویت کنم، کنفرانس حزبین شهر رشت را دعوت کنم و نامزدی خود را برای انتخابات مجلس مطرح نمایم.

بطريق مخفی به گیلان آمد و دستور حزب را کاملانجام دادم و فقط در پایان کار مأمورین دولت به جریان بی بردند و مراد استگنگرده در زندان شهر رشت زندانی کردند. بعد از مدتی از زندان بیرون آمد و به آذر ریاحان که در آن جا حکومت نظامی برقرار بود، اعزام گردیدم. پس از ورود به آستارا به تهمت آنکه گویار رخانه خود شبانه جلب مخفی ضد ولقی دعوت کرده ام، گرفتار شدم و تحت الحفظ به قلمه ارد بیل فرمستاده شدم و در آنجا زندانی گردیدم. من نام کند و ترجیح را در حکایت ها شنیده و در کتابها خوانده بودم ولی عیناند یده بودم و از عذر ابهای آن آگاه نبودم. اماد رئیسه ارد بیل کند و ترجیح زمانهای کهنه زندان ایرانی را دیدم و مزه اش را چشیدم.

در قلمه ارد بیل مرا بسیار عذر ابدادند. جیوه روزانه ای که برای جبسی هامید اند، به من نمید اند. پولهایی که کارگران انزلی و خواهمن از آستارا می فرمستادند، همه راما^۱ مورین گرفته می خورند و به من نمید اند. دو برادر رازا هل قه باع که تصادف دارانجام گهلو بودند برای معیشت خود از خانه پول میگرفتند و آنها بودند که مرا از جهت خوارک تأمین میکردند. بعد از مدتی جبس مرا باغهای از اشرار شاهسون دست بسته و پای پیاده به تبریز بردند. این سفر پیاده سی روز طول کشید. در تبریز مراد محلی بنام "قوم باغی" زندانی کردند. زستان و قیمه تازانو برف باریده و همه جارا برف پوشانده بودم از جبس بیرون آورده و تحت نظر دو نفر راند ام پای پیاده به تهران روانه کردند. همان روز اداره مرکزی زاند امری مرا به زندان فرمستاد و در آن جایبا به پیشنهاد محبوسی بنام حسین قادی زاده (علیزاده نامی) مادر لیک اطاق باوی زندانی کردند. بعد از دور روز صاحب منصب ما^۲ مورا را کان حرب آمد و به امر رئیس ارکان حزب که بنظرم نامش رزاق خان بود، مرا با خود برد اشت و به ارکان حرب برد.

رئیس ارکان حرب باد و نفر قزاق موایه پیشاند اخته به اطاقی برد و در آن جادم درایستاد و به شخصی که در آخر اطاق بالباس نظامی نشسته بود، سلام نظامی داده مرامعرفی کرد. من در وقت ورود به اطاق مسلم ندادم. پس از وارد شدن به اطاق بزرگ که تالار مانند بود شخصی که در آخر اطاق بالباس نظامی روی صندلی نشسته بود همینکه مرادید از جایش برخاست، بطرف من آمد و پرسی و من ایستاد. مرآسرستا پا بادقت از نظر گزرا باند و بعد سؤال کرد: "تو کجا هستی؟". گفت: "پدرم اهل تبریز و مادرم اهل رتجان است، ولی من در رفق قاتل تولد یافته ام". نظامی گفت: "برای چه به ایران آمده ای؟" گفت: "برای چه نیایم؟ ایران وطن من بود، به وطن خود آمده ام". نظامی گفت: "پس معلوم میشود که تو وطن را دوست میداری؟" من گفت: "درجه دوست داشتن وطن وابسته به درجه ادر راک شخص است". نظامی گفت: "از قرار معلوم تود ریین راه عذاب بسیاری کشیده ای. کارگران به من رجوع کرده و آزادی ترا خواستار شده بودند، علاوه بر آن خالصی زاده به نزد من آمده، او نیز شخص آزادی ترا از من تقاضا کرده و من به او وعده داده ام که بمحض ورود به تهران ترا آزاد خواهم کرد. لذا امروی کنم که شراه مین امروز خلاص کنند". من فهمیدم که آن نظامی وزیر جنگ وقت - رضا خان بوده است.

بعد از برگشتن به زندان مراجوی آزاد کردند و من و قیمه به خانه برگشتم دیدم که روی روی من

یک دکان عکاسی است. داخل شدم و از جوانی که روی صندلی نشسته بود و بنظر ۱۴ ساله می‌آمد، خواهش کردم که عکس مرا بگیرد. وی گفت که استاد من به خانه رفته اگر تو موفق باشی، من از تو عکس برداری کنم. من قبول کردم و او عکس مراد رهمن لباس مجلس گرفت. این همان عکسی است که مرحوم لاهوتی آنرا دیده و شعر زیرین خودش را در ریاره آن سروده:

”سروری نتراشیده و رخساری زید— زید و باریک چونی ۰۰۰ الخ“

بعد از خلاصی از زندان باز به فعالیت حزبی خود ادامه دادم و بارها از نوگرای تاریخ محبوس شدم. در وقت کشته شدن کنسول امریکا در تهران بازگرفتار شدم و به قله کهنه نادری کلات در خرا- سان گسلی گردیدم. کارگران سخت اعتراض کردند و دولت مجبور شد مرا از شنیف آباد خراسان به تهران برگرداند.

صاحب منصب مامور، مرا در تهران به اختیار سرتیپ مرتضی خان که در آنوقت حاکم تهران بود، مهربد. مرتضی خان با این شرط که هر هفته یکبار آمده خود را به او نشان بدهم مرام خس کرد. در آنوقتها که من هنوز زندانی بودم، کمیته مرکزی قراری تصویب کرد که کنفرانس حزبی شهر تهران برگزار شود. رهبری این امر بعده من احالة شدم. من بعد از خروج از زندان از این قرار کمیته مرکزی آگاه شدم و اعتراض کردم و گفتم: «لازم بود کمیته مرکزی تایپرون آمدن من از زندان صبور کند و کاند ید هائی را که برای کنفرانس نامزد میشوند با صلاحیت دید من معین نماید»، زیرا در بین اعضای کمیته مرکزی من بیشتر از همه با افراد حزبی تعاس دارم آنها را میشناسم و محکم بودن یابندون درجه عقیده سیاسی آنها را بهتر میدانم. ترس من از آنست که می‌دانش خصی سمت عقیده در زمرة نمایندگان باشد و کارما را فاش نکند.

یکی از اعضا رهبری رفیق حسین شرقی گفت که در مسئله انتخاب نمایندگان کنفرانس کمال احتیاط را بکار برد. این سوظن شما به آنها اساس ندارد. در این پاره قرار حزب هست و شعباید تاییع قرار شود. مانعیتوانیم این انتخابات را برهم زیم و انتخابات نوی را اعلان کنیم. دیگر رفقاء کمیته مرکزی با حسین شرقی همراه شدند و اجرا امر کمیته مرکزی را از من طلب کردند.

کمیته مرکزی قراری اتخاذ کرده بود که کنفرانس باید در بنایی در رجاله میدان برگزار شود. بعن کفتند که فرد ا(کدام روز و کدام ماه بود، اینکه بخطاطر نماده است) ساعت ۹ صبح در آنجا حاضر میشود و کنفرانس را اداره میکنی. ضمناً علاوه بر این که این عمارت در راه دارد، یکی از طرف بازار دیگری کوره راه از طرف محله از هر کدام که بخواهی میتوانی وارد بنایشو. روز دیگر من صبح زود بیدار شدم، لیکن دلم نارام بود. مثل اینکه روزی داد واقعه ناگواری راحس میکردم. بطرف عمارت مسعود روانه شدم. صیم شده بود که از طرف در بازار که در راه کلانی بود داخل عمارت شوم. برای احتیاط در راه از نظرگذراندم، دیدم جوانی عبا می‌سفید تایستانی در بر رو بروی در راهه عمارت مذکور در پیش دکان در راسته بازار ایستاده، اگرچه مثل اینکه بادکاند از حرف میزند، ولی چشمش به طرف در راه دوخته شده است. من از حالت آن جوان به شبیه اتفاق دام. از اینجهت از در راه بزرگ به عمارت داخل نشدم و راه خود را دادم و گذشتم. قریب نیم ساعت راه رفتم و برگشتم دیدم همان جوان باحالت سابق خود ایستاده در راهه عمارت را در تحت نظر خود قرارداده است. شبیه من بازهم به آن جوان زیاد ترشید. باز قریب نیم ساعتی راه رفتم و برگشتم. باز بدم که همان جوان ایستاده در راهه عمارت را مرا واظب میکند. برای من یقین شد که شخص مذکور ماموریت مخصوص دارد که آیند و روند از در راهه را در نظر گیرد و اشخاص را خوب بشناسد. من مجبور شدم که برگدم و از کوره راه به عمارت دارم. از قرار معلوم جوان مذکور مرا نیشناخت، زیرا به من (که دو سه بار از آنجا گذشت)

کهترین توجهی نمیکرد . من کوره راه را پیدا کردم و داخل عمارت شدم . دیدم همه نمایندگان کنفرانس نشسته متنظر ممن هستند . کارکنان کمیته مرکزی برای دیرکردن تم مرا ملامت کردند . من اوضاع را برای آنهای نقل کرده گفت که بنظر من مراتحت نظردارند . رفقاء من خنده دند و گفتند که شببه شما اساسی ندارد .

خلاصه من کنفرانس را رسماً افتتاح کردم و گزارش رام طرح ساختم و برای سخنرانی نمایندگان و مباحثه ها وقت دادم . از اعضاً کمیته مرکزی که در کنفرانس شرکت کرده بودند این اسامی در خاطرمان مانده اند :

۱- نیک بین - دبیر مسئول حزب ۲- پروانه - کارگر حروف چین ، عضو کمیته مرکزی و صندوق دار حزب ۳- رضاقلی - کارگر حروف چین ، عضو کمیته مرکزی ۴- حسین شرقی - عضو کمیته مرکزی ۵- سیروس - عضو کمیته مرکزی ۶- حسابی - عضو کمیته شهری حزب و کمیته مرکزی حزب .

از نمایندگان :

۱- علی رضا - کارگر حروف چین ۲- مادر پروانه ۳- حسن شبستری .

ناجیس اخیرین (یعنی تا مدت کمی پیش از دعوت شدن کنفرانس) حسن شبستری در تهران نبود و عضو حزب مامحوس نمیشد . نمیدانم چطور شده بود که او به آسانی از روسیه به ایران آمد و در یکی از ادارات تجاری شوروی بکار مشفغول و داخل حزب ماشده بود . پس از گزارش بعضی از نما - نیندگان سخنرانی کردند . مادر پروانه نیز سخنرانی کرد ، ولی گلوبشگرفت و نتوانست سخشن را به آخر برساند . رفیق نیک بین نسخه نطق اورا کرته نطق اورا به آخر رسانید . برای انتخاب اعضاً کمیته شهری راهی هاراد رکله تابستانی حسن شبستری جمع کردیم (چون ظرف دیگری نداشتیم) . بعد از اتمام کنفرانس شروع کردیم به خواندن سروд انترتاسیونال . در این حین از پیش پنجه اطراق کنفرانس یک نفر آمد و گذشت . برای آنکه مباراهمان شخص از جلسه ماجرب ارشود ، رفیق نیک بین گفت که آواز سرود خوانی را آهسته تر کنیم . بعد از این هر یک از نمایندگان جلسه جدا جدا از اطراق بیرون آمدند و از کوره راه رفتند . فقط نیک بین ، حسین شرقی ، حسابی ، رضاقلی ، حسن شبستری و من در همان اطراق ماندیم و خوابیدیم . ساعت ۵-۶ بانان و پنیر و انگور ناهار خوردیم . بعد هر یک به تنهایی از کوره راه بیرون آمد و رفتیم . مدت زیادی از این واقعه نگذشتند بود که مرا از نوگرفتار کردند و به حبس تاریک اند اخترتند .

دو سه روز بعد آمدند و مرابا بازجوئی برند . در اطراق بازجوئی دو نفر مأمور تأمینات نشسته بودند . در جریان بازجوئی معلوم شد که هردوی آنها معاون رئیس تأمینات وقت یعنی سمبیلی هستند . معاون اول نامش برهان بود . معاون دوم که نامش راند انتstem همان جوانی بود که در جریان کنفرانس دم در روزه ایستاده ، برافرادی که وارد عمارت میشدند ، نظارت میکرد .

آنها در باره کنفرانس و شرکت کنندگان د رآن سئوال مائی از من کردند . من همه را انکار کدم . بعد از قریب یک ساعت و نیم پرس و جو نتیجه ای حاصل نکردند و به قراقبهای دم در امر کردند که مرا به زندان تحويل دهند .

دو روز بعد ، شب ساعت قریب ۹ ، قراقبی آمد و مرا از زندانیان تحويل گرفته برد و امر کرد که به طبق دوم بنای زندان بروم . قراقب دری را گشود و مرا به درون اطراق هول داد . من وارد شدم و دیدم که در آن اطراق سمبیلی رئیس تأمینات شسته است . من از این بنگاه حبس دیده بودم . او دستور نشستن داد و به من روی کرد و گفت : " شما چه خیال میکنید ؟ خیال میکنید مملکت بی صاحب است و از عملیات وطن فروشی شماکسی خبرد از نیست . شهاد ر مرکز مملکت نشسته است و کاملاً بیش رمانه و بی باکانه بر ضد دولت و مملکت کار میکنید . خوب حالا بگوئید که این چه کنفرانسی بود که در چاله میدان

گز رانده بودید و کی‌ها در آن شرکت داشتند؟ من گفتم: « از چنین کنفرانسی خبر ندام » سهیلی گفت: « چطور خبر نداری؟ تا خودت آنرا اداره می‌کردی ». من دوباره گفتم: « من از چنین کنفرانسی خبر ندام ». سهیلی گفت: « تو بیشتر مانه انکار می‌کنی، ولی حالاً شرکت کنندگان کنفرانس در حضور تو شهادت میدهند که کنفرانس را تو اداره می‌کردی ». من گفتم: « مگر برای شما دشوار است که افراد خود توان را بیاورید و علیه من شاهد قرار دهید؟ سهیلی خواست با تزویر مراهه دام اندازد و گفت: « بگو به وجود آنم قسم که من از این کنفرانس خبر ندام! » من گفتم: « قسم به وجود آنم که من در هیچ کنفرانسی که بر ضد صلاح مملکت باشد، شرکت نکرده ام ».

سهیلی عصبانی شده بپا خاست و گفت: « تو با بیشوه حقیقت را پرده پوشی می‌کنی ». مسئله برای ما کاملاً روشن است. خود افراد کنفرانس در برای آن و عملیات شما در آن کنفرانس مفصلابه مسا اطلاع داده اند. حalamن برای شما نقل می‌کنم و شما گوش کنید و بینید که آیا ماما از کارهای شما خبر داریم یا نه. در اثر دیرآمدن تو که ما مور افتتاح کنفرانس بودی، کنفرانس قریب یک ساعت و نیم کار خود را دیر آغاز کرد. تولد لیل دیرآمدن را بیان کردی و گفتش مارتعقب می‌کنند و علاوه کردی که دید روازه شخص شبیه ناکی ایستاده به افراد وارد و خارج شوند. وقت و نظرات می‌کنند. رفاقت تسو سخنان تراجی نگرفتند. کنفرانس شروع شد. نیک بین گزارش داد. بعضی از نمایندگان نطق کردند. از آنجلمه مادر پروانه، ولی او گلوبکرش و نتوانست که سخن خود را به آخر رساند. نیک بین برخاست و دنباله حرف اورا ادامه داد. سرود انترناسیونال خواندید. بسبیب عبور یک کارگزاری پیش اطاق آواز سرود خوانی را پائین آوردید. آرای انتخابات را در کلاه حسین شبستری جمع کردید. همه نمایندگان رفتند. فقط کارتکتان مستول، فلان و فلان در همانجا خوابیدند و بعد در ساعت ۵ - ۶

شامی از ثان و پنیر و انگور خوردید و سپس متفرق شدید ». سهیلی ادامه داد: « بعلوه اینها، من حالاً اسناد حزب تان را بتونشان میدهم که خط و امضای شخص تو هم در آنجا موجود است. ما آن اسناد را موافق سراغی و نشانی همکاران شما از شکاف دیوارخانه پر روانه پیدا کردیم ». سهیلی در اینوقت رفت و صندوق آهنهای راکه در گوشش آن اطاق بود گشود و یک مقدار اسناد آورده و روی میزاند اخت و دست دار را زد و سندی را برداشت و به من نشان داد و گفت: « این خط و امضای تو است ». من نگاه کرده دیدم که خط، خط من و امضای امضای من است. این سندی بود که من در آن به صندوق ارجح بنشوته بودم که برای معالجه عضو حزب (شخصی بنام دادی زاده ارد بیلی) هفت تومان داده شود. نام من در آن امضای زارع بود.

پس از دیدن همه اینها در من تردیدی باقی نمانده بود که من در اعتراف خود به اعضای کمیته مرکزی (که در وقت زندانی بودن من برگزاری کنفرانس حزبی شهر تهران را بعده من واگذار کرده بود) کاملاً حق داشتم. بسبب بی احتیاطی ماجوسون تأمینات حتی در کمیته مارخنه کرده تمام اسرار و اعمال مارا به دولت گزارش داده بود. بعد از همه اینها سهیلی باز به من روی کرد و گفت: « حالاً چه می‌کوئی؟ باز انکار می‌کنی که تو در راین کارها نقش اساسی بازیگیرده ای و شرکتی نداری؟ ». پس از همه اینهاد رون شبهه ای باقی نماند که دولت بکث شخص خائنی که باکارهای ماآشنا و محروم است از تمام عملیات مانع نماید! اگر چه بوده است. با وجود همه اینها وظیفه من آن بود که گفته های سهیلی را انکار کنم و همینطور نیز کرم. سهیلی قرآنی راکه دم در ایستاده بود صد اکرد و گفت: « این آدم نمی‌شود. اورا ببینید به زندان ». قرآن را به زندان آورد و زندانیان مراثیل سابق به سلول اندادخت و در سلول را قفل کرد.

خواب تماماً از سرم پریده بود. تا صبح توانستم بخوابم. من هیچ نمیتوانستم باور کنم که شخص خائن و جاسوس دلت یکی از اعضای کمیته حزبی ما باشد.

روز دیگر ساعت قریب ۹ بود که قراقی آمد و مرا از زندانیان تحولی گرفته به پیش انداخت و امر کرد به بندروم زندان بروم (این محبس در میدان توپخانه واقع بود) . قراق در راگشود و مرا به درون راه داد . من وارد شدم و دیدم در راهین اطاق که تالار مانند بود ، عده ای دست راست و دهای دست چپ نشسته اند . رئیس نظمیه آن دوره محمد خان درگاهی سریا ایستاده است . اورداد ید و آمد و دست مرا گرفته در صفا دست راست نشاند و بعد بنم نگاه کرد و گفت : « تو این زن رامیشناسی؟ » من نگاه کرده دیدم زنی دم در سریا ایستاده با چادر رسیاه روی خود را پوشانده است . من جواب دادم ، « نی شناسم » . محمد خان گفت : « او ترا میشناسد . او مادر پروانه است . » من گفتم : ممکن است او بشناسد ، ولی من نمیشناسم . محمد خان گفت : « چطور نمیشناسی؟ اکثر مجالس شعاد رخانه او برگزار میشند و استاد حزبی شمارا هم ما از زوند یوارخانه خرابه پروانه بدست آوردیم . » بعد اینها فرازدی که سمت راست روی نیمکتمن نشسته بودند روی کرده گفت : « شما از این دید ، لیکن بعد از این به دستیم - بازی مشغول نشود و خیال نکنید که احمد شاه دوباره به ایران بر میگردد . اگر دوباره گرفتار شوید برای شما خلاصی نمیتویست . »

افراد دست راست ، که من هیچیک از آنها را نمیشناخت ، بلند شده رفتند . از قرار معلوم اینها افرادی بودند که بطور جدی از شاه مخلوع قاجار طرفداری میکردند .

بعد محمد خان آمد و به افرادی که در طرف دست چپ نشسته بودند (من همه آنها را نمیشناخت ، آنها از افراد حزب ما و از افراد فعال اتحادیه بودند) روی کرد و گفت : « باعث گرفتاری شما این شخص است . » و مرا شان داد . « او شمارا غواکرده به راه بد ، به راه ضد شاه و مملکت سوق داده است . بعد از این بیهیچوجه فرب اغوای اوران خویرد . »

بعد علاوه کرد : « شما خدا را شکر نکنید که عده ای از وكلای محترم که در راس آنها سلیمان میرزا است از شاهنشاه ایران خواهش بسیار کرده اند که به محبوسین سیاسی عفو عمومی داده شود و از آن جمله خواهش کرده بودند که شمارا نیز وارد فهرست عفو عمومی کنند . برای رضایت خاطر و کلای محترم ، شاه از نگاه شما گذشت . ولی فراموش نکنید که اگر دوباره به اینجا بیمیقدید برای شما خلاصی نخواهد بود . » پس از این نطق مختصر او به این افراد گفت که اکنون شما مرخصید و با اشاره به من علاوه کرد که بعد از این بیهیچوجه بدنبال این آدم نزدیک و گل اغوای اوران خویرد .

همه از جابر خاستند و از طلاق بیرون رفتند . ساعت قریب ۱۰ شده بود که من به خانه خود رسیده در رازدم . همسرم آمد و صدای مرا شناخت و در را باز کرد . بچه هاکه هنوز نخوابیده بودند ، خود شان را شادی کنان به آغوش من انداختند و به گرد نم آمیزان شدند . من سروی از هم را بوسیدم و از همسرم احوال پیری کردم .

روز دیگر من به پیش رفکای کمیته مرکزی رفت و آنچه که از مسیلی شنیده و دیده بودم ، نقل کردم . حسین شرقی همه عیبهای اگناه های را به گردان علیرضا خان ، کارگر حروف چین ، بارگرد و گفت من خبردارم ، مسئله کنفرانس را علیرضا خان فاش کرده است . تأمینات از وی شبهمه ناک شده و اورا گرفتار کرده و زده است و او هم طاقت نیاورده همه اسرا را لو داده است . من با این گفته های حسین شرقی قانع نشدم ، زیرا که علیرضا خان تاختن کنفرانس در آن جا حضور داشت و بعد رفت . وی از کجا میدانست که عده ای از کارکنان مسئول تاساعت ۵ - ۶ در آن خانه خوابیده ، بعد ندان و پنیر و انگور خود ره و رفته اند ؟ این خبرها را کسی میتواند به تأمینات داده باشد که بعد از ختم کنفرانس در آن خانه مانده ، خوابیده و بعد ندان و پنیر و انگور خود ره و رفته است ، یعنی باید یکی از افرادی باشد که تا ساعت ۵ - ۶ در خانه مانده بودند .

بعد از بیرون آمدن از زندان خبردار شدم که کمیته مرکزی به نگام زندانی بودن من ، مرا برای

شرکت دریلنوم ششم کمیترن بسم نمایندگی انتخاب کرده و این انتخاب نیز بر اساس توصیه کمیترن بوده است .

من بعنوان نماینده به مسکوآدم و دریلنوم ششم و سپس دریلنوم هفتم انترناسیونال کمیسیون بعنوان نماینده حزب کمونیست ایران شرکت کردم . بعد پلنوم ششم انترناسیونال کمیسیون برای آنکه سطح اطلاعات می‌اسسی و جهان بینی من ارتقا یابد (امری که من بدان نیاز بسیار داشتم) مرا وارد کورس دوساله موسم به " کورس بین المللی لنینی " کرد .

در این ایام کنگره دوم حزب کمونیست ایران فراخوانده شد و من در کنگره بسم نمایندگی شرکت کردم و به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید . حسین شرقی بسم دبیر مسئول کمیته مرکزی انتخاب گردید .

در ۱۹۲۰ ، چنانکه موقع یاد آورشدم ، در نتیجه گزارش من در حضور لنین ، بنا به صلاح دید لذین و تصمیم کمیترن ، استالین به باکوآمد . در ترکیب آن کمیته مرکزی که در شهر انزلی در کنگره اول حزب کمونیست ایران انتخاب گردید بود ، دکرگونیهای عمیق بوجود آورده بین معنی که قریب د وسوم اعضاً کمیته مرکزی را بسبعد عدم لیاقت و روش چپ روانه در حزب از ترکیب کمیته مرکزی ببرون گذاشتند و ۹ نفر را به کمیته مرکزی ، از راه برگماری ، وارد ساخته که ازانجله حیدر عواغلی بسود . سلطان زاده که از جمله کسانی بود که از ترکیب خارج شد ، از همان زمان بهیچوجه در کارهای حزب کمونیست ایران مداخله ای نداشت . قلت کار را ماده در حزب مارامجوگردید بود که بعد از مدتی خواهشها کنیم که سلطان زاده دو باره به ما مکلف کند . من از کمیترن خواهش کردم که سلطان زاده را به مابد هند و آنهانیز با این خواهش موافقت کردن . در کنگره دوم سلطان زاده بعنوان نماینده شرکت جست و انتخاب گردید .

در جریان کار بعد از کنگره معلوم شد که سلطان زاده و نیز برخی از رفقاء عضو کنگره در برخی مسائل با اینچنان اختلافاتی دارند . اختلافات در مسائل زیرین بود :

۱) آنها با ایجاد راه آهن سراسری شمال - جنوب ایران مخالف بودند و میگفتند کشیده شدن راه آهن نفوذ رضاشاه را را ایران زیاد تر میکند و برای گسترش جنبش انقلابی ضرر دارد ، زیرا که رضاشاه با کل راه آهن میتواند لشکرگشی کند و انقلاب را سرکوب سازد ! من میگفتم که راه آهن بسود مرکزیت دلتی است و باعث ضعف نفوذ الها و ترقی بسوزی را ازی ایران و تشید اختلاف آنها با قبول الیسم میشود و منجر به پیدایش کارگران و راه آهن و احداث کارخانه هاد رنقط مختلف ایران میگردد . علاوه بر آن ایجاد خطوط راه آهن عموماً سبب ترقی کشوراست و مانبایست که از اقداماتی که بسود ترقی کشور است ، جلوگیری کنیم .

۲) در باره جنبش انقلابی در ایران عموماً و در باره فعالیت حزب کمونیست ایران خصوصاً به کمیترن گزارشها ناد رست و ساختگی میداند . مثلاً در باره فعالیت حزب نوشته بودند که مادر شهر همدان تشکیلات حزبی داریم . این حرف پایه ای نداشت . مادر آن زمان در همدان تشکیلات حزبی نداشتیم . من میگفتم اگر ما گزارش ناد رست به کمیترن بدهیم ، کمیترن را فریب میدهیم و گمراه میکنیم و در اینصورت کمیترن نمیتواند در مورد کارهای مادر ایران راه درست را تشخیص دهد ، یعنی چنانکه شاید و باید درستی رهبری نماید . ما باید در باره جنبش انقلابی و تشکیلات حزبی معلومات و اطلاعات صحیح بدهیم .

۳) پیش از شروع انتخابات مجلس ، حسین شرقی و حسن شبستری بروشوری چاپ و نشر

کرده بودند که در آن نظریات حزب رادر باره مجلس نادرست نشان داده حزب رادر بالله رو بورژوازی قرارداده بودند . یعنی هدف حزب رادر مورد شرکت پرلتاریاد مجلس نادرست نشان داده بودند . بعد از خواندن و آشنایی با آن ، من برشور را به کمیترن دادم و نادرست بودن آن را نشان دادم . کمیترن نیز بعد از خواندن آن کتابچه درست بودن فکرها تصدیق کرده بود . ۴) برخی مسائل اتیک و اخلاقیات حزبی نیز طرح بود . مثلاً رقتار نادرستی یامن داشتند . کسانی را به ایران میفرستادند و یا وظیفه هایی به آنها میسردند ، ولی بنده نماینده حزب در کمیترن بودم خبر نمیداردند ، ولی افراد بدون مسئولیت از اینگونه کارهای خبر نمیبرند . یا جای آنکه جوانان ایرانی را که در "آموزشگاه کمونیستی ملل شرق" (کوتو **Kyoto**) تحصیل میکردند بارجح انقلابی پروژه دهند ، آنها را بر ضد یک یگر برمی انگیختند و بدینسان بین آنها نفاق اتفاق میشد . سرانجام اختلافات بسط یافت و لازم دیدم که در این مسائل به کمیترن مراجعه کنم و نظر خود را بتویسم .

برای رفع اختلافات کمیترن هیئت را تحت ریاست کمونیست مشهور فلاندی رفیق کوشوسین **Куусинен** که چند سالی است درگذشت ، ما ^۱ مورسیدگی کرد . ماهرد و طرف در هیئت حاضر شدیم . ابتدا حسین شرقی و سپس من گزارشی دادیم . حسین شرقی در گزارش خود گفت سیروس خصلت آثارشیستی دارد و نمیخواهد تابع اکثریت باشد و برای اثبات این مدعایگفت : روزی در تهران سیروس به نزد من آمد . من از او پرسیدم از کجا هم آمی؟ گفت از بازار . گفتم برای چه بیزار رفته بودی؟ گفت برای خریدن شغلول جبهت قیام بر ضد رضا شاه ، که خود طرز فکر آثارشیستی است . طبیعی است که این سخنان حسین شرقی تماماً بی اساس بود . دیگر اعضاً کمیته مرکزی نیز هر یک بنویه خود سخنانی گفتند . بعد از شنیدن معروضه حسین شرقی و دیگر اعضاً کمیته مرکزی ، کمیسیون ناجا ره سخن را بین داد . من در بر باره چهار مسئلله ای که در رفق طرح کردم ، اطمینان عقیده کردم و خودم را ذیحق دانستم و گفته های حسین شرقی را که گویامن شغلول خریده ام تا بچند نفری بر ضد رضا شاه قیام کنم تهمت و اقتراخواندم . بعد از اعتماد سخنان آنها و من ، یکی از اعضاً کمیسیون مذکور به سلطانزده گفت که تود رکارهای انقلابی ایران از اول روش چپ روانه داشت و حال امسئله مخالفت برآر آهن هم ادامه همان فکر چپ روانه است . بعد بطرف حسین شرقی روی کرد و گفت : در بر باره بروشور که در تهران از جانب کمیته مرکزی جای شده اظهار نظر سیروس درست است . خلاصه آنکه مشی مورد قبول مراد رست داشتند و طرف مقابل رانتقاد کردند . بعد به من روی کردند و گفتند : تو آزادی و من بیرون آمده رفتم . ولی آنها روز دیگر باز دعوت شدند و درخصوص رقتار نادرستیان به آنها تذکر جدی داده شد . (۶)

(۶) رفیق محتشم سیروس در دنبال این خاطرات به زندگی خود در مهارت و فعالیت علمی وادی خوش میبرد ازدواجی و تقدیرنامه ها و شانهای مختلف را که در این دوران در جمهوری تاجیکستان دریافت داشته قید میکند . از آنچه که این بخش از فعالیت رفیق سیروس را ما در زیست نامه ایشان ، که در مجله "دینا" چاپ شده منعکس کرده ایم لذا آنها را در اینجا تکرار نمی کیم .



یاد از یک خاورشناس پژوهشگر شوروی

(بعنایت ۷۵ - مین سال پروفسور ایلیا پاولویچ پتروفسکی ایرانشناس معروف شوروی)

تا علیقات پراج مرخین مشهور شوروی مانند بارتولد، استرووه، پیگولوسکایا، یا کووسکی، پتروفسکی، راخودر، ایوانف، علیزاده و بسیاری دیگر در کاوش و روشن ساختن جواب مختلف و مسائل گوناگون تاریخ کشورها ارزش بسزای دارد. در این میان آثار پروفسور ایلیا پاولویچ پتروفسکی رئیس کرسی تاریخ کشورهای خاور نزد یک دردانگاه دولتی لینینگراد و دکتر علوم تاریخ بخصوص شایان توجه و قد رشناسی است. تا علیفات این دانشمند گوشه های پس تاریکی از گذشته میهن ما را با خاور پژوهش علمی روشن ساخته و نمونه های پیارزشی از کاوش در اعماق روزگاران گذشته و راهیابی پسر از پاید ای خلقها و توده ها در کشاکش پیکارهای آزادی و غلبه برتباهی و ستم بدست داده است. ما ذیلا بال اختصار بامهمنین آثار این ایرانشناس برجسته شناختی میباییم.

ایلیا پاولویچ پتروفسکی در ۲۲ زوئن ۱۸۹۸ تولد یافته و اکنون هفتاد و پنجمین سال عمر خود خود را بپایان میرد. او متخصص تاریخ سده های میانه ایران، کشورهای آسیای میانه و قفقاز است.

تک تکاریهای این دانشمند در مورد مسائل اجتماعی و اقتصادی، جنبش‌های توده‌ای و مباحث و جریانات اید شولزیک مذکوه‌های میانه در اراضی پهناور کشورهای خاور نزدیک و میانه در زمرة آثار پر ارزش در گنجینه علم تاریخ جهانی است. در میان بیش از یکصد و سی اثر علمی پژوهش‌سکی تا لیفات مربوط به ایران جای بر جسته‌ای دارد. اثر اوی موسوم به "تاریخ مناسبات فتوح‌الی در آذربایجان و ارمنستان در سده‌های شانزدهم تا آغاز سده نوزدهم" (لندنگراد، ۱۹۴۹)، محصول پژوهش‌سالیان در از بروی تعداد بسیار زیادی از منابع و مأخذ و اسناد و دارک تاریخی است. در این اثر انواع واکذاری - های ارضی، زمین‌داری و مقررات حقوقی گوناگون دوران فتوح‌الی مورد تحلیل علمی قرار گرفته، هیئت، ترقیه و سازمان طبقه زمین‌دار بررسی شده، وضع وابستگی دهقانان و انواع مختلف آن مشخص گردید و بر پایه آنوهای کثیری از رویدادهای تاریخی اقسام مالیاتها و تکالیف فتوح‌الی تحمیلی بر طبقه دهقان و بسیاری مسائل دیگر تعیین و تشریح شده است.

پژوهش‌سکی نتایج پژوهش عمیق و پر امنه خود را در مورد امرکشاورزی و وضع کشاورزان ایران در یکی از پژوهادهای ترین و رنجدارترین ادوار تاریخ میهن مادر کتاب "کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران مذکوه‌های ۱۴۰۱، مسکو، ۱۹۶۰" ترازن‌بندی کرده و به عالم دانش جهانی تقدیم داشته است. این اثر در رسال ۱۹۶۱ در تهران درود و جلد تحت عنوان "کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول" از طرف آقای کریم کشاورز به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. در وسعت دامنه مأخذ این کتاب کافیست بگوییم که در ریاضیات آن قریب به دویست نام تنها آثار تاریخی چای و دستنویس مذکوه‌های میانه به زبانهای فارسی و عربی مورد استفاده بوده است. در میان این مأخذ اولیه آثار کثیری است که برای نخستین بار در جرجیان پژوهش وارد شده است. تحلیل متفاوت وضع کشاورزی نواحی مختلف ایران با بحساب اوردن ویژگیهای هریک از آنها، هم در زمینه اوضاع طبیعی، اکنانت آبیاری، آماده ساختن خاک، پژوهش کشت و استفاده از تکنیک کشاورزی و هم در قسمت سرتوشت تاریخی این نواحی در چهارچوب زمان مورد پژوهش و همچنین حل مسائل بسیار بفرنج زندگانی روسیانی، تاریخ رشد نیروهای تولیدی و برپایه آن دگرگونی مناسبات تولیدی در ایران طی مده‌های متوالی - جملکی با ارتباط علمی و منطقی در این اثر تلقیق گردیده و ارزش علمی تحقیق را چندین برابر کرده است.

آخر پژوهش‌سکی با عنوان "نهضت سربد اران در خراسان" که برای اولین بار در مجله‌جهوده "یادداشت‌های علمی استهتوی خاورشناس" آنکه می‌علوم اتحاد پیش‌توده ای در ایران" در رسال ۱۹۶۰ با بررسیهای نوین بعنوان جزئی ازفصل "جنوبیهای آزاد پیش‌توده ای در ایران" در کتاب "کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران مده ۱۴۰۲، ۱۹۶۱" گنجانیده شده در حقیقت موزاییکی است از اجزاً خسید و پوکنده در منابع و مأخذ وسیع و گوناگون که پژوهشگر توان اهلیک از آنها را از جایی مکف‌آورده و برپایه مجموع آنها پیشه هاویش درآمد جنبش، آغاز دلت سربد ایری و نخستین گامهای آن، پیدا ایش د و جرجیان در میان سربد اران، مقدرات تاریخی دلت سربد ایری، مبارزات درونی چنین و شدت یافتن آنها، مقطوع دلت سربد اران در خراسان، مبارزات درونی چنین و شدت یافتن آنها، همچنانه همچو و مسائل تاریخی دلت سربد ایری، مبارزات درونی چنین و شدت آن در سرزمینهای اهدای کردہ است. این اثر نیز از طرف آقای کریم کشاورز به فارسی ترجمه و در رسال ۱۹۶۲ در "فرهنگ ایران زمین، جلد دهم" و در رسال ۱۹۷۲ باهتمام انتشارات "پیام" نشر چد اگاهه یافته و مورد توجه دستدار اران علم قرار گرفته است. روزنامه "اطلاعات" ۱۴۵۱ اشیربر ۱۴۵۱ تحت عنوان "بررسی واقع بینانه یک قیام" ضمن تقریظ این اثر چنین مینویسد:

"پژوهش‌سکی با آنکه در تحقیق خویشینارا به اختصار گذاشته پس از آنکه از بیان

تاریخ سربداران فارغ میشود به مقایسه آن با جنبش‌های مشابه که در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی بوقوع پیوسته اند میپردازد و تا "ثیر آن رادرقیام های گیلان، مازندران و کرمان بررسی میکند و بدین بسته نکرد و جمع‌بندی در خورتحسینی از قیام سر - بد اران بدست میدهد" ۱۰۰

پژوهش‌سکی یکی از "الفنین" "تاریخ ایران از ازمنه قدیم تا پایان قرن هجدهم" (لینینگراد، ۱۹۸۱) است. در این اثر جامع فصل‌های شش تا نهم و بخش‌هایی از فصل‌های پیشین از قلم و تراوشن کرده است. پای بندی داشتمند به استفاده وسیع از مأخذ و استنتاجات منطقی و علمی از واقعیات گذشتہ در این تأثیف جمعی نیز منعکس است. پژوهش‌های همکاران دیگر مو"لف در سایر موارد و مباحث تاریخ میهن ما این اثر جمعی را ناپایه عصاره و خلاصه علمی تاریخ ایران بالا برده و راه استفاده از آن را برای علوم طالبان علم بازگذاشته است.

یکی دیگر از آثار پژوهش‌سکی که مستقیماً موضوع و بحث‌مهی از تاریخ میهن مارا در بر میگیرد اثر گرانقدری "اسلام در ایران در سده های دهم تا پانزدهم" (لینینگراد، ۱۹۷۶) است. این اثر بسبب اهمیت علمی فراوان آن، باقدرشناسی مخالف علمی مواجه گردیده و مایه کمال خوشوقتی است که ترجمه‌آن، ولو با برخی اختصارات، در ایران در معرض استفاده عموم هم میهنان قرار گرفته و توجه علاقمندان و دوستداران علم و ادب را جلب کرده است. این اثر رانیز افای کریم کشاورز با حواشی مفصل بچاپ رسانده است. بنا بر نوشته مجله "سپید و سیاه" (شماره ۲۲، ۱۰۱۵، فروردین ۱۳۵۲) این اثر داشتمند شوروی در جزو انتشارات "پام" دردیفیر فروش‌ترین کتابهای سال ۱۹۰۱ قرارداد است.

روش پژوهش ایلیا پالولیچ پژوهش‌سکی: تسلط کامل بر مأخذ و منابع، دقت در گردآوری فاکتها و در ارک، قدرت بیرون کشیدن نکات باریک از میان اینوه رویدادها و نظرات، رعایت دقیق الزمامات منطقی و ضوابط علمی در ارجام بحث و ادای مطلب، قدرت اتفاقی استنتاجات علمی پژوهشگر - جملگی مبنی بر پایه اطباق جهان بینی ماتریالیستی برپیده های اجتماعی است. قدرت خلاقه علمی و زرقای پژوهش تاریخی پژوهش‌سکی مورد قبول و تحسین داشتمندان است. مسعود رجب نیادر مقدمه "سازمان اداری حکومت صفوی، باتحقیقات، حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی، تهران" ۱۳۳۴ از قول خاورشناس معروف مینورسکی چنین مینویسد:

"درجشی هزاره بوعلی سینا (درارد یمیشت ۱۳۳۳) با استاد مینورسکی که در عدد اد مستشرقین شهری برای شرکت در رنگره به تهران آمد بودند، آشنائی حاصل کرد و در چند کرت مصاحبت که با این داشتمند ارجمند کرد می‌باد آور بعضی نکات واحد اهمیت در شیوه جدید تحقیق شدند. از جمله اینکه داشتمند شرق شناس پژوهش‌سکی به سه مطالعه اسناد مالیاتی ایالات فقاز موجود در بایگانی‌های راکد و لاتی مبارز و زنده و بر اساس آن تحقیقات نوینی کرد. این شیوه تحقیق که بوسیله او ابداع شد مورد قبول بسیاری از محققان علم تاریخ قرار گرفت."

نویسنده "اطلاعات" در مقاله فوق الذکر ("بررسی واقع‌بینانه یک قیام") به بحث از سیک پژوهش پژوهش‌سکی پرداخته مینویسد:

"سیک تاریخ نویسی نویسنده برا سیام کشف علل و موجبات تحقیق دگرگونیهای تاریخ و نهایش جبری بودن خط سیرکلی آنها است و بهمین دلیل نخست به تشریح زمینه-

های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این نهضت (نهضت سریداران - ۱۹۰۰) می- پردازد و به کاوش در رودادهای اوقعیات پیش از شکل گرفتن آن می‌نشیند، عوامل اصلی تکوین این قیام یعنی ستم روز افزون پیش از شکل گرفتن آن می‌نشیند، عوامل مالیات‌های کمرشکن، عدول از قوانین و ضوابط اسلامی در روابط میان اربابان و رایاها و عوامل طبیعی همچون وبا را بدست میدهد و آنگاه به تفسیر و قایع جنبش می‌آغازد.^{۲۰}

همین نویسنده به مطالب خود چنین ادامه میدهد:

” وقتی تحقیق مختصر این پژوهندۀ روسی رامیخوانیم و می‌بینیم چگونه با مدارک اندک یکی از تاریکترین بخش‌های تاریخ ماراروشن کرده به این قدر افتیم که چرا مورخین وطنی، انانکه به منابع و مدارک بیشتری دسترسی دارند و تاریخ هم تاریخ ملت خود شان است در آثار خود دست از وقایع نگاری برند اشته آند و هنوز تلقی شان از این علم همان تلقی محمد ابن جریر و گردبیزی و دیگران است.“^{۲۱}

خدمات پژوهش‌سکی در زمینه تدریس و تربیت مورخین متخصص و عالی‌مقام نیز ارزند است. پژوهش‌سکی در مقام استادی دانشگاه‌های تقییس، تاشکند و لنینگراد مباحثه هم تاریخ ایران را از قبیل ”تاریخ ایران در سده‌های پنجم تا هجدهم“، ”ماخذ فارسی سده‌های یازدهم تا پانزدهم“، ”تاریخ نویسی و ماخذ شناسی ایران سده‌های میانه، از اوخرقرن پانزدهم تا اوایل قرن هفدهم“ تدریس نموده و عمری به آشنایی‌ختن داشت پژوهان به تاریخ میهن ماضی کرده است. پژوهش‌سکی یاقبول رهبری علمی تعداد زیادی از پژوهندگان علم تاریخ (وازان‌جمله پژوهندگان ایرانی) در ارتقاء آنان به مداجع علمی دکترا و مافق دکترا باقدرت علمی و شایستگی معنوی خود کمک فراوان کرده است. شاگردان پژوهش‌سکی اکنون در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی علمی جمهوری‌های خاوری شوروی با موفقیت به کار پیشبرد علم و دانش اشتغال دارند.

مابرای ایران‌شناس عالیقدرو دانشمند پراج شوروی ایلیا پاولوچ چروش‌سکی بمناسبت هفتاد و پنجمین سال زندگانی پروفوچش عمرزیاد، تند رستی کامل و کامیابی‌های افزون‌ترخواستاریم.

ابوالحسن رحمانی
مرداد ۱۳۵۲

یادی از یک مبارزگهن

(درباره داستان دو جلدی "خشم" و مؤلف آن)

در الماهی ۱۹۶۶ - ۱۹۷۱ در شهر عشق آباد پایتخت جمهوری شوروی ترکمنستان دو جلد مکاتب تحقیق "خشم" بزمیان روسی انتشار یافت که مجموعاً در قریب شصده صفحه است (*). این دو جلد حاوی داستان پرشور مبارزاتی است که در خراسان از سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۶ جریان داشت و از خد وید اریک ارسرا ن کرد خراسان آغاز نمی‌شود و به مبارزات کلnel محمد تقی خان پسیان و سپس طغیان نظامی سردار چنگ ختم می‌گردد. نویسنده این داستان یکی از مبارزان کهنسال ایرانی رفیق حسینی نقی غلام زاده (معروف به حسینی نقی خان آجودان و بانام خانوادگی پهلوی) است که خود از شرکت‌مند گان حواله پر شوره استان دو جلدی "خشم" است. داستان دو جلدی خشم که با تیاز ۵۰ نیاز جلد و با همکاری ادبی برخی از تویسندگان شوروی تنظیم شده صفحاتی از مبارزات مردم می‌باشد.

مؤلف محترم داستان "خشم" ضمن ارسال رمان تأثیفی خود برای هیئت تحریریه "دنیا" یک سلسله یادداشتها و خاطرات خود را نیز فرستاده است که امیدوارم موقع بتوانیم آنها را در صفحات "دنیا" منتشر سازم. رفیق غلام زاده طی نامه مورخ ۷ زوئن ۱۹۷۳ به مامینویسد:

"زندگی زهرآگین من، احتیاج وتنگستی خانواده من مرا این پانزده سالگی وارد مبارزه کرد. چون به بی‌ثمر بودن مبارزه انفرادی معتقد بودم، لا جبرم برای رسیدن به هدف در صرف مبارزان خراسان وارد شدم. از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۶ در خدمت نظامی بودم و شرکت من در قیام ملی خود و سردار قهرمان کرد سرمهش و تعلیم ابتدائی انقلابی به من داد. جنبش خود و سردار در اثر بی‌تجربگی و فقدان هرگونه شرایط برای کامیا بی شکست خورد و قربانی بسیار داد. در سال ۱۹۲۰ ولادیمیر ایلیچ لنین خود و سردار و دیگران قیام خراسان را بحضور پذیرفت و به آنها گفت: اکنون شرایط برای انقلاب در ایران فراهم نیست و بهتر است خود را با تحصیل دانش انقلاب مجهز و برای روزی که فرصل عمل برسد آماده کنید. اما خود و سردار و برادرانش الله وردی خان و حسین خان سردار عمق اندز لینین را در رک نکردند و پس از چندی به ایران بازگشتد و قربانی شدند.

پس از این فاجعه، قیام در خراسان بسرکردگی کلnel محمد تقی خان پسیان آغاز شد. اگر چه این جنبش برای استعمال و چاکرانش بلیه ای بود، فی شادروان پسیان، با وجود علاوه و تکیه به خلق، به فن انقلاب و رهبری انقلابی و اصول کار جمعی توجه نداشت و

Гусейнкули Гулам-Заде, "Гнев" - История одной жизни, книга

(*)

د رنتیجه د چار اشتیاه شد و شکست خورد و مرتضیان د زخم پیشه سرش را بریدند. این شعر عارف درباره این حادثه است :

این سرمه نشان سرپرستی است
باد بدیه حسرتیش ببینید
این عاقبت وطن پرستی است

کلشن محمد تقی خان پسیان^۱ که من اورامیشناختم، صدیق ترین ، باوفاترین فرزند ملت ایران بود و مرگ شراحتمند انه را برزندگی ننگین گزید : « یک مرده بنام به که صد زنده به تنگ » - این مصوع ورد آئی زیان کلشن بود. از روز شهادت او اکتوبر ۵۲ سال میگذرد ولی اودرواقع زنده و جاوده^۲ پس از سرکوب قیام کلشن ، جنبش مسلحه ارشش در سال ۱۹۶۶ تحت رهبری سالار چنگ باوند روی داد که نسبت به جنبش خد و سردار و تقی خان. جنبه اجتماعی بیشتری داشت. ایز جنبش انقلابی نظامی با پرچهای سرخ و با محاکمه و مجازات خیانتکاران ، باتکیه قاطع به مردم و حتی در دل استثمارگران ایجاد کرد . از آنچه مطلع در جبهه سبزوار (بسرکردگی حسینقلی خان آجودان شورا - های زحمتکشان بوجود آمد ، بانکهای دولتی ضبط شد ، املاک ملاکین تقسیم گردید ، معادن بیرون و نملک ملی اعلام شد و حکم غائbane اعدام سران ارجاع مانند رضا شاه ، قوام السلطنه ، سید ضیا^۳ - الدین و دیگر سرکوب کنندگان قیام پسیان صادر گردید . ولی زندگی بعدی سالار چنگ نشان داد که وی ادرار ک درستی از هدفهای انقلابی نداشت و سرانجام کارش پس از سالیان دراز مهاجرت به تحصیل در مقابل رژیم کنونی ایران کشید .

سپس رفیق غلام زاده مینویسد :

« گرچه رژیم دیکاتوری امروزی ایران قوی ، جابر ، خوتخوار ، پرتوپر و مکار است و نظیر ش در قرنها اخیر تاریخ میهن ماتبوده ، اما از جهت تاریخی محکوم به مرگ و فناست ، زیرا بگفته فرشی بزدی " خرابی چونکه از حد بگزند آباد میگردد " . رژیم یعنی خان دریاستان نیز قوی و جابر بود ولی سرانجامش بکجا رسید ؟ تشکیل یک جبهه واحد ملی از کلیه نیروهای ضد رژیم و ضد امیرالیسم در سراسر کشور شرط پیروزی است . »

رفیق محترم غلام زاده می افزاید :

« خط مشی مقدس حزب توده ایران را محترم میشم و بآجان و دل پیروی مینمایم و این نامه را با این سخن نویسنده و شاعر بکیر ایران سعدی خانه میدهم :

با همه تندی و صلابت که اوست شیر زیان را بد راند پوست .	پشه چو پرش بزند پیل را مورچگان را چو بود اتفاق
---	---

ما عزد راز و موقعيت وسلامت را برابر ا رفیق حسینقلی غلام زاده آرمذیم .

D O N Y A
 Political and Theoretical Organ
 of the Central Committee of
 the Tudeh Party of Iran
 14th Year- No 2

Price in :

U.S.A.	0.90	dollar
Bundesrepublik	3.00	Mark
France	4.50	franc
Italia	306.00	Lire
Österreich	22.00	Schilling
England	0.36	Pound

اشترک سالیانه ۶ مارک آلمان غربی یا معادل آن

Annual Subscription 6 West German Mark or its equivalent

No 2

Tudeh Publishing Centre

Druckerei " Salzland "

325 Stassfurt

حساب بانکی ما

Sweden	Sweden
Stockholm	10028 Stockholm 49
Stockholm Sparbank	P.O. Box 49034
N: 0 400 126 50	
Dr. Takman	

با مابهادر رس زیر مکاتبه کنید :

مجله " دنیا "
 ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
 چاپخانه " زالتسلاند " ۳۲۵ شناسنامه
 دوره دوم ، سال چهاردهم ، شماره دوم ، ۱۳۵۲ ،
 بهای درایران ۴۰ ریال

بها» ۴۰ «ریال یا معاِدل ارزی آن